

بسم الله الرحمن الرحيم

رَهْتُ شَهْرَ اهْيَانِ نُور

موضوع:

تبليغ و مبلغ:

گروه محاطب:

- عمومی

- تخصصی (طلاب و دانشجویان)

سیماره کتاب ۱۴۲۷

مسلسل اسناد ۲۵۰۶

متن آموزشی طرح هجرت ۵۹

رهنوشه راهیان نور: ویژه نوجوانان، تابستان ۱۳۸۴ / تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز تربیت مریع کودکان و نوجوانان؛ نهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی. - قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۴، ۲۷۷ ص. : جدول، نمودار. (بوستان کتاب قم؛ ۱۴۲۷. متن آموزشی طرح هجرت؛ ۵۹) (تبليغ و مبلغ؛ ۶۶)

ISBN 964 - 371 - 837 - ۹ ریال: ۱۲۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Rahtushe-ye Raheyān Nūr.

پشت جلد لاتینی شده:

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. اسلام - مسائل منفرقه. ۲. اسلام - به زبان ساده. ۳. جوانان و اسلام. ۴. اخلاق اسلامی - به زبان ساده. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز تربیت مریع کودکان و نوجوانان. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی. ج. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم مؤسسه بوستان کتاب قم.

۲۹۷/۰۲

BP ۸ / ۹۶۷۴

۱۳۸۴

رەتۋىشۇر اھىان نور

ويژه نوجوانان

تابستان ۱۳۸۴

تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی

تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم
مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان

بىشىخ كېلىق
۱۳۸۴

بوستان کتب

رهبری راهیان نور (تابستان ۱۳۸۴)
وزیره نوچوانان

- نهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم / معاونت فرهنگی و تبلیغی
- تدوین، ویرایش، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و نموده خوانی: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان
- ناشر: مزسسه بوستان کتاب قم (النشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
- این‌گرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی • نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴
- شمارگان: ۵۵۰۰ بها: ۱۲۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

✓ دفتر مرکزی: قم، خ شهداء (صفاییه)، ص پ ۹۱۷، تلفن: ۰۳۵۲۱۰۴، ۰۳۵۲۱۵۵۰-۷، تماير: ۰۳۵۲۱۰۴

✓ فروشگاه مرکزی: قم، چهار راه شهداء (هر رده ۱۲۰۰ هعنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

تلفن پخش: ۰۳۵۲۳۴۲۶

✓ فروشگاه شماره ۲: تهران، خ لسلیان جنوبی، کوچه دوم (پشن)، تلفن: ۰۳۵۰-۰۳۴۶

✓ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهار راه خسروی، مجتمع یاسن، تلفن: ۰۳۵۲۳۴۷۷

✓ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، گلستان کتاب، تلفن: ۰۳۵۷-۰۲۲۰

پست الکترونیک: E-mail:info@bustaneketab.com

جایزه‌دارین آثار مؤسسه و آشنازی با آن در وب سایت:
<http://www.bustaneketab.com>

امام خمینی (ره)

بچه های کوچک را اگر
اسلامی بار بیاورید، استقلال و
آزادی شما بیمه خواهد شد.

تریست باید از اول باشد.
انسان باید از همان کودکی
تحت تربیت قرار بگیرد.

مقام معظم رهبری

بگردید و ببینید که نیاز این
زمان چیست و مردم محتاج
چه چیزی هستند. آن را از
شرع مقدس اسلام بگیرید...
آن را پخته کنید، آماده
نمایید و مثل شیری در کام
مردم بریزید.

فهرست

۹.....	پیشگفتار.....
۱۱.....	مقدمه.....
۱۳.....	احکام.....
۱۵.....	هادی دین.....
۲۰.....	محرم و نامحرم.....
۳۰.....	برگریزان.....
۴۰.....	خانه معبد.....
۵۹.....	اخلاق.....
۶۱.....	ایثار و احسان.....
۷۳.....	نیایش.....
۸۹.....	مشاور.....
۱۰۱.....	یار گل.....
۱۱۰.....	عقاید.....
۱۱۷.....	نشانه ها.....
۱۲۷.....	پیروی از خدا و رسول(ص).....
۱۳۹.....	امتحان و آزمایش.....
۱۵۱.....	ولایت و رهبری.....
۱۶۳.....	پاداش اعمال.....
۱۷۳.....	پاداش خوبان.....

۱۸۳	اجتماعی
۱۸۵	همدی و همکاری
۱۹۹	مناسبت‌ها و فعالیت‌های پرورشی
۲۱۱	جنگ بدر و احمد
۲۲۳	گلباران
۲۲۱	شیعه مخلص
۲۴۰	رایحه خوشبو
۲۵۳	جشن مولود کعبه
۲۶۱	دوستان بیکار نشینیم

پیشگفتار

برنامه‌ریزی آگاهانه و حساب شده برای کودکان و نوجوانان که آینده سازان نظام با برکت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، امری ضروری و لازم است که غلت از آن پیامدهای ناگوار و لطمehای جبران ناپذیری را موجب می‌گردد.

بر این اساس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم همچون سال‌های گذشته درس‌های کاربردی و متنوع در زمینه‌های اعتقادی - اخلاقی - احکامی - اجتماعی و... تنظیم نموده است تا مبلغان و مریسان گرامی که در «طرح هجرت تابستان ۱۳۸۴» به سراسر کشور و مناطق شهری و روستایی اعزام می‌شوند بتوانند با استفاده از شیوه‌های غیر مستقیم، معارف دینی را در وجود آینده سازان این مرز و بوم نهادینه سازند.

لازم به ذکر است که ابتكار و سلیقه مریبی و توجه به جنبه‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان و جامعه‌شناسی مناطق گوناگون شهری و روستایی و هماهنگی با نهادها و مراکز فرهنگی در موفقیت هر چه بیش‌تر برنامه‌های تابستانی تأثیر بهسزایی خواهد داشت.

گفتنی است با توجه به نامگذاری سال ۱۳۸۴ به سال «همبستگی ملّی» و «مشارکت عمومی» از سوی مقام معظم رهبری شایسته است مریسان گرامی از مشارکت جدی تشكل‌های مردمی، نیروهای فرهنگی و دانش‌آموزان در فعالیت‌های تابستانی کلاس‌ها و برنامه‌ها حداکثر استفاده را بنمایند تا نتیجه بهتری حاصل گردد.

در پایان از صاحب‌نظران و محققان مرکز تربیت مریبی کودکان و نوجوانان که با همکاری صمیمانه و مخلصانه خود جهت تدوین ره‌توشه راهیان سور ویژه کودکان و نوجوانان تلاش ارزشمندی را انجام داده‌اند تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

معاونت فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در دنیای امروز، رسانه‌های جمعی، فاصله‌ها را کوتاه، و امکان دستیابی به آخرین خبرها و دستاوردهای علمی و یافته‌های تجربی را آسان ساخته‌اند. همین امکان، معلومات و اندوخته‌های بهره‌وران از آن‌ها را به صورت بسیار پیش‌تر از باقیه‌ای بالا برده است. در چنین شرایطی دستیابی به روش‌های جدید و شیوه‌های نو جهت ارایه دانش والای دین - عقاید - و شناساندن و به ثمر رساندن رفتارهای شایسته الهی انسانی - اخلاق و آداب - و گسترش دیدگاهها و نگرش‌ها نسبت به حقایق عالم - تفسیر - به شدت احساس می‌شود.

احساس این رویکرد در نسل جوان و نوجوان که با شتابی دو چندان از رسانه‌های جدید، همچون ماهواره، اینترنت بهره‌مند و به سرعت و شتاب، خود را با آخرین یافته‌ها تطبیق می‌دهند، بیشتر خود را نمایان می‌سازد.
و رسالت حوزه‌یان!

منادیان پیام‌های انبیای الهی
طلاییداران اندیشه‌های اصلاح و رهایی،
در این زمانه حساس چگونه باید به بار نشیند؟

مگر نه این که پیامبران در هر زمان، حرف اول را می‌زندند؟ و مگر نه این که هر پیامبر به ویژه پیامبران بزرگ و اولوالعزم با درک صحیح و دقیق تمامی نیازها و بایدها و نبایدهای زمان خویش و کرانه‌های دور آینده، وارد صحنه می‌شندن؟

امروز نیز ما با الهام از آن خداگونه گان، باید هم‌مان با تحکیم و استوار سازی مبانی اصیل دین الهی در درون خویش و با استفاده از ابزارهای زمان، آن را به نسل فردا منتقل سازیم و هم‌مان با آگاهی از ضرورت‌های زمان و فعالیت‌های بد و خوب دیگران، راه انتخاب سره از ناسره را با زیبایی و گوناگونی روش‌ها به نسل جوان گوشزد نماییم؛ همچنین هم‌بازان با تثیت سجایای والای انسانی در زوایای کردارمان که پیامبرمان برای اتمام آن‌ها خود را مبعوث شده نمی‌شد - آن‌ها را با شیوه‌هایی دلپذیر و جذاب به آینده‌سازان بسپاریم.

این رسالت را هر چند نه به تمامی و نه به ادعای آن - مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان به باری پروردگار و عنایت‌های ویژه حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله فرجه الشریف - بر خود احساس نموده است و گسترش آن را بر شما مسئولیت شناسان و مسئولیت‌پذیران سخت کوش کم نام و نشان - ولی با اراده و مخلص - عرضه می‌دارد. به امید آن که با تلاش‌های اندیشمندانه و صبورانه شما شاهد اصلاح و تکامل جامعه در همه زمینه‌ها باشیم.

نکاتی چند:

۱. ره توشه فقط آغاز راه است، شما ادامه دهنده و پایان رسان آن باشید.
۲. این مجموعه توسط برادران و محققان ارجمند مرکز تربیت مربی، حضرات حجج اسلام آقایان: حسین حقیقت(مسئول محترم تحقیقات مرکز تربیت مربی) و آقایان محمد علینی، محمدرضا عابدی، غلامرضا محسنی، محمود خیری، (اعضای محترم هیأت تحریریه) و محققین گرامی: حامد محقق زاده، عبدالله عمادی، مسعود شهیدی، علیرضا نجفی، حسینعلی عرب‌انصاری، محسن کرفی، محمدرضا فیاضی، علی نامدار و طراح و تصویرگران این مجموعه آقایان: اصغر مهرآین، محسن رباني و احمد مهدی‌زاده و دیگر کارمندان سخت کوش مرکز به ویژه آقای محمد رضا شفاعتی و سید محمود موسوی تهیه شده است که از همه آن‌ها صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.
۳. انتقادها و پیشنهادهای سازنده شما همواره راهگشای راهی است که در آن قدم نهاده ایم، لذا از نظریه‌های خوب و سازنده شما نهایت استقبال را به عمل می‌آوریم.
۴. استفاده از امکانات محلی - هر چند به صورت محدود - و بهره‌گیری از ابزارهای دیگر آموزشی، به عهده شما و ابتکار شما و تلاش بی‌وقفه شما نهاده شده است.

من الله التوفيق و عليه التكلال
مدیر مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان
با ارادت به همه مبلغان سخت کوش
محمد حسن راستگو

أحكام

تدریس:

هادی دین

مروضی:

احکام

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با تقلید و رجوع به مجتهد آشنا می شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. چگونگی به دست آمدن دستور خدا؛
۲. دلیل رجوع به مجتهد؛
۳. شرایط و ویژگی های مجتهد؛
۴. راه های به دست آوردن فتوای مجتهد؛

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس جهت انجام تکالیف شرعی خود، مرجع اعلم خود را انتخاب کنند و رساله وی را نیز تهیه کنند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی
۲. فعال (پرسش و پاسخ، جورچین، بازی با کارت، مسابقه،)

رسانه های آموزشی:

۱. تخته
۲. کارت
۳. رساله

اسم الله الرحمن الرحيم ۲۱

هادی دین

به نام خداوند قادر و دانا

به نام خداوند بی همتا

به نام خداوند پاک و بزرگ

خداوند دریا و ارض و سما

امیدوارم حال همگی شما خوب خوب باشد. برای یک برنامه جذاب و دیدنی
آماده هستید؟ آماده آماده؟

پس شروع می کنیم. شما همچون آینه در رویه روی من باشید. هر کاری که
می کنم، شما باید آن کار را انجام دهید.^۱

خوب بچهها! عالی بود. در کارهای روزمره هم از دیگران و کارهای آنها
تقلید می کنیم. مثل چی؟ چه کار می کنیم؟

آیا تا به حال گلاس خوشنویسی رفته اید؟ کسی که می خواهد خوشنویسی
یاد بگیرد، استاد به او سرمشق می دهد و او از خط استاد تقلید می کند و
می نویسد. چه کار می کند؟ آفرین، تقلید می کند.

۱. مریم کارهای غلط اندازی، مثل دست راست و چپ انجام دهد و بچه ها تقلید کنند. برای جذابیت و تنوع
خوب است حرکات خنده دار هم ضمیمه گردد.

حالا که حواس‌ها جمع است به این کارت‌ها توجه کنید و کلمه آن را بخوانید.

بچه‌ها! دستورها و حرف‌های خدا چطوری به دسته ما می‌رسد؟

به وسیله پیامبر

چگونه؟ با وحی به پیامبر.

خداوند دستورهایش را کجا برای ما آورده است؟ در قرآن

بعد از پیامبر، دستور خدا را از چه کسی به دست می‌آوریم؟

امام آن را از کجا بیان کرده است؟ حدیث

بعد از امام دستور خدا را از چه کسی بگیریم؟ جانشین امام

جانشین امام کیست؟ مجتهد

مجتهد چه کسی است؟ چه کسی می‌تواند مجتهد را تعریف کند؟ آفرین،

مجتهد کسی است که دستور خدا را از قرآن و حدیث و با استفاده از عقل

خود به دست می‌آورد و برای ما بیان می‌کند.

در کجا؟ رساله، «رساله توضیح المسائل» که ما باید آن را بخوانیم تا دستور

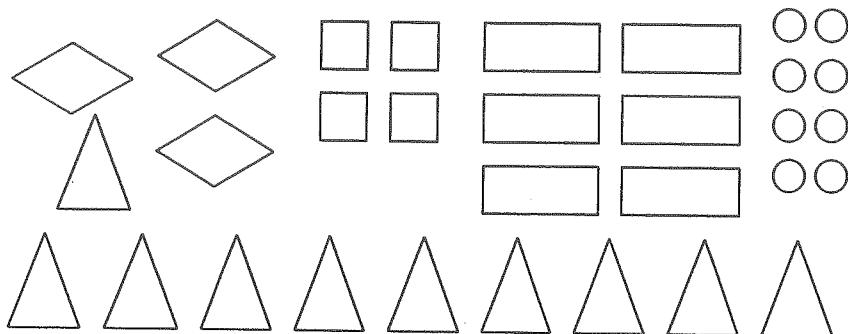
خدا را بفهمیم و به آن عمل کنیم.

عمل کردن به رساله مجتهد را چه می‌گویند؟ تقلید

حالا یکی از بچه‌ها به جلو بیاید.

۱. مریب کمی صیر کند تا بچه‌ها کمی فکر کنند و جواب دهند.

۲. مریب برگه‌ای به این شکل به او می‌دهد که در آن شکل ۸ دایره، ۶ مستطیل، ۴ مربع، ۱۰ مثلث، ۳ لوزی باشد. پس از او می‌خواهد که این برگ را ببیند و هر چه در آن است برای داش آموزان گزارش بدهد.



مربی بعد از گزارش، از دانش آموزان می پرسد که چند شکل مرربع در برگه بود؟
بعد از جواب بچه ها می گوید: «همان طور که شما به دوستان اعتماد کردید و
جواب دادید، مجتهد هم همین طور است. او دستور خدا را در قرآن و کلام
پیامبر و امامان ما خوانده است و با استفاده از علم خود، آن را برای ما می گوید
ما هم که آنها را ندیده و نخوانده ایم از او می پذیریم و به آن عمل می کنیم.»

بار دیگر بگویید . نام این عمل چیست؟ تقلید

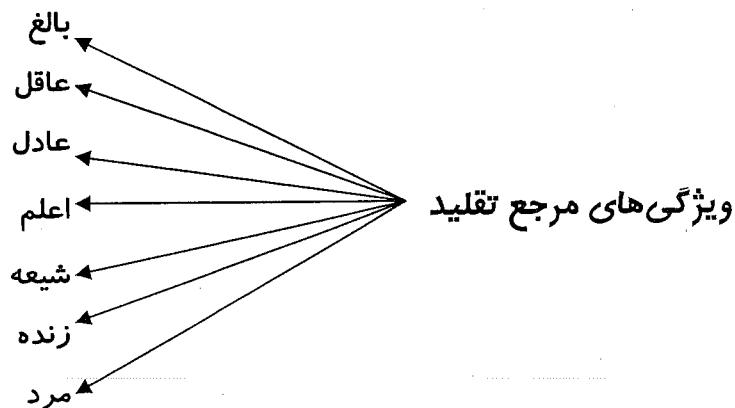
کدام یک از شما در منزل، رساله یکی از مجتهدان را دارید؟ آفرین، لازم
است هر مسلمانی کتابی که دستور خدا در آن آمده است را تهیه کند و به آن
عمل کند.

بچه ها! به نظر شما مجتهدی که ما باید از او تقلید کنیم، چه شرایط و
ویژگی هایی باید دارا باشد.^۱

برای این که زودتر به جواب سؤالمان برسیم، نموداری می کشیم تا ویژگی های
یک مجتهد را در آن قرار دهیم. به هر کدام از شما برگه هایی می دهم که در آن

۱. مربی اجازه دهد بچه ها همگی درباره این موضوع اظهار نظر کنند، سپس خود تکمیل کند.

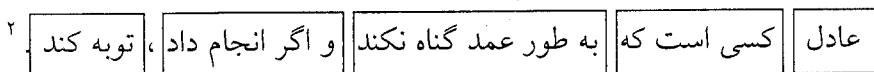
کلمه‌ای نوشته شده است. بعد از باز کردن برگ‌ها، کسانی که جواب سؤال را دارند دست بلند کنند. آن گاه پای تخته بیایند و جواب را بنویسند.^۱



صد بارک الله به کسانی که جواب را بلد بودند و آنرا نوشتند. حالا هر کسی که کلمه‌ای نوشته است باید آن را معنا کند.

بالغ یعنی چه؟ عاقل یعنی چه؟ عادل یعنی چه؟ بچه‌ها درست گفت؟ نظر شما چیست؟

من چند کارت را که کلمه‌هایی در آن است در هم ریخته در اختیار ایشان می‌گذارم تا این دوست، (نویسنده کلمه عادل) آنها را در زمان معین کنار هم بگذارد و مرتب کند تا بفهمیم معنای عادل چیست و به چه کسی عادل می‌گوییم؟



۱. علاوه بر کلمات جواب در برگ‌ها کلماتی مثل دانا، پیر، با ایمان، مسلمان، عالم، شجاع، سالم، فقیه، سید عابد را خسیمه کند. در ضمن جواب‌های مورد نظر یعنی عاقل، بالغ، شیعه، عادل، مرد، اعلم، زنده در ۷ برگ تقسیم شود. مجموع برگ‌ها ۱۷ ناست که به ۱۷ نفر از بچه‌های کلاس به انتخاب مریبی داده می‌شود.

۲. اگر نتوانست مرتب کند خود مریبی او را کمک و راهنمایی و سپس مرتب کند.

آفرین، حالا بگویید که اعلم یعنی چه؟ داناتر از همه.

زنده یعنی چه؟ از مجتهدی که فوت شده است نمی‌توان تقلید کرد. مثل امام خمینی (ره)، اما اگر وقتی زنده بود و از او تقلید می‌کردیم، بعد از فوت با شرایطی او نیز می‌توانیم از او تقلید کنیم.

مرد یعنی چه؟ از زن نمی‌توان تقلید کرد.

خوب ۷ نفر شرکت کننده در مسابقه تعیین شدند.

من قبل از شروع مسابقه، شرح حال بعضی از مجتهدان را می‌گویم.

یکی از ویژگی‌های بارز و خوبی که مجتهدان ما دارند این است که به عبادت و راز نیازی‌باخته‌ای اهمیت می‌دهند و آن را به طور کاملاً وبا خضوع و خشوع انجام می‌دهند. نقل می‌کنند که «آیت الله بروجردی (ره)» همیشه دو ساعت قبل از اذان صبح بیدار می‌شد و مشغول به نماز شب و مناجات با خدا می‌شد. پس از آن مطالعه می‌کرد تا وقتی که اذان صبح گفته می‌شد.

همچنین «آیه الله اراکی (ره)» در نماز خود وقتی حمد و سوره می‌خواند و خود را در برابر خدا می‌دید، به گریه می‌افتداد. و یا از مراجع دیگر که نمازشان، حال و هوای خاصی دارد.

حالا که تمام نفرات شرکت کننده در مسابقه مشخص شدند، مسابقه ما به این صورت است که ۶ نفر شرکت کننده به دو گروه ۳ نفره تقسیم می‌شوند و نفر هفتم مسئول دریافت پاسخ‌های هر گروه است. هر گروه ۵ سؤال دریافت می‌کند که باید یک نفر به عنوان سرگزروه جواب‌هایش را از بین جواب‌ها^۱ پیدا کند و

۱. جواب سؤال‌های هر گروه در کارت نوشته شده و روی میز مرتبه ریخته می‌شود تا سرگزروه جواب هر سؤال را از بین آن‌ها پیدا کند.

توسط ۲ نفر از افراد گروه خود به مسؤول دریافت پاسخ‌ها، برساند و گروه دیگر باید مانع شود.^۱

البته چند تذکر باید داده شود:

۱. افرادی که جواب را به دست مسؤول دریافت پاسخ‌ها می‌رسانند با چشم بسته حرکت می‌کنند و افراد گروه مقابل هم همین طور عمل می‌کنند. البته افراد هر گروه یکی یکی فرستاده می‌شوند. یعنی یک نفر حامل جواب است و یک نفر از گروه مقابل مانع آن.
 ۲. افراد دو گروه توسط سرگروه‌های خود راهنمایی و جهت دهی می‌شوند.
 ۳. اگر فردی از گروه توسط فردی از گروه مقابل گرفته شد، دیگر نمی‌تواند به مسابقه ادامه دهد.
 ۴. برای رساندن جواب‌ها، زمان معینی برای هر گروه قرار داده می‌شود. زمان ۵ دقیقه.
 ۵. مسؤول دریافت پاسخ‌ها، باید جواب‌ها را روی تخته در جدول بنویسد.
 ۶. پس از پایان زمان، هر گروه جواب‌هایی که پیدا شده و به دست مسؤول رسیده امتیازبندی و جواب‌هایی که پیدا نشده یا نرسیده است، توسط مریض پیدا شود و در ادامه جواب‌ها روی تخته نوشته شود.
- حالا از گروه یک شروع می‌کنیم. یک نفر سرگروه می‌شود که سؤال‌ها را دریافت و جواب‌ها را پیدا می‌کند. و ۲ نفر هم یک انتخاب می‌شوند که آن را به دست مسؤول دریافت پاسخ‌ها می‌رسانند.

۱. هر سؤال هم ۵ امتیاز دارد.

سؤالهای گروه (۱)

۱. حکم و دستور خدا از کجا به دست می آید؟
قرآن و حدیث
۲. دستور خدا بعد از پیامر توسط چه کسانی به دست مردم می‌رسد؟
امام
۳. دستور خدا در زمان غیبت امام زمان توسط چه کسی به دست
مجتهد مردم می‌رسد؟
۴. کسی که تازه به تکلیف می‌رسد از چه کسی نباید تقلید کند؟
مجتهد فوت شده
۵. از چه راههایی مجتهد را می‌شناسیم؟

- خود انسان بشناسد.
- از دو شخص عادل بشنود.
- از یک گروه مطمئن بشنود.

سؤالهای گروه (۲)

۱. فتوای مجتهد را چگونه به دست می‌آوریم؟

- شنیدن از خود مجتهد.
- دیدن در رساله.

۲. شنیدن از ۲ شخص عادل یا یک شخص مطمئن.^۱

۱. توضیح المسائل مراجع، انتشارات اسلامی، قم، ج ۱، ص ۱۶ و ۱۷، مسأله ۳: مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت: اول: آن که خود انسان یقین کند....
..... دوم: دو نفر عالم و عادل که
..... سوم: علامه‌ای از اهل علم که
..... ۲. همان، ص ۱۹، مسأله ۵

۲. اگر کسی بدون تقلید اعمال دین را انجام دهد، اعمالش چه حکمی
باطل است دارد؟
۳. در چه جایی تقلید کردن باطل است؟
اصول دین
۴. نام کتاب مجتهد چیست؟
رساله توضیح المسائل
۵. به شخصی که تقلید می‌کند چه می‌گویند؟
مقلد

در پایان گروهی که جواب‌های بیشتری را نوشته باشد، برنده است.
دوستان برنده خود را با یک صلوات قرآنی تشویق کنند. از همه شما دوستان
عزیز می‌خواهم که به منزل رفتید از اعضاء خانه یا از دیگران پرس و جو کنید و
نام بعضی از مجتهدان را برای جلسه بعدی بیاورید.

کاریز:

محرم و نامحرم

متن خصیع:

احکام

هدف گلایی:

دانشآموزان در این درس با برخی از احکام محرم و نامحرم و مسئله حجاب در اسلام آشنا می‌شوند.

اهداف چرخی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند.

۱. حجاب و آداب آن؛

۲. محرم در اسلام؛

۳. نامحرم و احکام آن.

هدف رفتاری (خرچه):

انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس احکام محرم و نامحرم را رعایت کنند و دختران پوشش خود را در مقابل نامحرم حفظ کنند

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، کارت بازی، طرح)

رسانه‌های آموزنشی:

۱. تخته ۲. کارت

کیم کلر لر ریم لر خیم

محرم و نافحرم

به نام خداوند بخششده مهریان
دوستان خوب سلام، با آرزوی سلامت کامل برای شما نوجوانان عزیزا! برنامه را
با چند سؤال از شما شروع می‌کنم. هر کدام از شما مایل بود، می‌تواند پاسخ این
سؤال‌ها را بدهد؟

آیا تاکنون خواب دیده‌اید؟

چه خوابی دیده‌اید؟

آیا از دیدن آن خواب، خوشحال شدید؟

آیا از دیدن آن خواب، ناراحت شدید؟

چرا؟

حالا چشم‌های خود را ببینید؟ آیا می‌توانید ببینید؟ نه!

تا نگفتم چشم‌های خود را باز نکنید.

آیا آنچه نه در تابلو می‌نویسم، می‌توانید حدس بزنید؟

۱. مری در هنگام صحبت کردن با بجهه‌ها در تابلو می‌نویسد: چشم را درویش کن. چشم دریده، ادب نگاه ندارد. چشم می‌بیند، دل می‌خواهد.

با چشم بسته چطور خواب می بینید؟

حالا چشم‌های خود را باز کنید. به آنچه در تابلو نوشته شده است، توجه کنید.

آیا می توانید یک شعر از «باباطاهر» در باره دیدن بگویید؟

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند، دل کند یاد

احسنت، بحث ما در باره «دیدن» است، یا همان نعمت بزرگ خداوندی، یعنی
«بینایی».

بله، قدرت بینایی باید در یک جاها^۱ شود.

اما در چه جاها^۱؟

برای پاسخ به سؤال، حالا به این کارت‌ها توجه کنید.

هـ گـ اـ نـ درـ هـ نـ گـ اـ بـ اـ يـ دـ رـ نـ لـ شـ وـ دـ.

بله، هر زمانی که نگاه موجب گناه شود، باید کنترل شود. مثل نگاه به^۲ :

نامحرم

برای محرم شدن «نامحرم» چه کار می توان کرد؟

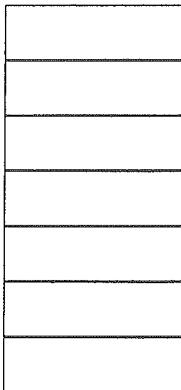
۱. مریبی در پشت کارت کلمه «کنترل» را با خط زیبا می آورد.

۲. مریبی با خط فانتزی در دو مرحله به کلمه «نامحرم» برسد.

آفرین، بله، اگر «نا» را برداریم، این «نامحرم»، محرم می‌شود.

چه کسانی «محرم» انسان هستند؟

آیا دوست دارید، با اسمی تعدادی از آن‌ها آشنا شوید؟ به شماره‌هایی که در تابلو می‌نویسم توجه کنید! در هر ردیف با یک گروه از «محرم‌ها» آشنا می‌شویم.^۱



الف - ۲۸ - ۱ - ۱۰ - ۱۲ - ۱۳ - ۲ - ۱۲

ب - دختر - ۱۲ - ۲۳ - ۱۳ - ۲۹ - ۱۰

ج - ۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۱۲

د - دختر - ۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۱۲

ه - دختر - ۲ - ۱۲ - ۱ - ۱۰ - ۱۲

و - ۳۱ - ۲۸ - ۲۱

ز - ۹ - ۳۱ - ۲۷ - ۱

بله، اگر به جای این اعداد، حروف الفبای فارسی را قرار دهید، با کسانی آشنا می‌شوید که «محرم» ما هستند!

اسم یکی از محرم‌ها را نتوشتیم! چه کسی می‌تواند نام او را بگوید؟

بله، منظور من آقا **داماد** است.

آیا آقا داماد **گل** به همه محرم است؟

نه، چرا؟

۱. مربی به همراه دانش‌آموزان به جای اعداد، حروف آن را از الفبای فارسی جایگزین کند و نام هر گروه را در جای مشخص بیاورد.

۲. مربی تا حد امکان برای نامحرم بودن داماد نسبت به اعضای خانواده توضیح دهد.

آفرین! دوستان خوب من این آقا «داماد گل»، محرم نیست.

حالا با اسمی هفت گروه دیگر هم آشنا شویم!

الف - پ - ۱۰ - د - ۱۲ - ب - ۱۳ - ر - ۲۶

ب - ۳۰ - ۲۹ - ۳۱

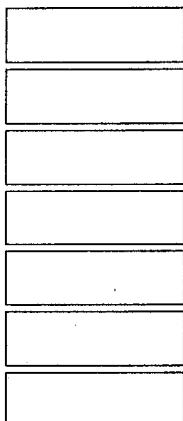
ج - ب - ۱۲ - ۱ - ۱۰ - ر

د - پسر - ۹ - ۳۰ - ۱ - ۱۰ - ر

ه - پسر - ۲ - ۱۲ - ۱ - ۱۰ - ر

و - ۳۰ - ۲۸ - ۲۱

ز - ۱۰ - ۱ - ۳۲ - ۳۲



این هفت گروه هم محرم هستند!^۱

برای پیدا کردن یک وظیفه مهم دیگر با هم یک جدول قرآنی را حل می‌کنیم.
ابتدا من سؤال‌هایی از شما می‌پرسم که پاسخ می‌دهید. آن گاه حروف پاسخ را در شانه‌های جدول قرار می‌دهم.

هر چند پیام جدول کوتاه است، اما عمل به آن آثار بسیاری دارد.

نام سوره‌ای در قرآن که به معنی آهن است: حديد

نام سوره‌ای که نام هفتمین روز هفته است: جمعه

نام سوره‌ای به معنای در شب سیر کردن: اسرا

نام بزرگ‌ترین سوره قرآن: بقره

۱. مرتبی به همراه دانش‌آموزان به جای اعداد، حروف آن را از الفای فارسی جایگزین کند.

د	ی	د	ح
ه	ع	م	ج
ا	ر	س	ا
ه	ر	ق	ب

چه کسی می‌تواند از میان حروف جدول، وظیفه خود را در مقابل «نامحرم» پیدا کند؟
یک راهنمایی!

اگر حروف ردیف اول جدول را از بالا به پایین کنار هم قرار دهیم، دستور الهی را که یکی از ارزش‌های ماندگار انسانی برای ما مسلمانان است به دست می‌آید.

آن چیست؟ بله، حجاب

دستور به حجاب از آیه ۳۱ سوره نور آمده است.

حالا به یک حکایت کوتاه در این باره گوش کنید و توجه کنید که:
رعایت حجاب سبب خوشنودی رسول خدا(ص) می‌شود.

روزی رسول خدا(ص) در منزل حضرت زهراء(س) بود. «عبدالله ابن مكتوم» که نایبنا بود بر آنان وارد شد. بعد از ورود وی، حضرت فاطمه(س) از نزد پدر رفت، با آن که در کنار پدر بودن را بسیار دوست می‌داشت.

۱. و قل للّمُؤْمِنَاتِ يَغْضِنُنَّ مِنَ الْبَصَارِ هُنَّ وَ...

بعد از آن که ابن مکتوم رفت، حضرت زهرا(س) نزد پدر بزرگوار آمد.
پیامبر(ص) برای امتحان وی فرمود: «فرزندم! چرا از ابن مکتوم پنهان شدی؟ وی
چشم ندارد و چیزی را نمی‌بیند؟»

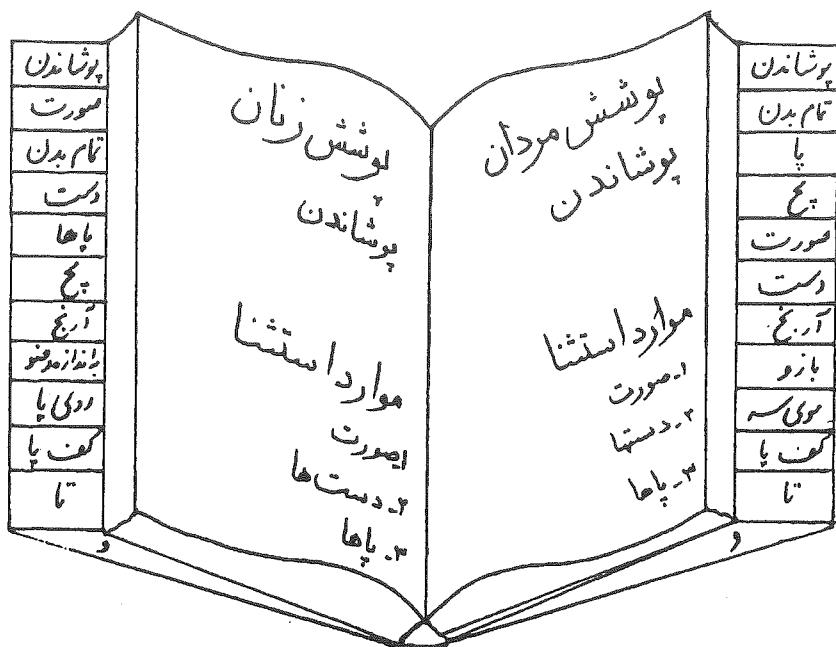
حضرت فاطمه(س) فرمود: «یا رسول الله(ص) اگر او چشم ندارد، من که
چشم دارم! اگر او مرا نمی‌بیند، من او را خواهم دید! حق تعالی فرموده است:
«قل للمؤمنات يغضضن من أبصارهن....»

رسول خدا(ص) فرمود: «شکر خدای را که در اهل بیت من کسی را قرار داد
که مرا شادمان سازد!»^۱

اما بعضی‌ها فکر می‌کنند که حجاب فقط مخصوص زن‌ها است. راستی آیا
می‌دانید که خداوند حکم حجاب را برای همه داده است و مردها هم باید
حجاب خود را رعایت کنند.

شاید فکر کنید که مردها حجاب ندارند. امانه؛ مردها هم برای خودشان
احکامی را دارند که باید رعایت کنند. باهم سری می‌زنیم به کتاب احکام که همه
این موارد را نوشته است.

۱. ملا فتح الله کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، اسلامیه، چ ۲، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۲۹۵.



شما کارت‌ها را انتخاب و در جای خود قرار دهید. با قرار دادن کارت‌ها در جای مناسب به پیام مورد نظر در باره‌ی رعایت حجاب دست پیدا می‌کنیم.

تدریس:

برگریزان

منو^{تصویع}:

احکام

هدف گلایی:

دانشآموزان در این درس با اهمیت نماز و برخی از احکام و مسائل آن آشنا
می‌شوند.

اهداف چریکی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند.

۱. نقش نماز در بخشودگی گناهان؛
۲. بعضی از احکام نماز و مکان‌هایی که نماز در آن مکروه است.

هدف رفتاری (خروبی):

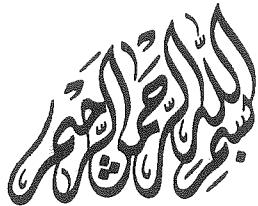
انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس نمازی با انجام آداب و احکام آن به جا
آورند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال (شعر، داستان، نمایش، کارت‌های بازی، مسابقه)

رسانه‌های آموزشی:

۱. تخته ۲. کارت



برگ ریزان

به نام خداوند بخشنده و مهربان

با سلام گرم و صمیمی به شما دانش آموzan و قرآن پژوهان عزیز! انشاء الله که
خوب خوب باشید و هر گونه بدی و بلا از شما دور باشد.

بچه ها! الان چه فصلی است؟ تابستان

فصل بعد از آن کدام است؟^۱ پاییز

چه اتفاقی در فصل پاییز می‌افتد؟ آفرین، برگ ریزان.

نام برنامه ما «برگ ریزان» است. لابد با خود می‌گویید فصل تابستان چه ارتباطی با برگ ریزان دارد. پس به یک داستان توجه کنید:

یکی از یاران پیامبر(ص) چنین می‌گوید: «فصل پاییز بود. من و سلمان فارسی زیر درختی نشسته بودیم. سلمان، شاخه درختی را که برگ‌هاش خشک شده بود، جنباند به طوری که برگ‌هاش به زمین ریخت.»

از او دلیل کارش را جویا شدم. او گفت که روزی با پیامبر(ص) زیر همین درخت نشسته بودیم که آن حضرت(ص) هم همین کار را انجام داد. وقتی علت

۱. مریبی در صورت امکان، یک شاخه کوچک پر از برگ با خود ببرد.

..... وه توشه راهیان نور

کار را از او سؤال کردم، حضرت(ص) فرمود: «وقتی مؤمن طبق دستور خدا وضو
بگیرد و نمازهای پنج گانه را صحیح بخواند، همانند برگ‌های این درخت که این
چنین به زمین ریخت، گناهان او نیز می‌ریزد.»

همان گونه که فصل پاییز برگ‌های درختان را می‌ریزد، نماز نیز گناهان و
زشتی‌های ما را می‌ریزد.
در خانه‌ای از غم

بنشسته بودم من

از دیدگانم اشک

می‌ریخت بر دامن

شادی نمی‌زد سر

هرگز به شهر دل

بنشسته بودم من

افسرده در منزل

سنگینی غم بود

بر قلب من، چون کوه

طفل دل من بود

بازیچه اندوه

تا این‌که از مسجد

صوت اذان آمد

بانگ دلاویزی

بر گوش جان آمد

لبریز ایمان شد

آینه قلبم

پاک و درخشان شد

یاد خدا آری!

آرامبخش ماست

در باغ این هستی

زیباترین گل هاست

بله عزیزان! خدا بهترین دوست ماست که غم‌ها و پریشانی‌ها و ناراحتی‌ها را از دل ما می‌برد و هر چه خوبی و نعمت و زیبایی است با نماز به ما می‌بخشد. کسانی که با نماز همیشه شادند و خدا را بهترین دوست خود می‌دانند، یک صلوات محکم بفرستند.

حالا که فضای برنامه را با صلوات عطرآگین کردید، با یک لطیفه به استقبال نمایش جذاب و قشنگ «اوستا و ممل» می‌رویم.

اما لطیفه:

شخصی که تازه نماز خواندن را یاد گرفته بود، به مسجد می‌رود و در نماز جماعت شرکت می‌کند. امام جماعت در رکعت اول، بعد از حمد سوره بقره را می‌خواند. این نمازخوان خیلی خسته می‌شود و حوصله‌اش سر می‌رود. رکعت دوم که امام جماعت سوره فیل را شروع کرد او نماز را رها کرد و شروع به فرار کردن کرد. به او گفتند که چرا فرار می‌کنی؟ گفت: «گاو که آنقدر طول کشید، دیگر فیل که معلوم است چقدر طولانی خواهد شد!»

حالا توجه شما را به نمایش اوستا و ممل جلب می‌کنم که بعد از آن پرسش‌های نمایش را از شما می‌پرسم.^۱

اوستا با چتر وارد می‌شود و می‌گوید: «اووه، عجب بارون شدیدی، بیچاره ممل که چتر با خودش نبرد و الان زیر این بارون خیس خیس شده.»

چند لحظه بعد، ممل سراسیمه وارد می‌شود، در حالی که یک دستش را با دست دیگر گرفته و از وضعیت باران شکایت می‌کند. ممل با کسی دعوا کرد و لباسش خونی شد، اما وانمود می‌کند که زمین خورده است. همان‌طور که اوستا و ممل مشغول بحث درباره دعوا و مسایل بیرون هستند، صدای اذان می‌آید.

ممل با امر اوستا، آماده وضو گرفتن برای نماز در مسجد می‌شود. در مسجد هنوز اذان تمام نشده است که ممل شروع به خواندن نماز می‌کند و در آن مسایلی پیش می‌آید از قبیل:

۱. وسط نماز، صدای وزوز زنبور دور سر ممل می‌آید و او به نشان زدن زنبور، خود را در حال خواندن قرائت تکان می‌دهد.

۲. در رکعت دوم، به جای تشهد برمی‌خیزد، اما وقتی یادش می‌آید تشهد نخوانده می‌نشیند.

۳. در رکعت سوم نماز، کسی کفش‌های ممل را بر می‌دارد و می‌برد. ممل با داد و فریاد نماز را می‌شکند و به دنبال او از صحنه خارج می‌شود. نمایش تمام می‌شود.

۱. کارگردانی نمایش به عهده خود مریبی است.

خوب، بچه ها! حالا شما بفرمایید مواردی که ممل اشتباه کرد و نباید انجام

می داد کدام بود؟^۱

۱. زخم دستش را نشست و وضعو گرفت.

۲. سرش زیر باران خیس شده بود و باید برای وضعو خشک می کرد.

۳. آرامش را رعایت نمی کرد.

پس دقت کردید که پیامهای نمایش ۳ تا بود که من آن ها را روی تخته

می نویسم.

۱- خیس نبودن سر و پا هنگام مسح آنها!

۲- آرام بودن بدن؟

۳- پاک بودن اعضای وضعو.

سه نفری که پیام ها و معماهای نمایش را بیان کردند به همراه یک نفر داوطلبانه برای مسابقه انتخاب شدند. خواهش می کنم به جلو تشریف بیاورند و در دو گروه ۲ نفره بایستند.

مسابقه در چند مرحله اجرا می شود.

مرحله اول: ۱۰ نفر از بچه ها رو به روی افراد شرکت کننده می ایستند. در دست آنها کارت هایی است که دو به دو به هم مربوط است، اما پنج تای آنها به پشت نشان داده می شود. شرکت کننده ها باید حدس بزنند که کارت هایی که کلمه آنها به رو نشان داده شده است به کدام یک از کلمه های پنهان مربوط است.

۱. ممکن است، بچه ها به قیام بی جا اشاره کنند اما می گوییم که مبطل نیست. فقط سجده سه هزار و طرز خواندن آن را هم می دهیم. ممکن است به شروع نماز در وسط اذان اشاره کنند، اما می گوییم که لازم نیست اذان تمام شود، بلکه بهتر است. و ممکن است شکستن نماز را بگویند، اما توضیح می دهیم که شکستن نماز برای ضرر مالی اشکال ندارد.

۱۱	و	واجبات	و	زنزله	و	نماز آیات	و	رکوع	و	نیت	۱.
نماز ظهر	و	آهسته خواندن	و	نماز مسافر	و	۲۲/۵ کیلومتر					

هر کدام از گروه‌ها که کلمه‌های بیشتری را حدس بزنند، امتیاز بیشتری می‌گیرند. (هر کدام ۵ امتیاز دارد.)

مرحله دوم: برای هر کدام از گروه‌ها، ۱۰ کلمه می‌گوییم که پس از پایان آن باید آن‌ها را بازگو کنند. هر کدام از گروه‌ها که کلمه‌های بیشتری را بازگو کنند، امتیاز بیشتری می‌گیرند. (هر کلمه ۲ امتیاز دارد.)

کلمه‌های گروه اول:

غصبی - آمین - قبله - خنده - گریه - خوراک
- شک - حرکت - رکن - خواب^۱

کلمه‌های گروه دوم:

قطار - ماشین - هموار - کوتاه - جای نجس -
عکس - انسان - خیابان - کوچه - قبرستان^۲

۱. ارتباط رکوع و نیت در رکن بودن آن‌هاست.

۲. مربی پس از بازگویی، کلمات را گذرا و سریع توضیح دهد، به عنوان مثال و نمونه: منظور از رکن، کم و زیاد کردن آن است و یا منظور از شک، شک‌های باطل و ...

۳. جاهایی که نماز باطل یامکروه است.

مرحله سوم: یک نفر از افراد گروه باید روی یک پا بنشیند و تعادل خود را حفظ کند. در این فاصله فرد دیگر به سؤال‌ها جواب دهد. هر گروه که سؤال‌های بیشتری را جواب دهد، امتیاز بیشتری کسب خواهد کرد.^۱ هر سؤال ۵ امتیاز دارد. سؤال‌ها هم به این‌گونه است که باید چنین جواب بدهد که صحیح است یا باطل.

۱. نماز مرد با زنجیر، یا حلقه طلا.
۲. شکسته خواندن نماز مغرب.
۳. نماز بالباسی که نمی‌داند نجس است.
۴. نماز، یا لباسی که فراموش کرده نجس است.
۵. نماز بالکه کوچک خون در لباس.
۶. نماز بالکه کوچک خون از زخم بدن.
۷. اگر زن مویش بیرون باشد.
۸. اگر چیز نجسی همراه انسان باشد، مثل دستمال.
۹. نماز خواندن برای خشنودی مردم.
۱۰. اگر زن در نماز جلوی مرد بایستد و نماز بخواند.
۱۱. نماز بدون اذان و اقامه.
۱۲. اگر نیت نماز را به زبان نیاورد.
۱۳. اگر ذکرهای نماز را در بین راه و در حال حرکت بگوید.

۱. سؤال‌ها را مربی بین ۲ گروه توزیع کند. یعنی تا هر کجا که گروه اول جواب داد گروه اول و در صورتی که تعادل شخص به هم خورد و بقیه را از گروه دوم جواب دهد.

۱۴. اگر رنگ مهر کمی سیاه باشد.
۱۵. اگر بعد از رکوع مکث نکند و بدنش آرام نشود.
۱۶. اگر در نماز به جایی تکیه دهد.
۱۷. اگر از روی اشتباه حرفی غیر از نماز بزند.
۱۸. اگر در سجده سر شست پا را به زمین نگذارد.
۱۹. اگر زودتر از امام جماعت کارهای نماز را انجام دهد.
۲۰. اگر به جای تسبیحات اربعه، سوره حمد را بخواند.
حالا نوبت جمع امتیازهاست.

با تشویق کردن گروه برنامه را به پایان می‌بریم (صلد بارک الله به شما
چشم نخورین ان شاء الله)

امیدوارم همیشه با نماز و بندهای خدا در درس‌هایتان موفق و پیروز باشید.

۱. جواب‌ها به ترتیب شماره، با ص (صحیح) و ب (باطل) مشخص شده است. ۱- ب، ۲- ب، ۳- ص، ۴- ب، ۵- ب، ۶- ص، ۷- ب، ۸- ص، ۹- ب، ۱۰- ب (بنابراین برخی از مراجع)، ۱۱- ص، ۱۲- ص، ۱۳- ب، ۱۴- ص، ۱۵- ب، ۱۶- ب، ۱۷- ص، ۱۸- ب، ۱۹- ص، ۲۰- ص.

کلریس:

خانه معبود

نموداری:

احکام

هدف گلی:

دانش آموزان در این درس با حج و گوشاهای از مراسم آن و برخی از مسایل و احکام قبله آشنا می شوند.

اهداف چریکی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. برخی از اعمال حج؛
۲. برخی از فواید قبله؛
۳. چگونگی تشخیص قبله.

هدف رفتاری (خروچی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند برخی از کارهای حج را بیان کنند و برای خواندن نماز قبله یابی کنند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعل (شعر، نمودار، کارت بازی، مسابقه، خط فانتزی)

رسانه های آموزشی:

۱. تخته ۲. کارت ۳. ماقت ۴. نقشه ۵. قبله نما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

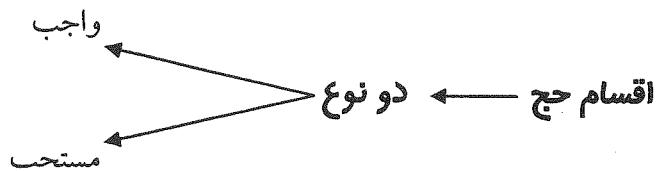
خانه معبد

بی اندازه بیکران	به نام خدای بزرگ
چو پروانه ها مهربان	خدای صمیمی و خوب
همان خالق آسمان	خداآوند هر آنچه هست
به زیبایی کهکشان	لطیف است، چون بوی گل

سلام، ان شاء الله که خوش و سلامت باشد و هر روز تان بهتر از دیروز باشد.
حواسها، جمع که هست؟

یک سؤال: آن چیست که نشان قبله است و در مساجد وجود دارد و
حضرت علی علیه السلام نیز در آن جا به شجاعت رسید؟ آفرین، محراب
راستی پدر یا مادر کدام یک از شما به مکه رفته است؟ چند بار؟ خوب
ان شاء الله خودتان هم بزرگ شوید و بروید.

یک بار زیارت خانه خدا برای هر نفر در طول زندگی اش با شرایطی واجب
است. بیش از آن مستحب است. پس چند نوع می شود؟



اولش عین است عمره (مستحب)

اقسام حج

آخرش عین است تمنع (واجب)

البته واجب شدن هم شرط و شروطی دارد که مهم‌ترین آن‌ها این است:



راهنمایی: کلمه «طاعت است» را جایه‌جا کنید. آفرین

طاعت

م مالی، یعنی پول داشته باشد.

استطاعت، یعنی توانایی ب بدنی، یعنی مریض نباشد و بتواند برود.

ر راهی، یعنی راه باز و امن باشد.

به کسی که دارای این سه شرط باشد **مستطیع** می‌گویند مستطیع که باید به حج برود.

بچه‌های عزیزا در فضیلت مکه و حج رفتن خیلی ثواب گفته‌اند، از جمله امام صادق العلیله می‌فرماید: «بهترین زمین نزد خداوند مکه است و هیچ خاکی نزد خدا محبوب‌تر از خاک مکه نیست^۱».

همچنین پیامبر (ص) می‌فرماید: «کسی که در مکه بمیرد، خداوند او را روز قیامت از بلاها سالم نگه می‌دارد^۲».

حالا بگویید چرا این قدر مکه شرافت دارد؟

به این شعر توجه کنید.

مکه منزلگاه وحی داور است

جایگاه آخرین پیغمبر است

جلوه حق در حریم کعبه بین

آن حرم با دیده ایمان بین

مکه یعنی یک تجلی عشق و شور

مکه سر تاسر بهشت است و حضور

دوست دارم زائر کویش شوم

لحظه‌ای چون عاشقان، سویش روم

تا بشویم جان خود از این زمین

پر کشان تا محضر عرش برین^۳

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۸۵.

۲. بهمن، ص ۲۸۶.

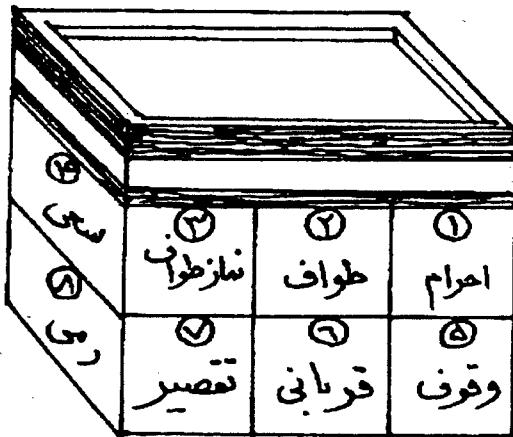
۳. عبدالله عمادی.

آفرین، فضیلت مکه برای این بود که وحی خدا در آن سرزمین به سوی زمین فرود آمد و پیامبر بزرگ اسلام از آنجا ظهر کرد. همچنین کعبه قبله مسلمانان در آنجا است.

حالا بچه‌ها! اگر گفتید اولین بار کعبه را چه کسی ساخته؟^۱ نه، حضرت ابراهیم الصلی اللہ علیہ و آله و سلم نبود، حضرت ابراهیم الصلی اللہ علیہ و آله و سلم برای دومین بار آن را ساخت. نخستین بار «حضرت آدم الصلی اللہ علیہ و آله و سلم» ساخت، ولی در طوفان نوح خراب شد و حضرت ابراهیم الصلی اللہ علیہ و آله و سلم آن را دوباره بنا نهاد.

خوب حالا دوست دارید بدانید کسانی که به حج من روند چه کارهایی انجام من دهنند؟ پس صلوات بلند بفرستید. من با استفاده از ماکت کعبه^۲ توضیح کوتاهی می‌دهم.

ابتدا شکل کعبه را روی تخته می‌کشم تا واضح‌تر شود. حاجیان ۱۳ کار انجام می‌دهند که من ۸ تای آن را می‌نویسم.



۱. ماکت کعبه همیشه در دست مریض است و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲. ماکت کعبه باید کاملاً باشد، یعنی جای حجرالاسود، مقام ابراهیم، ناردان طلا، چاه زمزم و ... معلوم باشد.

اولین کاری که حاجیان انجام می‌دهند «احرام^۱» است. یعنی (مردها) لباس‌های معمولی خود را در می‌آورند و دو قطعه لباس سفید می‌پوشند و ذکر می‌گویند: «لَبِيْكُ، اللَّهُمَّ لَكُ لَبِيْكُ، انَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبِيْكُ». وقتی این لباس را پوشند، خیلی از کارها را دیگر نباید انجام دهند و بر آن‌ها حرام می‌شود، مانند: ناخن گرفتن، عطر زدن و شکار، نگاه به آئینه و ... دومین کار، «طواف» است، یعنی از گوشه خانه کعبه که حجرالاسود در آنجا قرار دارد، حرکت خود را که همان طواف است شروع می‌کنند و در جهت خلاف عقربه‌های ساعت ۷ بار دور خانه خدا می‌گردند. و دعا می‌خوانند. حال این کار را دوستان شما انجام می‌دهند، ماکت کعبه را وسط می‌گذاریم تا دوستان ذکر لبیک را بگویند و طواف را انجام دهند.

سومین کار، خواندن دو دو رکعت نماز به نام «نماز طواف» است. بعد از نماز، عمل چهارم «سعی» است^۲.

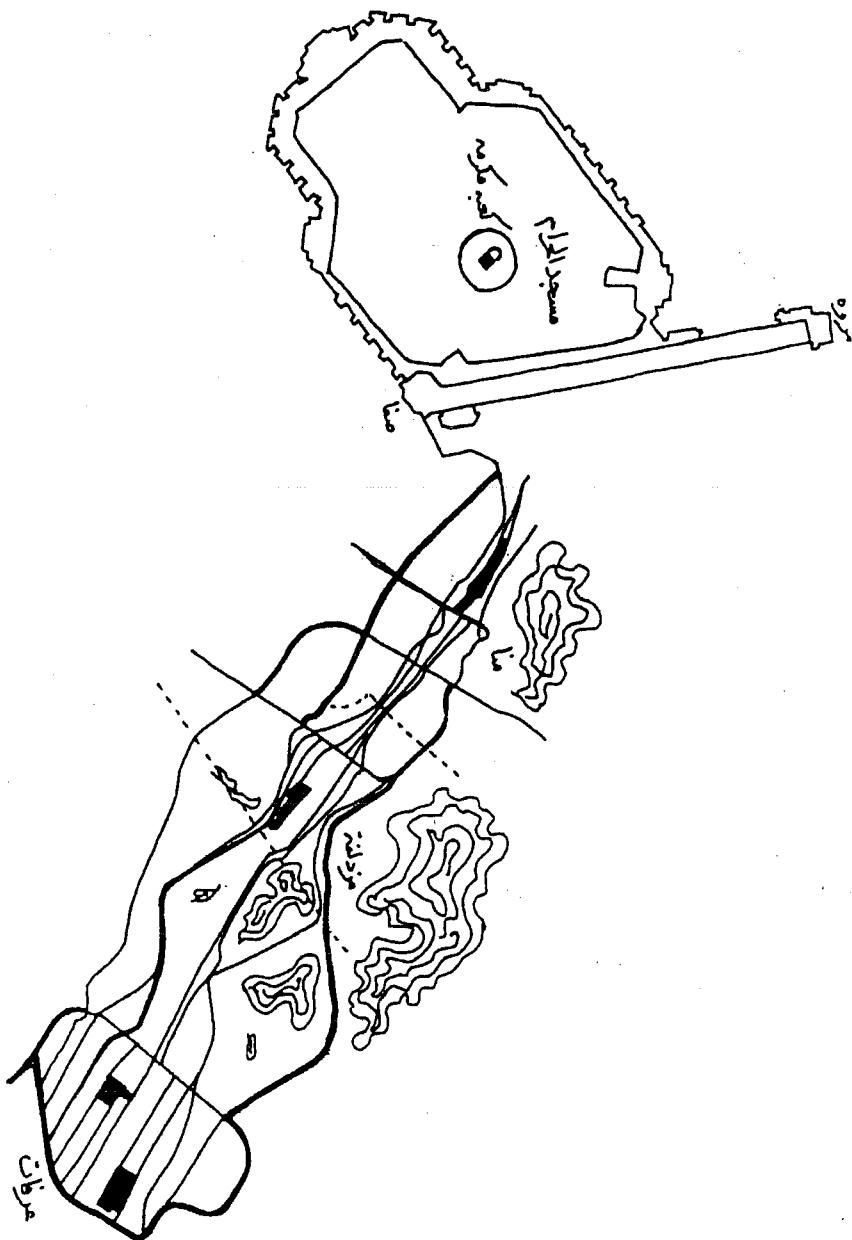
سعی یعنی چه؟ تلاش برای چه؟

برای این‌که بین کوه صفا و کوه مروه که حدود ۴۰۰ متر طول دارد و در شرق کعبه است، ۷ بار رفت و آمد می‌کنند. خوب حالا همان دوستان عزیز این کار را انجام دهند.

بعیه را از روی نقشه توضیح می‌دهم.

۱. نام کارها یکی یکی در خانه کعبه مطابق طرح باید.

۲. مطابق طرح دو صندلی در شرق کعبه گذاشته شود تا ۷ سعی را انجام دهند.



بعد از صفا و مروه، حاجیان به صحرای عرفات می‌روند. در آنجا می‌مانند.
«وقوف».

آن جا چه دعایی می‌خوانند؟ دعای عرفه، بعد به مشعر و بعد به منی برای سه
کار می‌روند:

۱. قربانی، به یاد چی؟ آفرین، آزمایش حضرت ابراهیم الله علیه السلام.
۲. موهای خود را کوتاه می‌کنند. «حلق و تقصیر»
۳. به سه محل که نماد شیطان است، سنگ می‌زنند. «رمی جمرات» شما هم
همین کار را انجام دهید. من یک نماد به عنوان شیطان می‌گذارم و شما
هم به صورت نمادین به آن سنگ بزنید.

حالا بگویید گعبه چه فایده‌ای دارد؟

فواید کعبه و قبله

وحدت ونظم

و	ح	د	د	ت	و	ن	ظ	م
---	---	---	---	---	---	---	---	---

توجه به خداوند

ت	و	ج	ه	ب	ه	خ	ا	د	ا
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

یاد آنبا

ی	ا	د	ا	ن	ب	ی	ا
---	---	---	---	---	---	---	---

خانه کعبه، قبله واحد همه مسلمانان است. مردم در هر کجای جهان که باشند به طرف کعبه رو می‌کنند. این امر در وحدت و هماهنگی و نظم مسلمانان مؤثر است. همچنین انسان به یاد پیامبران و حضرت ابراهیم و اسماعیل - علیهم السلام - می‌افتد و به خداوند نزدیک می‌شود.

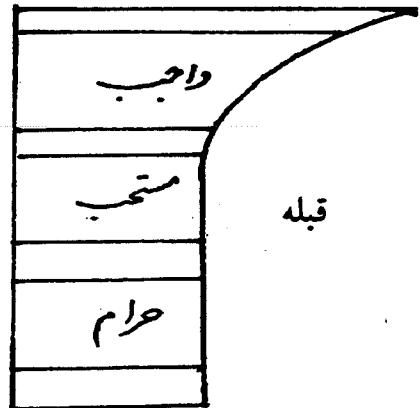
رو به قبله بعضی جاها واجب است. بعضی جاها حرام و بعضی جاها

مستحب^۱

مثل نماز خواندن، دفن کردن، سر بریدن
حیوان

قرآن خواندن، وضو گرفتن و هر کار دیگر

دستشویی کردن البته در دستشویی پشت به
قبله هم نباید بود



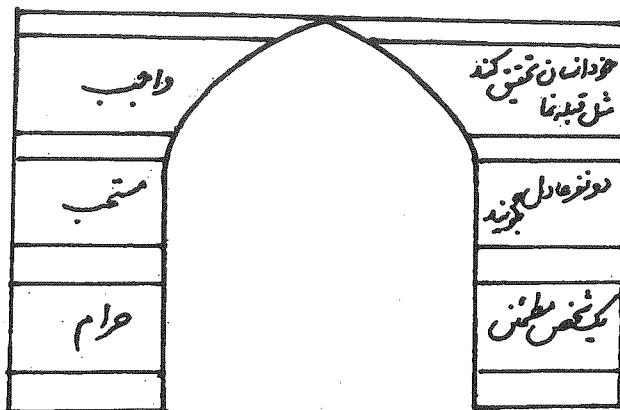
بچه‌ها! می‌دانید که خیلی از کارها اگر رو به قبله باشد، ثواب دارد و در کارمان
هم بهتر موفق می‌شویم. مانند درس خواندن، غذا خوردن، خوابیدن و ...
حالا کارت‌هایی به شما نشان می‌دهم. بفرمایید رو به قبله بودن آن‌ها واجب
است، یا حرام، یا مستحب.

۱. موارد آن یکی بکم از بچه ما سوال می‌شود تا آنها فعلی شده سپس نوشته می‌شود.

نماز واجب	مرغ کشتن	مطالعه	نشستن
سجده واجب قران	دستشویی	دعا خواندن	کشتن گوسفند

حالا اگر قبله جایی را ندانیم، چه باید بگوییم؟

راههای شناخت قبله ۳ تاست:



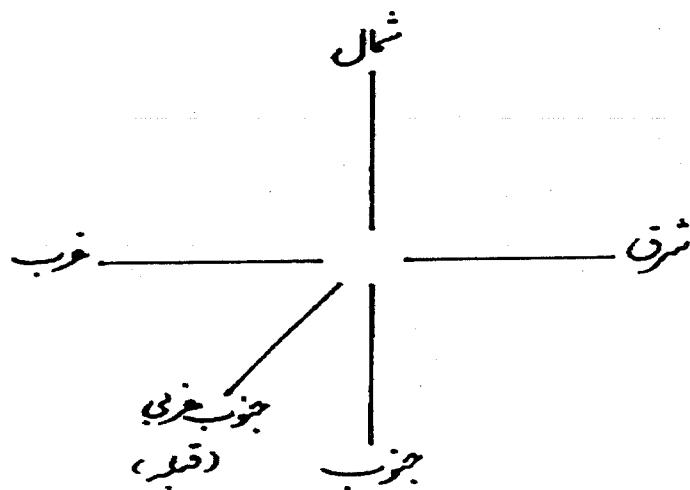
بنابراین اگر جایی به مهمانی برویم و از صاحبخانه قبله را پرسیدیم^۱ و جواب گرفتیم. این جزو کدام قسم است؟ آفرین، جزء قسم سوم است چون ما به صاحبخانه اطمینان داریم. یا اینکه در مسجد و نمازخانه معلوم است که در سمت قبله محراب درست کرده‌اند، یا تابلوی قبله گذاشته‌اند.

اما بچه‌ها اگر جایی باشیم که مسجد و نمازخانه نداشت، برای نماز خواندن چه باید کنیم؟ (مانند پارک، باغ، صحراء یا که قبله معلوم نیست).

۱. مربی در صورت امکان با خود «قبله‌نما» همراه ببرد. راه تشخیص قبله را به وسیله آن بیان کند.

دوست دارید راه قبله یابی را بلد باشید و با استفاده از آن قبله هر جایی را
بتوانید بفهمید؟

پس خوب دقت کنید. اول ببینید خورشید از کجا طلوع می کند؟ بعد
دست هایتان را باز کنید؛ دست راست را به سمت طلوع خورشید قرار دهید. حالا
سمت راست شما جهت شرق و رو به روی شما شمال و دست چپ غرب و
پشت سر شما جنوب خواهد بود



می دانید که مکه و قبله در جهت جنوب غربی ایران واقع شده است. وقتی
جهت های اصلی را فهمیدیم، جنوب غربی را تعیین می کنیم و همان را به عنوان

قبله قرار می‌دهیم. دیدید چقدر راحت بود؟ الان چند نفر داوطلب بیایند و قبله را تعیین کنند.^۱

انشاء الله که قبله‌یابی را خوب یاد گرفته باشید و همان‌طور که رویمان را به سوی قبله می‌کنیم، همیشه دلمان هم به سوی خدا باشد و همه جا خداوند را حاضر و ناظر بدانیم.

خدا یا خدایا تویی قبله من	خدا یا خدایا تویی قبله من
همیشه به سویت نماز و دعایم	تو هستی همیشه تو تنها خدایم
خدا یا به لطفت مرا آشناکن	واز هر چه غیر تو باشد رها کن

۱. مریب جهات فرضی تعیین کنند مثلاً بگویند اگر آن طرف شرق باشد قبله کدام طرف است؟ اگر در فضای باز بودید و هنگام ظهر شرعی بود مریب می‌تواند یک چوب صاف به عنوان «شاخص» در زمین فرو کند و به سایه آن توجه کند زیرا سایه در ایران همیشه هنگام ظهر شرعی به سمت شمال است. برخلاف آن جنوب می‌شود که سمت غرب متمایل شود.

اخلاق

کارلین:

ایثار و احسان

نمی کنیم ع:

اخلاق

هدف گلی:

دانش آموزان در این درس با ایثار و اهمیت آن و راه های مختلف آن آشنا می شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. معنای ایثار؛
۲. اهمیت ایثار؛
۳. تأثیر ایثار در زندگی.

هدف رفتاری (خردهی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند ایثار را سر لوحه زندگی خود قرار دهند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، داستان، کارت، جدول)

رسانه های آموزشی:

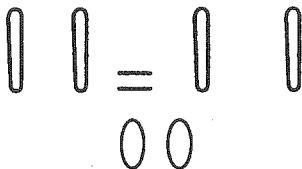
تخته سیاه و گچ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ایثار و احسان

دهم برنامه ام زینت به نام خالق یکتا

دوستان عزیز! سلام، امیدوارم که سرحال و شاداب و خندان آماده شنیدن برنامه باشید. برنامه ما در مورد^۱



می‌باشد.

برای این که به موضوع برنامه پی ببرید به این پانتومیم که توسط دو نفر از دانشآموزان عزیز اجرا می‌شود، خوب دقت کنید.^۲

چه کسی هی تواند بگوید از این دو پانتومیم چه فهمیده است؟

۱. مری محترم کلمه ایثار را به صورت خطوط فانتزی روی تخته بکشد.

۲. مری محترم از قبل با دو نفر از دانشآموزان هماهنگی کند که این پانتومیم را اجرا نمایند. پانتومیم ۱ - یکی از دانشآموزان در گوشاهی نشسته و در همین حال دانشآموز دیگری که در حال نرمش کردن هست به او نزدیک می‌شود و از او بخواهد که همراه او برای بازی فوتbal آماده شود، ولی دانشآموز اول با اشاره می‌فهماند که کفش مناسب ندارد. دانشآموز دومی خدا حافظی می‌کند. هنوز چند قدمی از او دور نشده که در فکر فرو می‌رود و بر می‌گردد و کفش خود را در اختیار او قرار می‌دهد تا دوستش فوتبال بازی کند. پانتومیم ۲ - یکی از دانشآموزان ساندویچی از کیف خود در آورده و می‌خواهد بخورد. در همین حین دانشآموزی را می‌یند که دست به روی شکم خود قرار داده و به خود می‌پیجد. جلو می‌رود و علت را با اشاره می‌پرسد. وقتی متوجه گرسنگی او می‌شود ساندویچ خود را در اختیار او قرار می‌دهد.

آفرین بر شما. همان‌طور که این دوست خوبیمان گفت در پانتومیم اول دانش‌آموزی برای نداشتن کفش مناسب از بازی فوتbal محروم شده بود، اما با اهدای کفش توسط دوستش، او هم توانست فوتbal بازی کند. در پانتومیم دوم نیز دانش‌آموزی که از قبل برای خود ساندویچی آورده بود و می‌خواست آن را بخورد، چون متوجه گرسنگی دوستش شد خودش چیزی نخورد و آن را در اختیار دوستش قرار داد.

نام کار زیبای این دوست را چه می‌گویند؟

ایثار

آفرین، این را «ایثار» می‌گویند.

چه کسی می‌تواند بگوید ایثار یعنی چه؟

بله، یعنی از خود گذشتگی و مقدم داشتن دیگران برخود.

آیا می‌توانید به بعضی از مواردی که تا به حال دیده یا شنیده‌اید اشاره کنید؟

آفرین، حضرت علی علی‌الله‌ السلام با از خود گذشتگی و ایثار، جان خود را به خطر انداخت و پیامبر(ص) نجات پیدا کرد.

و نیز حضرت علی علی‌الله‌ السلام و حضرت زهرا(س) با آن که در خانه غذایی بیشتر از آنچه که برای بچه‌ها بود نداشتند، ولی وقتی که مهمان گرسنه‌ای بر آن‌ها وارد

شد، آن غذا را به آن شخص غریبیه دادند و آن شب تا به صبح خودشان با بچه‌ها گرسنه خواهیدند.

راستی آیا می‌دانید علی الله در این مورد چه فرموده است. برای این که متوجه کلام امام الله شویم، مسابقه‌ای را آماده کرده‌ام که شما دانش‌آموزان عزیزان با شرکت در این مسابقه و پاسخ به پرسش‌ها به کلام زیبای امام می‌رسید.

شیوه مسابقه به این صورت است که دو گروه دو نفره از شما عزیزان به جلوی جایگاه تشریف بیاورند. من ۱۶ سؤال آماده کرده‌ام. هر گروه باید به ۸ سؤال جواب بدهد که هر سؤال ده امتیاز دارد. در ضمن جواب‌ها را در کنار تخته می‌نویسم و از هر جواب یک حرف طبق شماره‌ای که در خانه مربوطه هست، انتخاب کرده و در خانه جدول قرار می‌دهم. و در پایان با متصل کردن حروف جدول از خانه شماره ۱ تا ۱۶ به ترتیب به پیام خواهیم رسید.

هر گروهی که زودتر از گروه دیگر پیام را به دست آورد ۴۰ امتیاز خواهد گرفت.

همچنین توجه کنید که هر دو گروه اختیار دارند که شماره سؤال خود را از ۱ تا ۱۶ خودشان یک به یک انتخاب کنند و نیاز به ترتیب در شماره سؤال‌ها نیست.

سؤال‌ها عبارتند از:

بدن (ب - ۱)

ارزش (الف - ۲)

۱. تن و جسم:

۲. قیمت و بعا:

۳. پسران در سن پانزده سال تمام و دختران در سن نه سال تمام به

تکلیف (ل - ۳)

آن سن می‌رسند:

آب (ا - ۴)

۴. مایه حیات و زندگی همه چیز:

ترازو (ت - ۵)

۵. وسیله سنجش و وزن کردن:

۶. نوعی پارچه که پوشیدن آن بر مردان حرام است: ابریشم (ر - ۶)

قابیل(ی - ۷)

۷. قاتل هایی:

گناه (ن - ۸)

۸. نافرمانی و عصیان خداوند:

نور (ن - ۹)

۹. روشنایی و فروغ:

حدید (ی - ۱۰)

۱۰. سوره‌ای به معنای آهن:

کویر (ک - ۱۱)

۱۱. سرزمهین بی‌آب و علف:

ایوب (و - ۱۲)

۱۲. پیامبر مشهور به شکیباوی:

۱۳. نام محل شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش: کربلا (ک - ۱۳)

ربا (ا - ۱۴)

۱۴. سود حرام پول:

ره (ر - ۱۵)

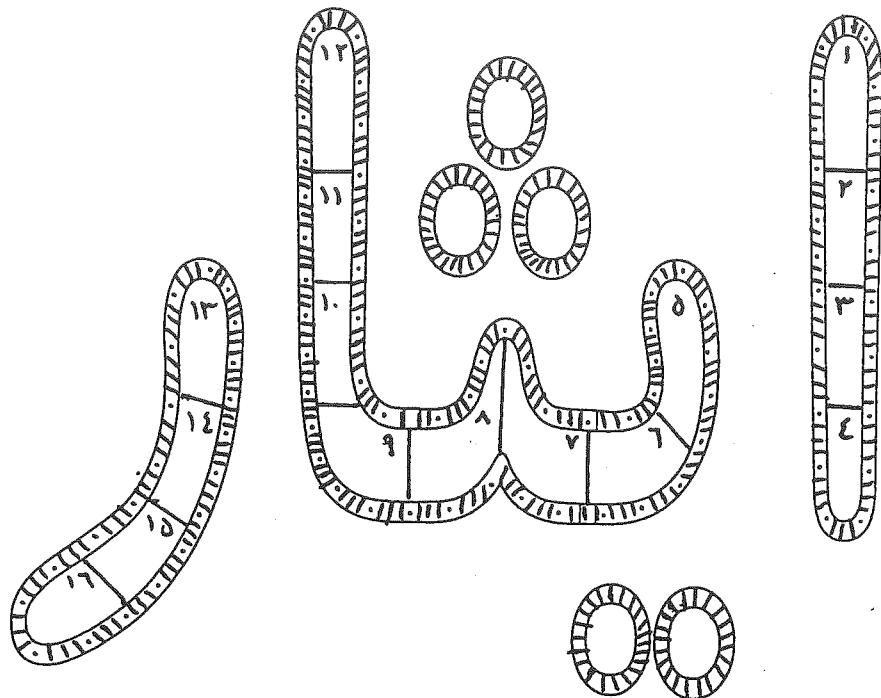
۱۵. مخفف راه:

یار (ی - ۱۶)

۱۶. دوست و رفیق:

سؤال‌ها تمام شد. حالا که حروف مربوط را در خانه‌های جدول قرار دادید، پیام
چه می‌شود؟

بالاترین نیکوکاری



چه چیزی؟ بله، چنان‌که از شکل جدول مشخص است. امام علی علیه السلام می‌فرماید.
ایثار، بالاترین نیکوکاری. قال علی علیه السلام : الایثار اعلی الاحسان^۱
حالا با همدیگر این حدیث را تکرار کنید.

راستی دوستان! چه کسی می‌داند بگوید که ایثار چه زمانی بالاترین
نیکوکاری است؟

۱. ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، دارالحدیث، ج ۱، ص ۲۲.

برای این که بهتر متوجه جواب شویم، از چهار نفر از دوستان دیگر تسان می خواهم تا به جایگاه بیایند و این کارت ها را که بخشی از یکی از آیات قرآن کریم است، منظم کنند تا به جواب سؤال پی ببریم.

توجه کنید تا این چهار نفر، کارتهای درهم را به نظم در می آورند. بقیه دانش آموزان عزیز از شماره ۲۰ تا ۱ به عکس بشمارند

روی کارت

والضراء

ينفقون

في السراء

الذين

پشت کارت

وتتگدستی ها

انفاق می کنند

در وسعتها

كسانی که

پیام: الذين ينفقون في السراء والضراء^۱ کسانی که در وسعتها و تنگدستی ها انفاق می کنند.

چه کسی می تواند در مورد این آیه توضیح دهد؟

درود بر شما، مؤمن واقعی کسی است که چه آن زمان که وضعیت مالی خوبی دارد و چه در آن زمان که در تنگدستی و سختی قرار دارد به نیازمندان کمک کند.

جابرین عبدالله انصاری می‌گوید که روزی پس از نماز عصر، پیغمبر اکرم(ص) با صحابه نشسته بودند. در این موقع پیرمردی با لباس‌های کهنه در کمال ضعف و سستی که معلوم می‌شد راه دوری را با گرسنگی بیموده است وارد شد و عرض کرد: «من پیرمردی پریشان حالم، مرا از گرسنگی و بر亨گی و گرفتاری نجات ده»، رسول اکرم(ص) فرمود: «اکنون چیزی ندارم، ولی تو را به کسی راهنمایی می‌کنم که گرفتاری تو را برآورده سازد. در همین هنگام، پیامبر خدا(ص) به بلال دستور فرمود تا پیرمرد را به در خانه فاطمه(س) راهنمایی کند. وقتی که آن مرد به در خانه علی^{القطبه} رسید گفت: «السلام عليکم یا اهل بیت النبوه؛ سلام بر شما ای خاندان نبوت». اهل خانه جواب سلام او را دادند و پرسیدند تو کیستی؟

پیرمرد گفت: «مردی عرب هستم که پیامبر مرا جهت کمک به در خانه شما راهنمایی کرده است.» آن روز سومین روزی بود که خانواده علی^{القطبه} به گرسنگی گذرانده بودند و پیغمبر از این جریان اطلاع داشت.

دختر پیامبر گردن‌بندی را که دختر عبدالملک بـه او هدیه داده بـود به مرد عرب داد. پیرمرد گردن‌بند را گرفت و توسط آن خوراکی برای خوردن و لباسی برای پوشیدن تهیه کرد و دویست درهم نیز به دست آورد. به این وسیله مشکلات وی بر طرف شد.^۱

۱. محمد کاظم قزوینی، فاطمه الزهرا، حسین فریدونی، آفاق، ج ۴، ۱۳۷۱، ص ۲۱۵ به بعد.

حال که صحبت در مورد ایثار و کمک به نیازمندان است خوب به این اعداد توجه کنید.

$$1=18 \quad \text{و} \quad 1=10$$

چه کسی می‌تواند بگوید از این تساوی چه می‌فهمید؟

مقداری راهنمایی می‌کنم.

این تساوی نشان دهنده ارزش برخی کارها پیش خداوند است.

آفرین بر شما $1=10$ یعنی هر کسی یک کار خوب انجام دهد، خداوند ده برابر آن پاداش به او خواهد داد.

آیا آیه‌ای در این مورد هم می‌دانید؟

بله، «من جاعبالحسنه فله عشر امثالها»^۱

تساوی دیگر چه می‌گوید؟

آفرین بر شما، $1=18$ وقتی که فردی به نیازمندی قرض می‌دهد، خداوند پاداش آن را هیجده برابر می‌کند^۲.

در پایان از یکی از شما دانش‌آموزان عزیز می‌خواهم که این سرود را که در مورد یکی از ایثارگران واقعی است برای بقیه بخوانند.

۱. انعام / ۱۶۰

۲. الامام الصادق (ع): على باب الجنة مكتوب: القرض بثمانية عشر و... محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم، ج ۱، ج ۳، ص ۲۵۴۸، ح ۱۹۶۷۷، باب ۳۳۳۷ بباب «الدين والقرض»

از بس که قلبش مهربان بود
 پروانه‌ها را پر نمی‌داد
 او شمع بود و اشکش
 بوی گل و پروانه می‌داد
 او خوب بود، او نان خود را
 با دیگران تقسیم می‌کرد.
 او با خدا بودو خودش را
 تنها به او تسلیم می‌کرد
 می‌گفت من وقتی بینم
 یک عده تنها و فقیرند
 در بین آدم‌ها همیشه
 یک عده‌ای هم سیر سیرند
 وقتی بینم حق مظلوم
 در دست‌های ظالمان است
 مانده گرسنه یک کبوتر
 غمگین میان آسمان است
 دیگر چگونه می‌توانم
 حتی شبی راحت بخوابم
 آن لحظه من از شدت درد
 غمگینم و در پیچ و تابم

(محمد کاظم مزینانی)

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

کریس:

نیایش

هنرِ فُرمیع:

اخلاق

هدف گلایی:

دانشآموزان در این درس با مفهوم دعا و بعضی از شرایط آن آشنا می‌شوند.

اهداف چرخی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند.

۱. انواع دعا و مناجات با خدا؛
۲. معرفی صحیفه سجادیه و بعضی از دعاهای قرآن؛
۳. تأثیر دعا در زندگی؛
۴. آداب دعا کردن؛
۵. بعضی مکان‌ها و زمان‌ها که دعا در آن‌ها مستجاب می‌شود.

هدف رفتاری (خرودی):

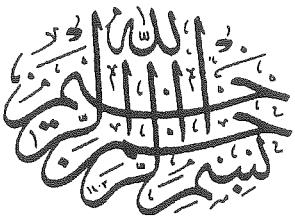
انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند به دعاهای خود توجه بیشتری بکنند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی
۲. فعل (شعر، داستان)

رسانه‌های آموزشی:

۱. کارت
۲. تخته



نیایش

هرگز مباش غافل زیاد پروردگار
که باشد او خالق هر شب و هر روزگار

بچه‌ها! سلام، حالتان خوب است؟ ان شاء‌ا... همیشه سالم و سرحال باشید. حالا ببینم چه کسی می‌تواند این کلمه‌ای را که من روی تخته می‌نویسم، برایمان

بخواند؟ هر کس حاضر است دستش را بالا بیاورد.^۱ **الْم**
بله، به این حروف حروف مقطعه می‌گویند. شما که جواب درست دادید،
باید و این کارت‌ها را بین بچه‌ها تقسیم کنید.^۲

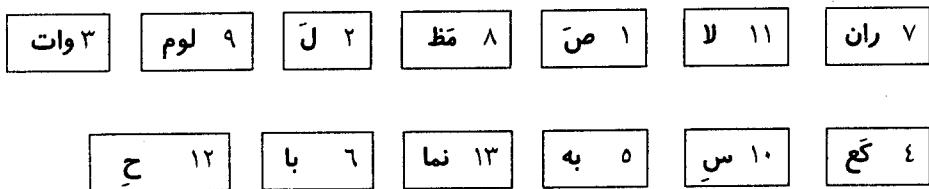
روی کارت ۱ روی کارت ۲

۷ خان	۶ به	۵ را	۴ م	۳ یا	۲ دا	۱ خ
۱۳ دان	۱۲ گمر	۱۱ ن	۱۰ بر	۹ تم	۸ دا	

-
۱. هر کسی درست و صحیح خواند از او می‌پرسیم که به این حروف در قرآن چه می‌گویند.
 ۲. مری باید مانند تصویر فوق، بر روی کارت، یا کاغذ این شماره‌ها و حروف را به رنگ آبی بنویسد و پشت کارت‌ها را بر اساس نوشته‌هایی که در کارت‌ها آمده است به رنگ قرمز (رنگی غیر از رنگ آن طرف کارت) بنویسد.

نمایش پشت کارت‌ها به ترتیب قرار گرفته شده:

پشت کارت ۱ پشت کارت ۲



این حروف به صورت بخش بخش شده است که اگر شما به ترتیب همان شماره‌های کنار آن‌ها، این حروف را بخوانید این حروف بخش بخش شده، یک جمله را تشکیل می‌دهد. حالا ما از بچه‌هایی که این کارت‌ها را در دست دارند می‌خواهیم به ترتیب شماره کارت‌ها و ابتدا از طرف رنگ آبی کارت‌ها، آن‌ها را بخوانند تا به نفر سیزدهم برسیم.

از نفر اول شروع می‌کنیم و حالا فقط حروف آبی رنگ را به ترتیب بخوانید تا جمله کامل گردد.

حالا جمله به دست آمد. جمله را با هم تکرار می‌کنیم. آفرین بچه‌ها! این جمله یک دعاست، البته دعای عجیبی است: «خدایا مرا به خاندانم برنگردان!» آیا من دانید چه کسی بوده که چنین دعایی کرده است و چرا این‌طور دعا کرد؟ حالا می‌خواهید جواب این سؤال‌ها را بدانید به این داستان خوب گوش کنید.

خدا آیا مر را به خاندانم پر نگرداز!

این جمله‌ای بود که «هند»، زن «عمرو بن جموح» - بعد از آنکه شوهرش برای شرکت در جنگ احده راه افتاد، - از زبان شوهرش شنید. این اولین بار بود که عمرو بن جموح با مسلمانان در جهاد شرکت می‌کرد. تا آن وقت شرکت نکرده بود، زیرا پایش لنگ بود و مطابق حکم صریح قرآن مجید برآمد که از ادم لنگ و آدم بیمار جهاد واجب نیست^۱.

او هر چند خود در جهاد شرکت نمی‌کرد، اما چهار پسر شجاع داشت که همواره در رکاب رسول اکرم(ص) حاضر بودند و هیچکس گمان نمی‌کرد و انتظار نداشت که عمرو با عذر شرعی که دارد به ویژه با فرستادن چهار پسر برومند سلاح بردارد و به سربازان ملحق شود.

خویشاوندان عمرو همین که از تصمیم او آگاه شدند، خواستند مانع او شوند. به او گفتند: «علاوه بر این که تو عذر شرعی داری و معذوری، چهار فرزند سرباز و دلاور هم داری که با پیامبر حرکت کرده‌اند، لزومی ندارد خودت نیز به جنگ بروی!»

عمرو گفت: «به همان دلیل که فرزنداتم آرزوی سعادت ابدی و بهشت جاویدان دارند، من هم دارم. عجب! آنها برونند و به فیض شهادت نایل شوند و من در خانه پیش شما بمانم. چنین چیزی اصلاً ممکن نیست.»

۱. لیس علی الاعمى حرج ولا علی الاعرج حرج ولا علی المریض حرج... سوره فتح آیه ۱۷.

خویشاوندان عمو را او دست برنمی داشتند و به طور دائم یکی پس از دیگری می آمدند تا او را منصرف کنند. عمو برای خلاصی از دست آنها به خود رسول اکرم(ص) پناه آورد و گفت:

«یا رسول الله! فامیل من می خواهند مرا در خانه حبس کنند و نگذارند در جهاد در راه خدا شرکت کنم. به خدا قسم آرزو دارم با این پای لنگ به بهشت بروم.»

پیامبر(ص) به او گفت: «یا عمو! تو عذر شرعی داری. بر تو جهاد واجب نیست»

عمو در پاسخ گفت: «یا رسول الله! می دانم در عین حال که بر من واجب نیست، باز هم....»

رسول اکرم(ص) فرمود: «مانعش نشوید. بگذارید برود. آرزوی شهادت دارد. شاید خدا نصیبیش کند.»

از تماشایی ترین صحنه های جنگ أحد، صحنه مبارزه عمو بن جموج بود که با پای لنگ، خود را به قلب سپاه دشمن می زد و فریاد می کشید: «آرزوی بهشت دارم.»

یکی از پسران وی نیز پشت سر پدر حرکت می کرد. آن قدر این دو نفر مشتاقانه جنگیدند تا به شهادت رسیدند.

پس از خاتمه جنگ، بسیاری از زنان مدینه از شهر بیرون آمدند تا از نزدیک از قضایا آگاه گردند به ویژه که خبرهای وحشتناکی به مدینه رسیده بود.

عایشه، همسر پیغمبر یکی از آن زنان بود. عایشه اندکی که از شهر بیرون رفت، چشمش به هند، زن عمروین جموج افتاد درحالی که سه جنازه بر روی شتری گذاشته بود و مهار شتر را به طرف مدینه می‌کشید.

عایشه پرسید: چه خبر؟

- الحمدلله! پیغمبر سالم است. ایشان که سالم هستند، دیگر غمی نداریم. حسر دیگر این که خداوند کفار را در حالی که پر از خشم بودند، برگرداند.

- این جنازه‌ها از کیست؟

- این‌ها جنازه برادرم و پسرم و شوهرم است.

- کجا می‌بری!

- می‌برم به مدینه تا دفن کنم.

هند این را گفت و مهار شتر را به طرف مدینه کشید، اما شتر به زحمت پشت سر هند راه می‌رفت و عاقبت خوابید.

عایشه گفت: «بار حیوان سنگین است، نمی‌تواند بکشد.»

- این طور نیست، این شتر ما بسیار نیرومند است. به طور معمول بار دو شتر را به خوبی حمل می‌کند. باید علت دیگری داشته باشد. این را گفت و شتر را حرکت داد. تا خواست حیوان را به طرف مدینه ببرد، دومرتبه زانو زد. همین که روی حیوان را به طرف احد کرد، دید به تندي به راه افتاد.

هند دید وضع عجیبی است. حیوان حاضر نیست به طرف مدینه برود، اما به طرف احد به آسانی و به سرعت می‌رود. با خود گفت که شاید رمزی در کار باشد. هند در حالی که مهار شتر را می‌کشید و جنازه‌ها بر روی حیوان بودند، یکسره به احد برگشت و به حضور پیامبر(ص) رسید. به پیامبر(ص) عرض کرد:

«یا رسول الله! ماجرای عجیبی است. من این جنازه‌ها را روی حیوان گذاشته‌ام که به مدینه برم و دفن کنم. وقتی که این حیوان را به طرف مدینه می‌خواهم برم از من اطاعت نمی‌کند، اما به طرف احد با سرعت می‌رود، چرا؟»

- آیا شوهرت وقتی که به احد می‌آمد، چیزی گفت؟

- یا رسول الله! پس از آن که راه افتاد این جمله را از او شنیدم: «خدایا! مرا به خاندانم برنگردان!»

- پس همین است. دعای خالصانه این مرد شهید مستجاب شده است. خداوند نمی‌خواهد این جنازه برگردد. در میان شما انصار کسانی یافت می‌شوند که اگر خدا را به چیزی قسم بدھند، خداوند دعای آن‌ها را مستجاب می‌کند. شوهر تو عمروبین جموح یکی از آن افراد است.

با نظر رسول اکرم(ص) هر سه نفر را در همان احد دفن کردند. آن‌گاه رسول اکرم(ص) رو به هند کرد و گفت:

«این سه نفر در آن جهان پیش هم خواهند بود.»

«یا رسول الله! از خداوند بخواه من هم پیش آن‌ها بروم^۱»

به نظر شما از این داستان چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟ هر کس نظری دارد بگوید.

چه کسی می‌تواند بگوید که پیامبر(ص) در مورد دعای عمروبین جموح چه فرمود. بله، فرمود دعای خالصانه این مرد شهید مستجاب شده است. پس معلوم می‌شود یکی از شرایط مستجاب شدن دعای ما، «خالصانه دعا کردن» است.

۱. مرتضی مطهری، داستان راستان، به نقل از شرح ابن ابی الحدید، چاپ بیروت، ج ۳، ص ۵۶.

بچه‌ها خالصانه دعا کردن، یعنی چه؟ دعای خالصانه چگونه است؟ آفرین،
دعای خالصانه دعایی است که در هنگام دعا کردن امید ما در استجابت دعا
 فقط و فقط به خدا باشد و فقط از خدا بخواهیم تا حاجت ما را برآورده کند.

آیا تا به حال کسی از شما این‌گونه دعا کرده است؟ کسانی که دعای
 خالصانه کرده‌اند، دست‌هایشان را بلند کنند. شما که دستان را بالا آورده‌اید،
 بگویید چه دعایی کرده بودید؟ آیا مستجاب شد؟

هن خواهید پذانید مستجاب شدن دعا چگونه است؟ پس خوب گوش کنید.

بعضی از دعاهای ما **فوری**^۲ مستجاب می‌شود. ولی بعضی از دعاهای ما سریع و فوری مستجاب نمی‌شود. برای نمونه اگر شما دعا کنید تا خلبان بشوید، آیا می‌تواند سریع و فوری مستجاب شود؟ معلوم است که الان شما نمی‌توانید با این سن و سال و معلومات خلبان شوید، بلکه باید بزرگ بشوید و درس بخوانید تا در **آینده** خلبان خوبی شوید. پس بعضی از دعاهای در آینده مستجاب می‌شود و ما الان نمی‌توانیم بفهمیم که دعای ما مستجاب می‌شود، یا

نه!

۱. مریب در اینجا می‌تواند از یکی از دانش‌آموزان بخواهد سوره غافر آیه ۱۴ را تلاوت کند: «فادعوا الله مخلصین له الدين...» پس معلوم می‌شود دعا جزء دین می‌باشد و خدا آن را خالصانه از ما می‌خواهد (کتاب حکمت عبادات، آیه الله جوادی آملی، ص ۲۲۰)

۲. مریب در اینجا می‌تواند از بچه‌ها دعاهایی را که کرده‌اند و این که آیا مستجاب شده است، یا نه را بپرسد و حتی می‌تواند از علت مستجاب نشدن آنها را از خود بچه‌ها سؤال کند.
۳. مریب این سه کلمه‌ای که بزرگ نوشته‌ایم را روی تخته بنویسد.

تازه بعضی از این دعاها که مستجاب می‌شود خدا در این دنیا به ما نمی‌دهد، بلکه این دعا را برایمان **نگهداری** می‌کند و پاداش آن را در آن دنیا به ما می‌دهد تا گناهانمان پاک شود و بتوانیم داخل بهشت شویم، چون خدا ما را خیلی دوست دارد و ما از او خواسته‌ایم که دعایمان را مستجاب کند. او به فکر آن دنیای ما است تا بتوانیم وارد بهشت شویم. حتی خدای خوب و مهریان بعضی از دعاها را مستجاب می‌کند، ولی آن چیزی را که ما خواسته‌ایم به ما نمی‌دهد چون خدا بهتر از ما می‌داند که چه چیزی برای ما خوب است و چه چیزی برای ما خوب نیست. برای همین به جای آن چیزی که ما از خدا خواسته‌ایم، چیز بهتری به ما می‌دهد. به طور نمونه شما دعا می‌کنید که پدرتان برای شما موتور سیکلت بخرد^۱، ولی چون خدای دانا و مهریان می‌داند که اگر شما صاحب موتور شوید، تصادف می‌کنید و یا دست شما می‌شکند، کاری می‌کند که پدر شما به جای آن برای شما کامپیوتر بخرد.

حالا بچه‌ها! ما باید برای رسیدن به هر چیز فقط دعا کنیم تا به خواسته خودمان برسیم. مثلاً اگر بخواهیم در درس‌هایمان نمرات خوبی بگیریم و قبول شویم آیا باید فقط دعا کنیم، یا نه؟ برای این که جواب این سؤال را بهتر بفهمیم به این داستان کوتاه گوش کنید.

شخصی با هیجان و اضطراب به حضور امام صادق العلیله آمد و گفت: «در باره من دعایی بفرمایید تا خداوند به من روزی فراوان بدهد که خیلی فقیر و

۱. مریبی می‌تواند به جای موتور سیکلت، مثال دیگری مثل خرید رایانه و... بزنند.

تنگدستم». امام الکاظم فرمود: «هرگز دعا نمی‌کنم». آن شخص گفت: «چرا دعا نمی‌کنید؟!»^۱

حضرت فرمود: «برای این که خداوند راهی را برای این کار تعیین کرده است. خداوند امر کرده است که روزی را طلب نماید، اما تو می‌خواهی در خانه خود بشنیش و با دعا روزی را به خانه خود بکشانی!»^۱
 پس حالا خوب متوجه شدید که ما برای خواسته‌هایمان علاوه بر دعا کردن، باید تلاش و کوشش هم بکنیم تا به خواسته‌یمان برسیم تا دعای ما هم مستجاب بشود. در غیر این صورت دعای ما مستجاب نخواهد شد.
 حالا به شعر زیبای «مناجات» خوب گوش کنید:

ای خدا! ای خدای پاک و بزرگ
 ای خدا! ای خدای بی همتا
 ای خداوند آسمان و زمین
 ای خداوند دره و دریا

از تو دارد توان جنیدن
 پر و بال پرندگان قشنگ
 مرغ و مرغابی و کبوترها
 همه جا گونه گونه، رنگارنگ

.۱. مرتضی مطهری، داستان راستان، خواهش دعا، ص ۱۲.

جسم من، قلب و جان و هستی من
 اثری روشن از خدایی توست
 زین جهت، سعی و کوششم شب و روز
 همه در راه آشنایی توست
 من فقط بنده و مطیع توأم
 ای خداوند قادر و دانا
 از ره لطف و مهربانی خود
 تو به من راه راستی بنما^۱

بچه‌ها! در این مناجات زیبا ما از خدا چه چیزی خواستیم و چه دعایی کردیم؟
 این همان مناجات و دعایی است که ما هر روز در نمازهایمان ۱۰ بار از خداوند
 آن را طلب می‌کنیم: «ایاک نعبد و ایاک نستعين، اهدنا الصراط المستقیم».
 ما در قرآن دعاهاي زياد و زبيابي داريم. حالا برای اين که بيشتر با اين دعاها
 آشنا شويم، چند تا از دعاهاي زبيابي قرآن در سوره آل عمران را می‌خوانيم و اگر
 شما هم آنها را ياد بگيريد می‌توانيد در قنوت نمازتان يکی از اين دعاها را
 بخوانيد.

حالا شما که جواب درست به سؤال قبل ما دادید (قرآن را باز کنید) آيه ۱۹۳ و
 ۱۹۴ از سوره آل عمران را برایمان بخوانيد.

«ربّنا أَنّا سمعنا مناديًّا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فامنّا ربّنا فاغفرلنَا
 ذنوبينا و كفّر عّنّا سينّا و توفّنا مع الابرار» (۱۹۳)

۱. نان و پروانه، ص ۱۲۸، مناجات. (مصطفی رحماندوست)، ج ۱، متین، تهران، ۱۳۷۷.

۲. مریب می‌تواند برای جلب توجه همه بچه‌ها به جواب سؤال، شعر را یکبار دیگر هم برایشان بخواند.

ربنا و اتنا ما وعدنا على رسلک ولا تخزنا يوم القيمه ائک لا تخلف
الميعاد»(۱۹۴)

حالاً ترجمه این دو آیه را می‌خوانم و شما بعد از هر فراز آن آمن بگویید.
پروردگار!! ما شنیدیم که دعوت کننده‌ای به ایمان ما را دعوت می‌کند که: «به
خدای خود ایمان آورید»، پس ایمان آوردیم. پروردگار!! گناهان ما را بیامرز!
بدی‌های ما را بپوشان! و ما را در زمرة نیکان بمیران. ۱۹۳
پروردگار!! آنچه به وسیلهٔ فرستادگانت به ما وعده دادی به ما عطا کن! ما را روز
رستاخیز رسوا مگردان! زیرا تو وعدهات را خلاف نمی‌کنی. ۱۹۴
علاوه بر قرآن، ما کتاب‌های دعای زیادی داریم.

اسم معروف‌ترین کتاب دعا را که همراه قرآن، دعاهاي او را هم خوانيم چه
نام دارد؟ بله، اسم اين کتاب «مفاتيح الجنان» است.

حالا به اين طرح توجه كنيد:
چه کسی هم تواند کلمه‌ای که از آن به دسته می‌آيد حدس بزند؟

۱۱۷ ۰ ۱۱۱ ۰ ۱ ۰ ← لکلیفه سلسله

→ صحفه سجاده

۱. مریب می‌تواند این کلمه‌های فانتزی را هم نیاورد و فقط اسم کتاب را به صورت فانتزی بنویسد. در صورت نیومن کتاب صحیفه سجاده از مفاتیح الجنان استفاده کند ولی حتی المقدور باید کتاب صحیفه کامله سجاده را همراه داشته باشد و آن را به بچه‌ها معرفی کند.

می خواهیم فراز اول دعای بیستم صحیفه سجادیه را برایتان بخوانیم. البته در صحیفه کامله سجادیه ۵۴ دعا از امام سجاد^{علیه السلام} ذکر شده است که ما دعای بیستم آن را که به نام دعای «مکارم الاخلاق» است را برای شما انتخاب کرده‌ایم. این دعا در آخر مفاتیح الجنان هم ذکر شده است.

اللهم صل على محمد و آله و بلغ بآيمانى اكمل الايمان و اجعل يقينى افضل
اليقين و انته ببنيتى الى احسن النيات و بعملى الى احسن الاعمال.
معنای این دعای زیبا را هم بخوانیم و دعا را حفظ کنیم و یاد بگیریم تا هر وقت
خواستیم در نمازهایمان آن را از خداوند بخواهیم.

حالا بچه‌هایی که کارت‌های اول برنامه در دستشان هست، طرف دیگر کارت‌ها را نگاه کنند و مانند اول برنامه فقط شماره‌های خودتان را به ترتیب بلند بخوانید. بعد از آن که آن را به خوبی یاد گرفتید به ترتیب شماره، حروف نوشته شده در کارت‌ها را بلند بخوانید.

۱ ص	۲ ل	۳ وات	۴ کَع	۵ بَه	۶ با	۷ ران
۸ مظ	۹ لوم	۱۰ سِ	۱۱ لا	۱۲ حِ	۱۳ ما	

صلوات كعبه باران مظلوم سلاح ما^۱

من این پنج کلمه را در تابلو می‌نویسم.

بچه‌ها چه رابطه‌ای بین این پنج کلمه و دعا وجود دارد؟

۱. شماره‌های این طرف کارت با آن طرف دیگر که در اول برنامه اجرا کردند، نباید یکی باشد و یا این که بچه‌ها کارت‌هایشان را با هم جایه جا کنند.

کلمه اول صلوات: یکی از آداب این است؛ قبل و بعد از دعا صلوات بفرستیم^۱، زیرا خداوند بخشنده‌تر از آن است که دو طرف دعایی را که صلوات باشد، پذیرد و مستجاب کند. ولی دعای وسط آن را مستجاب نکند. گفتنی است که هر وقت کسی دعایی کند و نام پیامبر(ص) را نبرد آن دعا بالای سرش می‌چرخد و همین که نام پیامبر(ص) را می‌برد دعایش بالا می‌رود^۲.

صلوات فرستادن، موجب مستجاب شدن دعا می‌شود. امام سجاد^{علیه السلام} در دعاهایش در اول هر فراز از دعا، اول صلوات می‌فرستاد، بعد حاجت خود را بیان می‌کرد مانند همین دعای مکارم اخلاق که ما فراز اول آن را برایتان خواندیم.

کلمه دوم کعبه: همان خانه خداست، مکانی است که دعا در آن مکان مستجاب می‌شود^۳. ما نمی‌توانیم همیشه و هر روز به خانه خدا برویم و آن‌جا دعا کنیم. به جای آن می‌توانیم به خانه دیگر خدا برویم. بله، بچه‌ها! «مسجد». دعا در مسجد که خانه خداست، مستجاب می‌شود.

کلمه بعدی باران: یکی از نعمت‌های خوب خداست. در هنگام باریدن آن، دعا مستجاب می‌شود^۴. پس سعی کنیم هر وقت این نعمت خدا بر ما نازل می‌شود، دست به دعا بلند کنیم.

۱. عده الداعی، ص ۲۱.

۲. اصول کافی، ج ۴، ص ۲۴۷، عین الحیو، ص ۱۳۴.

۳. عده الداعی، ص ۵۵.

۴. اصول کافی، ج ۴، ص ۲۲۷.

کلمه چهارم مظلوم: چه رابطه‌ای با دعا کردن دارد؟ بله، یکی از کسانی که دعایش مستجاب می‌شود، انسان مظلوم است یعنی کسی که به او ظلم شده است و نمی‌تواند از حق خودش دفاع کند و کسی را ندارد که بتواند به او کمک کند، چنین شخصی دعای او مستجاب می‌شود.^۱ از آن جا که مظلوم در دعا امیدش فقط به خدادست و کسی را برای کمک به خود در نظر ندارد دعایش خالصانه است و مستجاب می‌شود.

کلمه پنجم سلاح ما: یکی از بهترین سلاح‌های ما، دعا کردن است. دعا سلاحی در مقابل دشمن، در مقابل بلا و گرفتاری، در مقابل غم‌ها و غصه‌ها و در مقابل مریضی‌ها و دردها^۲ می‌باشد.

حالا که فهمیدیم دعا چه سلاح خوبی است، همگی دست‌هایمان را مسلح به سلاح دعا می‌کنیم و بالا می‌آوریم و دعای همیشگی‌مان را با همدیگر بلند می‌خوانیم.^۳

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما!

خامنه‌ای رهبر به لطف خود نگهدارا!

رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما

آمین يا رب العالمين

۱. اصول کافی، ج ۴، ح ۳۲۲۶.

۲. راز و رمز نیایش، اسدالله اسدی گرمادودی (نقل به مضمون ص ۹۰ - ۹۱)

۳. اگر وقت باشد می‌توانند اول دعای سلامتی آقا امام زمان (اللهم کن لولیک...) را بخوانند.

کارشن:

مشاور

نمودن صمیع:

اخلاق

هدف گلای:

دانش آموزان در این درس با یکی از راههای تصمیم‌گیری در کارهای مختلف و آثار آن در زندگی آشنا می‌شوند.

آهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند.

۱. اصل مشورت در کارها؛
۲. ویژگی‌های شخص مشاور؛
۳. با چه کسانی باید مشورت کرد؛
۴. از مشورت با چه کسانی باید دوری نمود.

هدف رفتاری (خروچی):

انتظار می‌رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند در هنگام تصمیم‌گیری در کارهای مختلف با افراد شایسته و صالح مشاوره کنند و از مشاوره با افراد غیر قابل اعتماد پرهیز نمایند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال (مسابقه، جدول، کارت و...)

رسانه‌های آموزشی:

۱. تخته سیاه ۲. کارت



مشاور

به نام آن که رحمان و رحیم است
کتابش نور و پیغامش عظیم است

سلام بر شما دانش آموزان گرامی و آشنا به قرآن!

دوست دارید با چند سؤال قرآنی برنامه را شروع کنیم؟

تا یک صلوات قرآنی که شما می فرستید، من جدولی در تابلو می کشم.
«اللهم صل و سلم و زد و بارک علی رسول الله و آلہ الاطھار»

				۴۷
			❖	۱۱
				۴۲
		❖		۰
				۴۶
			❖	۹۱
				۰۶

با کمک دو نفر از دوستان شما حروف پاسخ سؤال ها را در جدول می‌نویسیم.
دقت کنید جواب صحیح را بگویید تا حروف آن را در جدول بنویسیم.

آیا آماده‌اید تا مسابقه را شروع کنیم؟

پس زود، تند و سریع بگویید نام سوره ۴۷ قرآن چیست؟

بله، محمد، «محمد» (ص) نام پیامبر اسلام است که حروف آن را در جدول
می‌نویسم.^۲

حالا نوبت به سؤال دوم می‌رسد. به شماره‌ای که می‌نویسم، دقت کنید. چه
شماره‌ای است؟

بله، شماره ۱۱.

چه کسی توانست نام سوره را پیدا کند؟

آفرین، سوره «هود»

حروف نام این سوره را بعد از یک گل زیبا می‌نویسم.^۳
پیامبران دیگری هم هستند که نام سوره‌هایی از قرآن به نام آنها آمده است.

چه کسی می‌تواند نام آن سوره ها را بگوید؟

۱. مریمی دو نفر از دانش آموزان را انتخاب کند تا با نوشته شدن شماره‌های سوره (توسط خود مریمی) در کنار جدول به نام سوره مورد نظر دست پیدا کند و حروف آن با دقت (طبق جدول) در جدول جایگزین شود. از قبل دو جلد قرآن تهیه شود.

۲. پس از جواب دادن هر کدام از ۲ شرکت کننده، امتیاز جواب صحیح را کسب می‌نماید. مریمی امتیاز او را ثبت نماید تا در پایان برنده را اعلام کند.

۳. مریمی در خانه اول این ردیف یک گل رسم می‌کند.

احسنت، سوره‌های ابراهیم، نوح، یوسف و یونس هستند که در قرآن به نام این پیامبران الهی آمده است.

سؤال سوم از دو گروه شرکت کننده در مسابقه:

نام سوره ۴۲ قرآن چیست؟

بارک الله، سوره مبارکه «شورا»

حالا ترجمة آیه ۱۳ سوره شورا را از روی قرآن بخوانید: آفرین، ترجمه چنین است: «آنچه در دین شما به نوح سفارش کردہ‌ایم و آنچه بر ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردہ‌ایم این است که دین را برپابدارند و اختلاف نورزنند...»

حالا که ترجمه را خواندید، بگویید نام چه پیامبرانی در آیه آمده است؟

بله، ۵ پیامبر «أولوا العزم^۱» یعنی: حضرت محمد(ص)، حضرت نوح الله عليه السلام، حضرت ابراهیم الله عليه السلام، حضرت موسی الله عليه السلام و حضرت عیسی الله عليه السلام. آیا می‌دانستید که فقط در این آیه از قرآن، نام این ۵ پیامبر بزرگ الهی که از پیامبران اولوا العزم هستند، آمده است.

سؤال چهارم: از سوره پنجم قرآن است، ولی جواب آن ۳ حرف دارد که در آیه ششم این سوره آمده است.

حالا سوره پنجم که «مائده» است را پیدا کنید و در ترجمه آیه ششم این سوره

دقت کنید و بگویید که نام کدام طهارت و روش انجام آن آمده است؟

چه کسی پاسخ را می‌دهد؟

۱. پیامبرانی که صاحب کتاب و شریعت مستقل بودند و دینشان در زمان خودشان جهانی بود، یعنی به منطقه خاصی اختصاص نداشت.

آفرین، وضو... من حروف این کلمه را بعد از یک گل زیبا در سه خانه جدول می‌نویسم و ترجمه آیه را برای شما می‌خوانم: «ای مؤمنان! چون برای نماز برخاستید، چهره و دست‌هایتان را تا آرنج‌ها بشویید و سپس سر و پاهایتان را تا قوزک پا مسح کنید...»

بله، این آیه، «آیه وضو» نام دارد و فقط همین یک بار حکم وضو بیان شده است. به ادامه مسابقه برمی‌گردیم.

آماده‌اید! سریع و تند و زود بگویید که نام سوره ۴۶ قرآن چیست؟

آفرین، «احقاف»

چند حرف دارد؟^۵ حرف. این پنج حرف را در چهار خانه می‌نویسم. خوب دقت کنید.^۱

حالا نام سوره ۹۱ را بدون مراجعه به قرآن بگویید.

یک راهنمایی می‌کنم: این سوره نام تنها ستاره منظومه شمسی است.

آفرین، «خورشید»، ولی خورشید که ۶ حرف دارد. جدول ما در خانه اول خود در این ردیف، یک گل دارد و ۳ خانه خالی!

پس نام عربی این سوره را بگویید؟ آفرین، سوره «شمس»

حالا! تند، زود، سریع نام سوره ۵۶ را بگویید؟

بله! سوره «واقعه»، ولی این سوره ۵ حرف دارد که حروف آن را باید در چهار خانه ردیف آخر جدول بنویسم. خوب دقت کنید!^۲

۱. مربی طبق جدول، «حق» را در خانه دوم این ردیف بنویسد.

۲. مربی توجه کند که حرف آخرین خانه جدول، "دو حرفی" است و بقیه خانه‌ها یک حرفی است.

حالا برای به دست آوردن پیام جدول می‌توانید آن را از میان حروف جدول پیدا کنید. این پیام، ۷ حرف دارد.

ممکن است این پیام از حروف جدول به صورت مورب، مستقیم، از بالا به پایین، از پایین به بالا، به طور زیگزاگ^۱ و باشد.

یک راهنمایی دیگر، این پیام قسمتی از آیه ۱۵۹ سوره آل عمران است. هر کس از شما^۲ قرآن دارد، می‌تواند به آدرس داده شده مراجعه کند و ترجمه را بخواند تا به پیام برسد.

به ترتیب حروف موردنظر را که می‌خواهیم علامت می‌زنم.^۳ آنها را کنار هم می‌نویسم. هر کسی توانست آن را بخواند، اجازه بگیرد و بگوید:

وش او ره م

بله!... «و شاورهم»، یعنی: و با آنان مشورت کن.

خداآوند متعال به حضرت محمد(ص) دستور داده است تا با اصحاب خود مشورت کند.

آیا می‌خواهید بدانید که پیامبر(ص) با چه گسانی مشورت گرده است؟

من بخشنی از ویژگی‌های آن را می‌گویم؛ هر وقت متوجه شدید، اجازه بگیرید و نام فرد مورد نظر را بگویید.

۱. به صورت خط شکسته.

۲. این سوال از غیر افراد شرکت کننده در مسابقه (افراد حاضر در جلسه) پرسیده می‌شود.

۳. مربی با یک دایره به دور حرف موردنظر، داش آموزان را راهنمایی کند. (وش او ره م) از آنها بخواهد که حروف را به ترتیب کنار هم بنویستند و آن را به طور صحیح بخوانند.

در خانواده‌ای ثروتمند و صاحب نفوذ دیده به جهان گشود. پدرش دهقانی بسیار ثروتمند و قدرتمند بود. نام پدرش «خشنودان» بود. او تنها فرزند این خانواده ثروتمند بود، به این جهت پدرش او را بسیار عزیز می‌داشت و در تربیت و مراقبت او سخت کوشش می‌کرد.

پدر، نام او را «روزبه» انتخاب کرد و از او بسیار مراقبت می‌کرد تا به او گزند و آسیبی نرسد.

«روزبه» که به دنبال حقیقت بود، برای رسیدن به دیدار دوست خود راه یشرب را پیش گرفت.

در مدینه رسول خدا(ص) را ملاقات کرد. سال‌ها با او زندگی کرد. در یکی از سال‌ها که همه دشمنان اسلام با هم متحد شده بودند تا اسلام را از بین ببرند و مسلمانان را سرکوب کنند، رسول خدا(ص) نظر یارانش را جویا شد. هر یک از آن‌ها نظری ارایه کرد. در این میان «روزبه» پیشنهاد خود را مطرح کرد. پیشنهادش را رسول خدا(ص) پذیرفت، زیرا به جهت شکست جنگ احمد، مسلمانان نگران بودند. پیشنهاد او شیوه‌ای دفاعی خاص نزد ایرانیان بود که «روزبه» به خوبی از اهمیت آن آگاه بود. این پیشنهاد حفر خندق بود. مسلمانان به همراه رسول خدا(ص) برای پیروزی در جنگ احزاب به حفر خندق مشغول شدند. «روزبه» در این فعالیت تلاش بسیار نمود، حتی به اندازه‌ده مرد تلاش می‌کرد. رسول خدا(ص) درباره او فرمود: «او از اهل بیت من است...» نامش را رسول خدا(ص) برای او انتخاب کرد و مسلمانان را به احترام نسبت به او سفارش نمود. همیشه نام او در طول تاریخ در کنار نام اصحاب خاص

پیامبر(ص)، مانند عمار، مقداد و ابودر می درخشید و یکی از شیعیان وفادار امام

علی^{الکعبه} در طول زندگی خود بود.^۱

بله، نام او، همراه با افتخار همیشگی برای ما ایرانیان مطرح است.

او، سلمان فارسی است.

حالا ادامه آیه را هم می نویسم: «و شاورهم فی الامر»... یعنی: در کارها با آنها

(مسلمانان) مشورت کن.»

پیامبر اسلام(ص) نه تنها در جنگ خندق^۲ یا احزاب^۳ با اصحاب خود

مشورت کرد، بلکه در دو جنگ دیگر هم با نظر آنها موافقت کرد و به گفته آنها عمل کرد.

آیا نام آن دو جنگ را می دانید؟

با بیان ماجرا زیر نام یکی از جنگ‌ها را حدس بزنید.

در این جنگ فرماندهی سپاه با حضرت رسول خدا(ص) بود. مقر فرماندهی

سپاه اسلام در جایی قرار داشت که سال‌ها در زمان صلح مورد استفاده بود. یکی

از اصحاب حضرت(ص) خدمت رسول خدا(ص) رسید و عرض کرد: «آیا

انتخاب چنین مکانی برای مقر فرماندهی شما به فرمان خداوند متعال است؟»

رسول خدا(ص) فرمود: «امر خداوند متعال این نیست که حق اظهار نظر نداشته

باشد. موضوع مقر فرماندهی، قابل مشورت است. آیا نظر خاصی دارید؟»

۱. دکتر غلامحسین زرگرنژاد، سلمان فارسی، تهران، ج ۱، ۱۳۷۵، مؤسسه کتاب همراه.

۲. سوره آل عمران، ۱۰۹.

یکی از یاران پیامبر گفت: «به نظر من باید مکانی را برای مقر فرماندهی انتخاب کنیم که نزدیک آب باشد تا دشمن نتواند با قطع آب، سپاهیان اسلام را از پای درآورد.»

نظر او مورد قبول واقع شد و مقر فرماندهی را در جایی مناسب قرار دادند.^۱

آیا می‌دانید این مشورت در کجا انجام شد؟

بله، در جنگ بدر.

مشورت در جنگ دیگری نیز اتفاق افتاد. در این جنگ سپاه ۱۰۰۰ نفری قریش با همه ساز و برگ نظامی خود برای هجوم به مدینه آماده شدند. پیامبر اسلام(ص) یارانش را جمع کرد و درباره ماندن در شهر و دفاع از شهر، یا این که از شهر خارج شوند و در خارج از شهر دفاع کنند، مشورت نمود. تصمیم‌گیری نهایی این شد که از شهر خارج شوند و در بیرون از شهر به دفاع مشغول شوند.

نام این جنگ را هم بگویید؟ آفرین، جنگ احد

حالا که با روش و سیره پیامبر اسلام(ص) درباره مشورت با دیگران آشنا شدید، نام یک سوره از قرآن را که درباره این مسأله مهم آمده است بگویید؟
بله، سوره شورا.

در این سوره به یکی از روش‌های عاقلانه و هماهنگ با فطرت اولیه انسانی اشاره شده است که مسلمانان با شور و مشورت کارهایشان را به سرانجام برسانند.

۱. تفسیر ابن کثیر، ص ۴۲۰ / سیره ابن هشام، ج ۳ ص ۷۱۷ به نقل شورا در اسلام و حدیث، ص ۵۶.

در روایات اسلامی هم به موضوع مشورت زیاد سفارش شده است و از مردم خواسته شده است که در کارهای خود مشورت کنند.

اکنون به یک روایت کوتاه از امام رضا^ع توجه کنید؟

در حضور امام رضا^ع از پدر بزرگوار آن حضرت^ع سخن به میان آمد. آن حضرت^ع فرمود که هیچ خردی با عقل آن حضرت برابر نمی‌کرد. با این حال گاه با یکی از غلامهای سیاه خود مشورت می‌کرد. به آن حضرت^ع عرض شد که با چنین کسی مشورت می‌کنی؟!

حضرت^ع فرمود: «چه بسا که خدای تبارک و تعالی (نظر درست را) از زبان او جاری کند»^۱

در پایان برای بهره‌برداری بیشتر از مشورت لازم است بدانیم که بهترین مشورت کدام است؟

به سؤال‌هایی که می‌پرسم پاسخ دهید تا جواب صحیح را در تابلو بنویسم.

۱. عاقل، دانا و هوشیار:

۲. پارسا و با تقوا:

۳. کسی که دور را نزدیک و نزدیک را دور نشان می‌دهد و مطالب بس

دروغگو حقیقت را با آب و تاب بیان می‌کند:

۴. کسی که در کاری مهارت و بصیرت دارد:

۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ج ۱، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۵۲۵، ح ۹۸۶۱.

۲. مریب کلمه‌ها را در تابلو به طور پراکنده می‌نویسد تا در فرصت بعدی آن‌ها را ۲ قسمت کرده تا در جایی مناسب بیاورد.

۵. شخص که بسیار راغب و مشتاق به چیزی باشد:
حریص
۶. کم جرات، کم دل:
ترسو
۷. کسی که انسان را از نیکی کردن و بخشش نمودن باز می‌دارد: بخیل
به نظر شما با کدام گروه باید مشورت کرد و با چه گروهی نباید مشورت
کرد؟

در طرف راست تابلو، نام افراد مناسب برای مشورت کردن را می‌نویسم و در طرف چپ، نام افرادی که شایستگی مشورت کردن را ندارند، می‌نویسم^۱. در پایان به علت‌های برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

پیامبر خدا، حضرت محمد(ص) به حضرت علی^{العلیّ} فرمود:

ای علی! با ترسو مشورت مکن، زیرا او راه حل مشکل را بر تو تنگ می‌گیرد. با بخیل مشورت مکن، زیرا او تو را از هدفت باز می‌دارد و با آدم حریص مشورت مکن، زیرا او طمع و آزمندی را در نظرها زیبا و نیک جلوه می‌دهد.^۲

۱. همان احادیث ۹۸۷۶ تا ۹۸۷۵ باب ۲۱۳۳ و ۲۱۳۴.

۲. همان ح ۹۸۶۷

کریشن:

یار گل

نموده صمیع:

اخلاق

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با شرایط انتخاب دوست و ویژگی های آن آشنا می شوند.

اهداف چریکی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. برخی از ملاک های انتخاب دوست؛
۲. ویژگی های دوست خوب؛
۳. ویژگی های دوست خدا؛
۴. بهترین مکان دوست یابی.

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند دوست خوب برای خود انتخاب کنند و از دوستی با افراد ناباب پرهیز کنند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، بازی با کلمات، کارت بازی، جدول و...)

رسانه های آموزشی:

۱. تخته سیاه و گچ ۲. کارت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

پار گل

به نام خداوند بخشندۀ و مهریان

بارالها! دوست می دارم تو را

ای تو با جان و دل من آشنا

ای خدای بی شریک و بی قرین

در میان دوستانم بهترین

دوستان عزیز! سلام، امیدوارم حال شما خوب باشد و دوستی هایتان پایدار.

اگر موافق هستید بیایید با «مَثَلُهَا وَ ضربِ المثلَهَا فارسی» هم آشنا شویم.

ابتدا یک «مثل» فارسی را در تابلو می نویسم تا هر کس که فکر کرد می تواند آن

را بدون غلط بخواند، اجازه بگیرد و آن را بخواند:

«بار باس، بار باس؛ گل باس، خار باس^۱»

آفرین، حالا چه کسی می تواند این عبارت را به صورت صحیح بخواند:

با کسی آشنا نمی گردم^۲ چون شدم آشنا نمی گردم

یک راهنمایی!

۱. مری مثُل را بدون نقطه بنویسد، البته لازم است مری هم از قبل تمرین کند تا بدون نقطه مثُل را نوشته و

درس را ادامه دهد. عبارت صحیح مثل: «بار باش، بار نباش؛ گل باش، خار نباش»

۲. با کسی آشنا نمی شوم (حال ساده) چون شدم آشنا روی گردان نمی شوم (مضارع ساده). شکور زاده ابراهیم،

دههزار مثل فارسی، ۱۳۷۲، مشهد، ج ۱، انتشارات آستان قدس رضوی.

این جمله با یک ویرگول مناسب، به طور صحیح خوانده می‌شود و مفهوم آن
کامل می‌گردد.
آفرین؟

با کسی آشنا نمی‌گردم چون شدم آشنا، نمی‌گردم

مثل‌ها در ادبیات فارسی سخنان کوتاه، سودمند، دلنشین و عمیق هستند که هر
کدام به سبب سادگی و روانی خود، اندیشه‌های لطیف و ژرف را با خود به
همراه دارند. شما هم کم و بیش با این ضربالمثل‌ها آشنا هستید و یا شنیده‌اید
که چگونه دیگران در جای مناسب از آن‌ها برای درستی حرف خودشان از آن‌ها
استفاده می‌کنند. شما هم می‌توانید به سادگی در جاهای مختلف برای بیان بهتر
منظور خود از آن‌ها استفاده کنید. حالا از شما چند ضربالمثل می‌پرسم که پاسخ
شما را در تابلو می‌نویسم^۱.

یک ضربالمثل بگویید که در آن دو کلمه «عفو» و «انتقام» به کار رفته باشد.
در عفو لذتی است که در انتقام نیست.

چه کسی می‌تواند ضربالمثلی بگوید که در آن «وفا» و «صفا» به کار رفته
باشد؟

وفا کن تا صفا بیینی
«اصحاب کهف» را که می‌شناسید. در باره سگ اصحاب کهف یک
ضربالمثل بگویید؟

۱. مربی ضربالمثل (ءضربالمثل) را در طرف راست تابلو با خط زیبا و روان می‌نویسد، یا از دانش‌آموزی که جواب داده است می‌خواهد که آن را بنویسد.

سگ اصحاب کهف روزی چند
پی نیکان گرفت و آدم شد
آخرین ضرب المثل را با استفاده از دو کلمه «پول» و «کیف» بگویید؟
بله، تا پول داری رفیقتم قربان بند کیفتم
حالا با دقت بار دیگر به ضرب المثل نگاه کنید.
آیا پیام آن‌ها را می‌توانید بگویید؟

اگر دقت کنید در این ضرب المثل‌ها به مهم‌ترین عامل سریبلندی و پیشرفت آدمی در زندگی اشاره شده است که هر کدام قسمی از ویژگی‌های او را برای ما بیان کرده است.

حالا از هر ضرب المثل، یک حرف (حرف اول) را انتخاب کنید. آن‌ها را کنار هم بنویسید. چه کلمه‌ای به دست آمد؟ بله،

دوست^{۰۰}

ویژگی‌های دوست بسیار است.

در ضربالمثل اول چه ویژگی دوست بیان شده است؟

ت ذ گ ش

روی کارت

گ ذ ش ت

پشت کارت

بله، دوست باید با گذشت باشد و از اشتباه دوست خود چشم پوشی کند.

در ضربالمثل دوم به کدام صفت او اشاره شده است؟

و ا ف ا در ی

روی کارت

و ف ا د ا ر ی

پشت کارت

در ضربالمثل سوم به مهمترین ویژگی یک دوست، آن س ا ن ی ت

پشت کارت

او اشاره شده است.

ا ن ا س ی ت ن یعنی

روی کارت

اما دوست آدمی باید دوست واقعی باشد، یعنی **پ و ل ی** نباشد. و **پ ل ی**

روی کارت پشت کارت

حال برای آشنایی بیشتر، سراغ قرآن می‌رویم تا از محضر قرآن استفاده کنیم.

دوست شما از قبل قرآنی را آماده کرده است و برای شما دو آیه از سوره نساء

را تلاوت می‌کند و ترجمه آن را می‌خواند.

«وَ مَنْ يَعْمَلْ.....»

ترجمه: «هر کسی کار شایسته‌ای انجام دهد.....»

۱. مری جواب ضربالمثلا را با حروف پراکنده در روی کارت بنویسد، مثل «ت ذ گ ش»، «و ا ف ا در»، «ا ن ا س ی ت ن»، «و پ ل ی» و در هنگام جواب بچه‌ها، پشت کارت حروف را مطابق نگارش آنها در

عرض دید دانش آموزان قرار می‌دهد.

۲. سوره نساء / ۱۲۵ - ۱۲۴

حالا که به آیه‌ها و ترجمه آن به دقت گوش دادید، قسمت پایانی آن را در تابلو

می‌نویسم:

«... و اتخاذ الله ابراهيم خليلاً»

يعنى خداوند حضرت ابراهيم الصلوة را برای دوستی خود برگزید.

آیا حضرت ابراهيم الصلوة ویژگی خاصی داشت؟ چه گرسی ویژگی‌های حضرت
ابراهيم الصلوة را می‌داند؟

بله، آن حضرت الصلوة یکی از پیامبران أولو العزم و صاحب کتاب و شریعت



مستقل بود. خانه^۱ را بازسازی کرد. با بَيْتِ الْمَرْسَى مبارزه کرد. وی فقط از خداوند نیازهای خود را درخواست می‌کرد و در راه خدا از مال و جان خود گذشت.

علاوه بر این ویژگی‌ها، یک ویژگی دیگر هم داشت که به ابراهيم خلیل معروف شده است. آیا آن را می‌دانید؟

به یک روایت از امام صادق الصلوة در باره این ویژگی حضرت ابراهيم خلیل الصلوة توجه کنید.

گروهی به خانه حضرت ابراهيم الصلوة وارد شدند. حضرت ابراهيم الصلوة برای پذیرایی از آنان، گوساله‌ای را آماده کرد و از گوشت آن غذای مناسبی تهیه کرد. در هنگام پذیرایی مشاهده کرد که مهمانان از غذای او استفاده نمی‌کنند. حضرت ابراهيم الصلوة نگران شد و از آن‌ها دلیلش را پرسید.

۱. اشاره به کعبه از پیش ساخته شده دارد.

مهمنان گفتند: ما نمی‌توانیم از غذایی که تهیه کرده‌ای، استفاده کنیم مگر آن که به ما بگویی چه مقدار باید پیردازیم؟

حضرت ابراهیم الکَلِيلُ با گشاده روی فرمود: «بهایی که شما می‌توانید در مقابل آن پیردازید، آن است که در هنگام استفاده کردن از طعام بگویید: «بسم الله» و در پایان بگویید: «الحمد لله»

در این هنگام جبرئیل به دوستان خود گفت: «شایسته است که خداوند متعال، حضرت ابراهیم الکَلِيلُ را خلیل خود نامیده است^۱.»

خداوند متعال حضرت ابراهیم الکَلِيلُ را برای خود به عنوان دوست انتخاب کرد.

اگر شما خواستید دوستی برای خود انتخاب کنید چه من کنید؟

تاکنون فکر کرده‌اید که بهترین جایی که می‌توان یک دوست خوب پیدا کرد، کجاست؟ با یک مسابقه موافقید؟

دو گروه، دو نفره^۲

نام گروه اول: وفا

نام گروه دوم: ... صفا

سوال‌های هر گروه مشخص است. پاسخ سوال‌ها را در جدول^۳ مربوط به خود قرار دهید.

۱. ابی الحسین سعید بن عبدالله راوندی، قصص راوندی، تحقیق غلامرضا عرفانیان، مشهد، آستان قدس رضوی، چ۱، سال ۱۴۰۹، ص ۱۰۵.

۲. مربی سعی کند از میان دانش‌آموزان هر دو نفر را که با هم دوست صمیمی هستند، انتخاب کند.

۳. مربی در تابلو جای مناسب ۲ جدول (۴×۶) رسم کند و مطابق شماره حروف را جایگزین کند. سعی شود جدول را طوری رسم کند که قسمت بالای جدول جهت کشیدن یک گلبد مسجد خالی باشد.

۱
۲
۳
۴

گروه صفا

۴
۳
۲
۱

گروه وفا

سوال اول از گروه وفا

هدهد

پرنده نامه رسان حضرت سليمان (علیه السلام):

حروف پاسخ را در خانه های بالای جدول (خانه شماره ۱) قرار می دهیم.

سوال اول از گروه صفا

نام مادر یکی از پیامبران اولوی العزم (حضرت عیسی (علیه السلام)): مریم

این گروه هم حروف جواب را در خانه های ردیف شماره یک قرار می دهند.

دومین سوال از گروه وفا:

منجی

به معنای نجات دهنده و رهایی دهنده است:

حروف پاسخ را در ردیف دوم جدول قرار دهید.

دومین سوال از گروه صفا:

راست

سخن درست و برق:

شما هم حروف پاسخ را در ردیف دوم جدول قرار دهید.

سومین سوال از گروه وفا:

اسوه

الگو، مقتدا، پیشوای:

حروف را در جای مخصوص خود در ردیف شماره ۳ بنویسید.

سومین سوال از گروه صفا:

رجال

جمع مرد به عربی:

حروف پاسخ را در ردیف سوم خود قرار دهید.

آخرین سؤال از گروه وفا:

کسی که برای خدا شریک فرض کند و به خدایان متعدد و گوناگون عقیده

مشرك

داشته باشد:

آخرین سوال از گروه صفا:

دروع

گفتاری که حقیقت نداشته باشد:

حالاشما هم حروف پاسخ را در ردیف آخر قرار دهید.

حال سراغ رمز جدول می رویم.

آیا کسی از گروهها می تواند رمز جدول را که نام محل دوستیابی است،

بگوید؟

فرصت دارید پاسخ خود را در یک برگه کوچک بنویسید و تحويل دهید، تا

برنده را اعلام کنم.

یک راهنمایی می کنم. این مکان به طور معمول در شهرهای بزرگ با گنبدیده

می شود.

حالا هر گروه بگوید که چگونه به پیام جدول دست پیدا کرد؟

بله، شما گروه وفا، از طرف پایین به طرف بالا به صورت مورب حرکت کنید

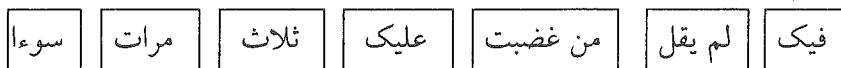
تا به پیام برسید، ولی گروه صفا، از طرف بالا به طرف پایین به صورت مورب

حرکت کند تا پیام را به دست آورد

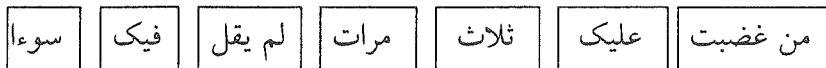
بیترین مکان مورد نظر برای دوست یابی گجاست؟ آفرین، مسجد
حضرت علی^{العلیہ السلام} فرمود: «هر کس به سوی مسجد(رفت و آمد کند) برود، چند
چیز نصیب او خواهد شد؛ یکی از آن‌ها، دوست خوب است.^۱»
حالا که با مکان دوست یابی و انتخاب او آشنا شدیم، بهتر است یکی از
ویژگی‌های او را هم بدانیم.

حضرت صادق^{العلیہ السلام} فرمود: دوستی را برای خود انتخاب کن که :
به نظر شما حضرت چه خصوصیتی را برای یک دوست خوب معرفی
می‌کند؟

با هم به این کارت‌ها توجه کنید:



کارت‌ها را طوری کنار هم قرار می‌دهیم که فرمایش امام صادق^{العلیہ السلام} را در باره
دوست خوب به دست آوریم:



آفرین، حالا به ترجمه روایت توجه کنید.

کسی که سه مرتبه عصبانی شد، ولی حرف زشتی در باره تو نگفت (و خود را
کنترل کرد) .. چه؟

۱. محمد ری شهری، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم، ج ۲، ح ۸۳۱۵ ص ۱۲۶۱، ب ۱۷۶۲.

۲. مربی کارت‌ها را که پشت آن‌ها شماره ترتیب دارد به صورت نامرتب به یکی از دانش‌آموزان می‌دهد و در
زمان کوتاه از او می‌خواهد که به طور صحیح مرتب نماید و در تابلو نصب نماید تا مربی ترجمه را با کمی
توضیح بیاورد.

بله، او را برای دوستی خودت انتخاب کن، و گرنه از دوستی با او دوری کن...
چرا؟ چون...

تا تو را عقل و دین بیفزايد	همنشین تو از تو به باید
گر چه پاکی، تو را پلید کند	منشین با بدان که صحبت بد
لکه ابری ناپدید کند ^۱	آفتاب بدین بزرگی را

آیا تاکنون سرگذشت اثر همنشینی با دیگران (چه خوب چه بد) را شنیده‌اید.
حالا به یک نمونه از آن‌ها گوش کنید:

«عقبه^۲» مثل همیشه سرحال و شادمان از سفر بازگشت. همه اهل مکه را این بار
هم دعوت نمود. طعامی بسیار مناسب و فراوان تهیه کرد. او می‌خواست همه از
دست او خوشحال و راضی باشند.

عقبه، رسول خدا(ص) را خیلی دوست می‌داشت. با حضرت(ص) زیاد
نشست و برخاست می‌کرد. از گفت و گو با حضرت(ص) سیر نمی‌شد و از
دیدار آن حضرت(ص) خیلی خوشحال می‌شد، هر چند که مسلمان نبود. این بار
فکر کرد که چه خوب است رسول خدا(ص) را دعوت کنم. آن حضرت(ص) را
دعوت کرد.

حضرت(ص) دعوت او را پذیرفت. به مهمانی عقبه رفت. در هنگام صرف غذا
همه منتظر بودند که پیامبر(ص) هم از غذاهای عقبه استفاده کند، ولی آن
حضرت(ص) خودداری کرد. عقبه از حضرت(ص) علت را پرسید.

۱. سعدی.

۲. عقبه بن ابی معیط.

حضرت(ص) فرمود: «هرگز به غذای شما دست نمی‌زنم، مگر وقتی که شهادتین خود را بگویی.»

عقبه بار دیگر گفت: «برادرزاده بخور!»

حضرت(ص): «نمی‌خورم، مگر شهادت را بگویی!»

عقبه شهادتین را گفت. آن گاه حضرت(ص) از طعام او خورد.
وقتی این خبر به گوش دوست عقبه رسید، خیلی ناراحت شد.

نام دوست او «أبی بن خلف» بود. ابی به عقبه گفت: «عقبه تو هم مسلمان شدی؟!»

عقبه گفت: «نه! این مرد(رسول خدا(ص)) بر من وارد شد. او را دعوت کرده بودم. او از خوردن غذا دوری می‌کرد و شرط گذاشت که من شهادت به توحید (وحدانیت خدا) و رسالت او (نبوت رسول خدا(ص)) بدهم. من هم شرم کردم که آن حضرت(ص) غذا نخورده از منزل من خارج شود. به این علت شهادت دادم.»

ابی گفت: «اگر می‌خواهی به دوستی خود با من ادامه بدھی، باید پیامبر(ص) را تکذیب کنی و یک شکمبه گوسفند را...»

عقبه مرد بود که چه کند؟ اگر قبول کند از دوستی رسول خدا(ص) محروم می‌شود و اگر رد کند، دوست خود را از دست می‌دهد؟ چه باید می‌کرد؟
بله، او بدبختانه نظر این دوست کافر و ناباب خود را اجرا کرد. به خدمت پیامبر(ص) رسید و او را تکذیب کرد.

رسول خدا(ص) با ناراحتی فرمود: «تو چندان زندگی کنی که در مکه باشی در غیر این صورت از شمشیرهای ما رهایی نداری!

عقبه با بیان رسول خدا(ص) عصبانی شد! خواست شکمبه گوسفند را به سمت پیامبر پرتاب کند که قبل از رسیدن به طرف پیامبر(ص) پاره شد و خود او را آلوده کرد. عاقبت هنگام جنگ بدر با شمشیرهای مسلمانان به هلاکت رسید.
این عاقبت دوستی با فرد نادان در این دنیا بود.^۱

۱. محمد حسین طباطبائی، ترجمه المیزان، محمد باقر موسوی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۲۷۲
(لازم به توضیح می‌باشد که مریم محترم هنگام نقل داستان، اصل قصه‌گویی را رعایت کند).

عقايد

کارشن:

نشانه‌ها

مفهوم‌سازی:

عقاید

هدف گلی:

دانش‌آموزان در این درس با برخی از اسماء و صفات الهی و معانی آن‌ها آشنا می‌شوند.

اهداف چریکی:

دانش‌آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند.

۱. معنا و مفهوم اسمای الهی؛
۲. بی‌انتها بودن اسمای الهی؛
۳. بعضی از اسمای الهی که در دعای جوش کبیر آمده است؛
۴. آشنایی با صفت «قدّوس».

هدف رفتاری (خروچی):

انتظار می‌رود دانش‌آموزان در پایان درس بتوانند برخی از صفات و اسمای خداوند را بیان کنند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی
۲. فعال (شعر، قصه، بازی با کلمات، کارت بازی، سؤال و جواب)

رسانه‌های آموزشی:

تخته سیاه



نشانه‌ها

به نام خداوند بخششته مهریان

ان شاء الله که همگی خوب و آماده هستید!

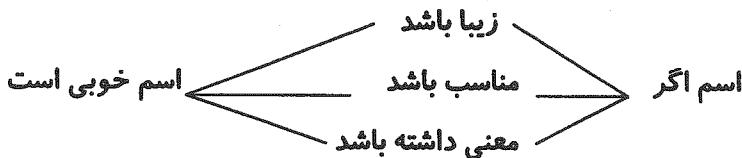
برنامه را با یک معما شروع می‌کنیم: آن چیست که همه دارند، ولی خودشان از آن استفاده نمی‌کنند، یا خیلی کم استفاده می‌کنند و دیگران بیشتر از آن استفاده می‌کنند؟

اسم

همه ما اسم داریم و همه چیز اسم دارد.

آیا من توانید یک اسم خوب انتخاب کنید؟

اسف! که انتخاب من گنید چه ویژگی‌هایی دارد؟



بعضی از اسم‌ها زیبا نیستند! بعضی از اسم‌ها معنا دارند ولی معنایشان با صاحب‌شان مناسب ندارد، مثل این که یک نفر اسمش **رشید** است، اما خیلی کوتاه است؛ یا کسی که اسمش **شجاع** است، ولی ترسو است؛ یا کسی که اسمش **زیبا** است، ولی قیافه زشتی دارد.

اما اسمی که خدا و پیامبر(ص) و ائمه - علیهم السلام - روی کسی یا چیزی می‌گذارند، زیبا و دارای معنای مناسب و هماهنگ با صاحب اسم می‌باشد.

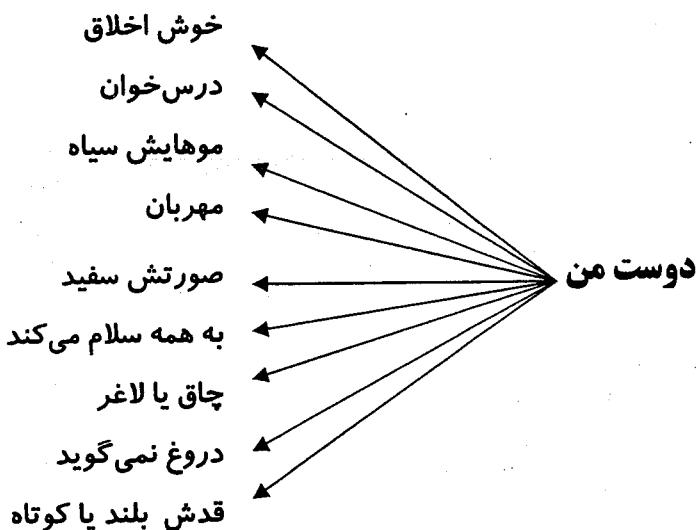
از آن بالاتر اسم‌های خدا و پیامبر و امامان که بسیار با معنا و زیبا هستند.

خداؤند درباره اسم‌های خودش می‌فرماید: «وَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحَسَنَىٰ ...»^۱

چه کسی می‌تواند این آیه را معنا کند؟ یعنی: «برای خداوند اسمی زیبایی است...»

فرض کنید که می‌خواهید دوست خود را با پدر و مادرتان آشنا کنید، ولی آنها تا کنون آن دوست شما را ندیده‌اند و الان هم نمی‌توانند او را بینند. چطور این کار را انجام می‌دهید؟ با بیان برخی از صفات و ویژگی‌های او.

به طور نمونه می‌گویید:



هرچه صفات و ویژگی‌های بیشتری از او بیان شود، او بهتر معرفی می‌شود و شناخت او برای والدین دقیق‌تر است.

۱. اعراف/۱۸۰. مرتب آیه را در تابلو بنویسد.

حالا بگویید از چه راه‌هایی می‌توانیم خدا را پشناسیم؟ بله، از راه شناختن صفات او.

آیا می‌دانید خداوند چند اسم و چند صفت دارد؟ صدتا! هزارتا! ده هزارتا!
شما اگر بخواهید آن‌ها را بشمارید، آیا قدرت شمارش آن‌ها را دارید؟
اسم‌ها و صفات الهی بی‌شمار است.

انسان‌های خداجو و خداشناس در همه چیز و همه جا اسمای خدا را درک می‌کنند، یعنی نقش خدا و تاثیر خدا و حضور خدا را حس می‌کنند. این همه زیبایی که وجود دارد، همه آفرینش خدادست. حالا برای این‌که ما هم هیچ گاه و هیچ‌جا از وجود خدا و نام خدا غافل نشویم به این شعر زیبا که دوست عزیzman می‌خواند، گوش می‌کنیم:

شعر خدا

هر چیز این دنیای زیبا

شعر خداوند بزرگ است

شعری که هر مصراع و بیتش

مانند یک پند بزرگ است

شعر خدا را می‌توان خواند

در رعد و برق و برف و باران

در آسمان صاف و آبی

در آب پاک چشم‌هه ساران

۱. مریبی با یکی از دانش‌آموزان خوش صدا از قبل برای خواندن این شعر هماهنگی نماید.

شعر خدا را می‌توان خواند

در آب و خاک و باد و آتش

هنگام شب در چهره ماه

با آفتاب گرم و دلکش

شعر خدا را می‌توان خواند

در شاخه و برگ درختان

در فصل گرما و بهاران

در فصل پاییز و زمستان

شعر کتاب آفرینش

زیباترین شعر جهان است

شعری که خوش آهنگ و زیباست

^۱ شعری که موزون و روان است

جعفر ابراهیمی (شاهد)

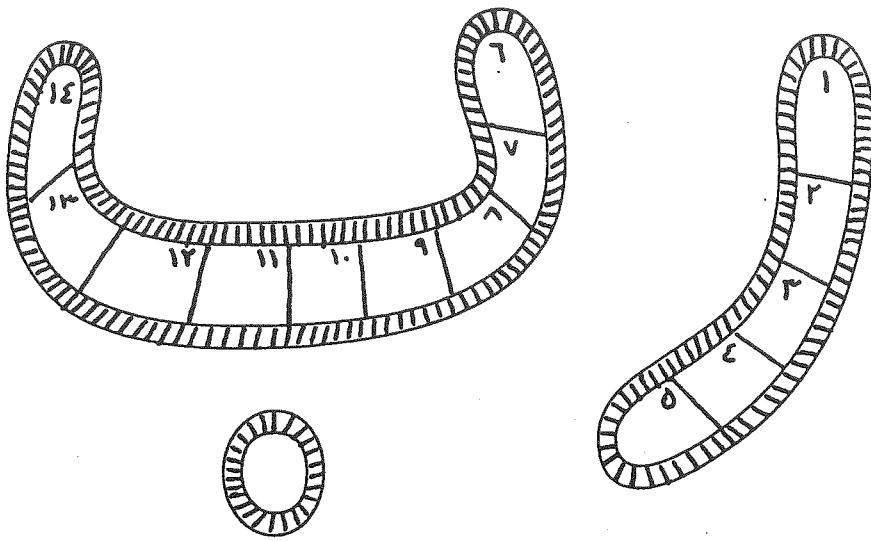
یکی از اسامی زیبای خداوند به معنای «پرورش دهنده» است!

کدام اسم است؟

و
ر

۱. محمود پور وهاب، پله پله تا خدا، ص ۳۹ و ۴۰.

در این کلمه «رب» چند اسم و صفت خدا نهفته است که شما با پاسخ به سؤال‌ها و به دست آوردن رمزش، می‌توانید آن‌ها را آشکار کنید.

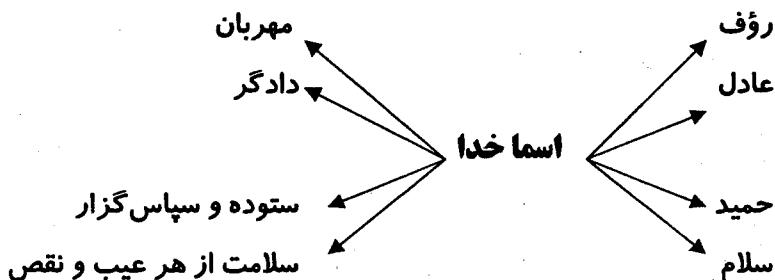


چگونه؟ ابتدا به پرسش‌هایی که می‌پرسم پاسخ دهید:

۱. مادر به عربی: ام (۱۰) ➔
۲. یکی از صفات خداوند به معنای بلند مرتبه‌تر: اعلی (۷، ۲، ۳ و ۴)
۳. فرستاده شده از طرف خداوند: رسول (۱، ۱۴، ۶ و ۵)
۴. سوره‌ای در قرآن به معنای ستودن، شکر: حمد (۸، ۱۳ و ۹)
۵. هنوز دفن نشده است: (راهنمایی: دو حرفی است) دف (۱۲ و ۱۱)

حالا با رمز ۵ خانه‌های جدول را شمرده و حروف آن را کنار هم قرار می‌دهیم تا اسمی خودشان را آشکار کنند.

ترجمه این اسمای را در طرف چپ طرح می‌نویسم.



اگر بخواهید با ۵ اسم خداوند آشنا شوید به ۴ سؤال پاسخ دهید؟ آماده‌اید!
احسن!

۱. یکی از صفات خداوند که به معنای بسیار قدر تمدن است: قدیر

۲. یکی از صفات خداوند به معنای راهنمای و مرشد:

۳. یکی از صفات خداوند به معنای بسیار بخشندۀ:

۴. یکی از صفات خداوند به معنای بسیار پوشاننده عیب‌ها: ستار^۱

خوب در این جواب‌ها یک کلمه زیبا که یکی دیگر از اسم‌های زیبای خداست، وجود دارد. آیا می‌توانید آن را پیدا کنید؟ اگر حرف‌های اول جواب‌ها را در کنار هم قرار بدھیم چه به دست می‌آید؟

بله، این صفت یکی از صفات زیبای خداوند است. چه کسی می‌داند «قدوس»

معنی چه؟

۱. مربی اگر لازم می‌داند در حد دو سه جمله درباره هر یک از جواب‌ها توضیح دهد.

ابتدا بگویید که «قدوس» با چه کلمه‌هایی هم خانواده و مترادف است؟ بله، قدس، مقدس، قداست.

همه این کلمه‌ها به معنای پاکیزگی و طهارت است: وقتی که می‌گوییم خداوند قدوس؛ یعنی خداوندی که از هر گونه عیب و نقصی پاک و منزه است.

آیا می‌توانید چند عیب و نقص را نام ببرید که در ما وجود دارد و در خدا وجود ندارد؟ بله، فقر، احتیاج، ضعف، محدود بودن و پیرشدن و

حالا آیا می‌توانید آیه‌ای بخوانید که در آن، این اسم (قدوس) آمده است؟ بله، سوره جمعه آیه اول: «يسبح لله ما في السموات و ما في الارض الملك القدس العزيز الحكيم»

این اسم آن قدر زیباست که حضرت ابراهیم الله وقتی این نام را شنید، حاضر شد برای این که بار دیگر هم آن را بشنود، تمام دارایی خود که گوسفندانش بود، بدلهد.

آیا داستانش را شنیده‌اید. پس گوش کنید.

روزی حضرت ابراهیم الله در بیابان مشغول چرانیدن گله گوسفند خود بود و ناگهان از پشت سر صدایی شنید که می‌گفت: «سبوح قدوس، ربنا و رب الملائکه و الروح» حضرت ابراهیم الله گفت: «ای کسی که نام زیبای محظوظ مرا بردی، اگر بار دیگر این اسم را بر زبان بیاوری، نصف گوسفندانم را به تو می‌دهم!»

صاحب صدا دوباره گفت: «سبوح قدوس، ربنا و رب الملائکه والروح»
 حضرت ابراهیم اللّٰہُ عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: «اگر یک بار دیگر تکرار کنی نصف دیگر گوسفندانم
 را هم به تو می‌دهم.»

صاحب صدا برای بار سوم گفت: «سبوح قدوس»
 حضرت ابراهیم اللّٰہُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «اینک تمام گوسفندانم از آن تو می‌باشد، ولی اگر
 یک بار دیگر بگویی خودم نیز چوپانت خواهم شد. حضرت ابراهیم اللّٰہُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
 «اینک این گوسفندان و خودم در اختیار تو هستم، ای کسی که اسم محبوب مرا
 به زیان آورده‌ای!»

ناگهان صاحب صدا جلو آمد و به حضرت ابراهیم اللّٰہُ عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: «من جبرئیل
 هستم که برای امتحان تو این عبارت را بر زیان می‌آوردم. اکنون فهمیدم که
 راست می‌گویی و در امتحان پیروز شدی. تمام گوسفندان از آن خودت!»

درس:

پیروی از خدا و رسول(ص)

موضوع:

عقاید

هدف گلی:

دانشآموزان در این درس با لزوم پیروی از خدا و رسول آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند.

۱. پیروی از خدا و رسول؛
۲. لزوم پیروی از خدا و رسول؛
۳. آثار پیروی از خدا و رسول در فرد و در اجتماع.

هدف رفتاری (خروچی):

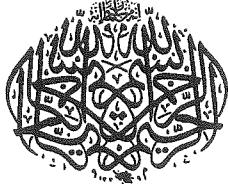
انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند به پیروی کامل از خدا و رسول در زندگی خود اهمیت بدهند و در راه آن تلاش نمایند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعل (جدول، شعر، داستان، راز گل)

رسانه‌های آموزشی:

۱. تخته سیاه



پیروی از خدا و رسول(ص)

سلام علیکم، ان شاء الله حال همه شما خوب باشد و هیچ گاه مريض نشويد! خوب حالا اگر مريض شدیم، چه کنیم؟ خدا تکلیف همه ما را مشخص کرده است.
یکی از پیامبران الهی مريض شد، اما به دنبال پزشک و دارو و درمان نمی رفت.
او فقط دعا می کرد و می گفت: «پروردگار! مرا شفا بده».
از طرف خداوند به او وحی شد که تا مداوا نکنی، شفایت نمی دهم. آن
حضرت هم به دنبال مداوا رفت تا خوب شد.^۱

وقتی کسی مريض می شود و با خوردن دارو حالت خوب می شود، چه کسی
او را شفا داده است؟ دارو! پزشک! خداوند!
خداوند مهریان، زیرا اوست که به این دارو خاصیت را داده است تا این
بیماری را درمان کند.

در اصل این داروها را چه کسی آفریده است؟ خداوند مهریان پس در هر
حال شفا دهنده خدادست؛ چه با دارو، چه با دعا.

۱. تهذیب ج ۹، ص ۱۱۳، باب الذبائح والاطعمة.

حالا ما دو تا مريض داريم که اخلاقشان با هم فرق می‌کند. ببينم نتيجه کارشان چه می‌شود؟

MRIPIK ATAQ SHMARAH 1 BE DASTORAT PZSHK UML Mİ KND.

۱. جلوی بیماری او گرفته می‌شود. (پیشروی نمی‌کند)
۲. زودتر خوب می‌شود.
۳. پدر و مادر و اطرافيانش خوشحال می‌شوند.
۴. به زندگی برمی‌گردد و کار و تلاش خود را از سر می‌گيرد.
۵. نفع سلامتی اش به خودش می‌رسد. (به پزشك نفعی نمی‌رسد).

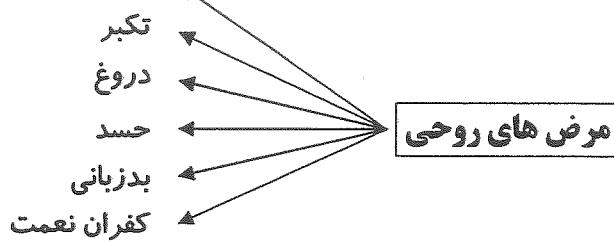
MRIPIK ATAQ SHMARAH 2 BE DASTORAT PZSHK AHMİTİ NİDEH.

۱. بیماری او روز به روز بیشتر می‌شود.
۲. ممکن است اصلاً خوب نشود و نفس کشیدن را هم ...
۳. پدر و مادر و اطرافيانش ناراحت و نگران می‌شوند.
۴. افراد جامعه از خدمات و کارهای او محروم می‌شوند.
۵. به پزشك ضرری نمی‌رسد.

اينها که گفتيم درباره مرض جسم بود، اما نوع ديگر مرض، مرض روحی است که خيلي ها به آن مبتلا هستند.

آیا من توانید چند تا از این مرض‌های روحی را نام ببرید؟

تجاوز به حقوق دیگران



برای از بین بردن این مریضی‌ها، باید به دستور پزشک دلسوز انسانیت عمل کنیم. او کیست؟

حضرت علی^{علیه السلام} این پزشک را معرفی کرده است. حضرت درباره پیامبر اکرم(ص) چنین فرموده است:

«طیب دوّار بطّه...»

چه کسی من تواند این کلام حضرت علی^{علیه السلام} را معنا گند؟ معنای طیب که پزشک می‌شود و معنای طب دانش پزشکی؛ پس معنای حدیث چه می‌شود؟ پیامبر(ص) پزشکی است که با علم خود در جامعه می‌گردد تا مریض‌ها را پیدا کند و مداوا نماید.

حالا آیا موافقید که یکی از دوستان شعری در وصف این پزشک مهربان بخواند؟

۱. مریبی از دانش آموزان بخواهد تا بیماری‌های روحی و صفات رذیله را نام ببرند.

۲. بحار، ج ۳۴، ص ۲۲۹، باب ۳۳ (باب نوارد)

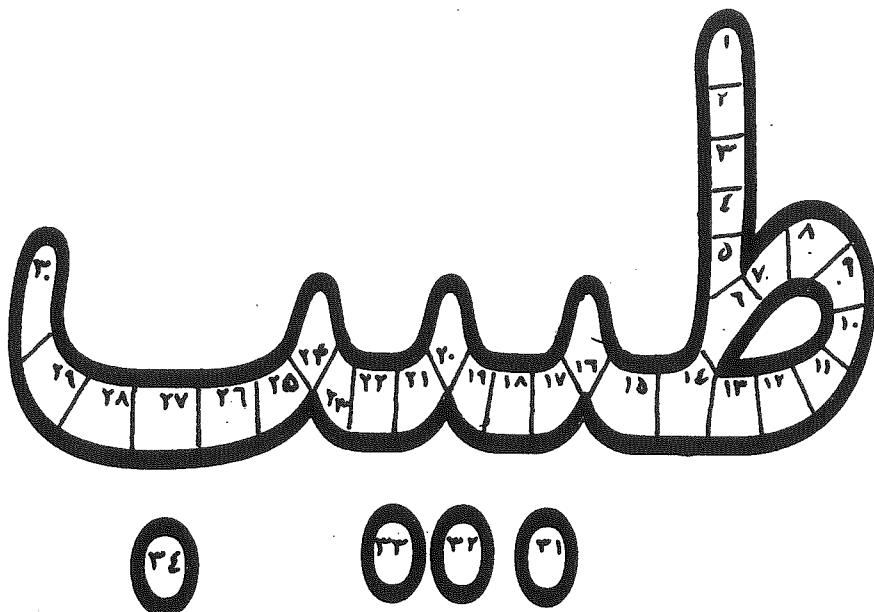
۳. مریبی از قبل با یکی از دانش آموزان درباره خواندن شعر همامنگ نماید.

نسخه‌ای از نور

کوچه‌های مدینه می‌دانند
 که توبی مهربان‌ترین عابر
 تو که تا می‌رسی به رهگذران
 بر لبیت می‌شود گلی ظاهر
 کودکان مثل شاپرک‌هایی
 گل روی تو را که می‌بینند
 بال و پر می‌زنند با شادی
 تا سر شانه تو بنشینند
 تو طبیب تمام دل‌هایی
 که به دنبال درد می‌گردی
 توی دست تو، نسخه‌ای از نور
 که شفا می‌دهد به هر دردی
 تو بهاری که از زمین دلت
 چشم‌های زلال می‌جوشند
 تشنگان دسته دسته می‌آیند
 از صفائی دل تو می‌نوشند
 سخنان تو مثل خورشید است
 روشنی بخش خانه دل‌هاست
 عطر خوشبوی نام نیکویت
 آشنای تمام محفل‌هاست^۱

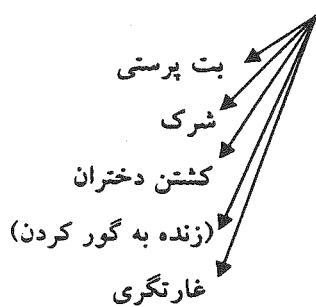
۱. محمد پور وهاب، مجید ملا محمدی، آیه‌های آفتاب، ص ۱۳-۱۴ (شعر از محمد عزیزی «نسیم»).

آیا می توانید چند مریضی خطرناک گه در زمان جاهلیت وجود داشت و پیامبر اکرم(ص) آن ها را از بین برد، نام بپرید؟ پس با هم این جدول را حل می کنیم تا آن مرض ها را بشناسیم و مواظب باشیم در جامعه ما رسونخ نکند.



رمز جدول، عدد ۵ است.

دردهایی که پیامبر اکرم(ص) با آن ها مبارزه کرد.



مردم در مراجعه به پزشک روحی، سه گونه برخورد می‌کنند.

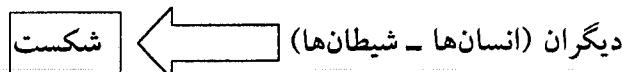
یا پیروی مردم از



۱. علم ما کم است.

۲. عمر ما کوتاه است.

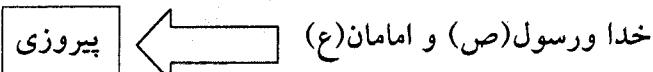
۳. مسایل و مشکلات زیاد است.



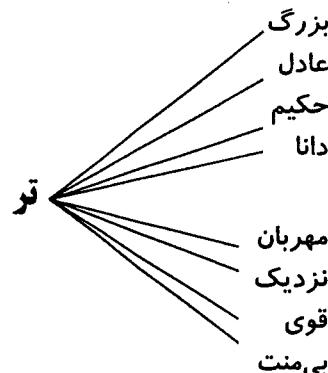
زیرا انسان‌هایی که مثل ما، یا ضعیفتر از ما باشند که تکلیف‌شان

روشن است. آن‌هایی هم که از ما عالم‌تر و دانشمند‌تر هستند، هر روز

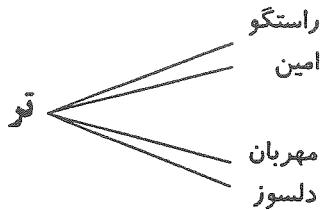
نظریه‌های جدیدی می‌دهند و نظریه‌های قبلی را باطل می‌کنند.



چرا اطاعت از خدا موجب پیروزی است؟ زیرا خدا از همه:

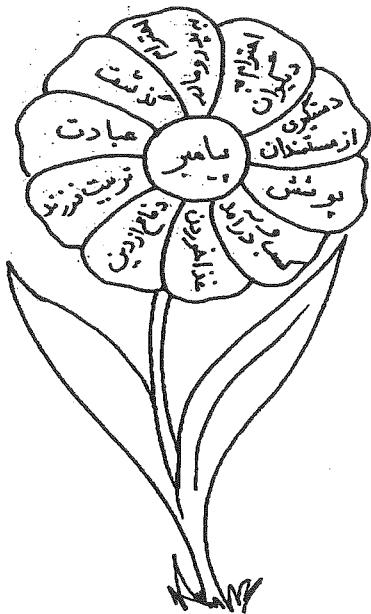


چرا از رسول خدا باید اطاعت کنیم؟ زیرا پیامبر(ص) از همه:



پیروی از پیامبر(ص) باید **کامل** باشد تا نتیجه بدهد. حالا با هم گل زیبای

پیروی از رسول اکرم(ص) را کامل می کنیم.



-
- مربي از قبل اين کلسها را بر روی کاغذهایی به شکل برگ ببرید و با کمک دانش آموزان این گل را روی تخته اجرا کند.

این گل چند برگ دارد؟ ۱۰ برگ، ولی هر چه برگ‌های بیشتری داشته باشد، زیباتر است.

ولی این گل در زندگی برخی اصلاً برگ ندارد. مانند چه کسانی؟

مسلمانان اسمی

بعضی‌ها فقط یک برگ از این گل را دارند؛ فقط نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند، اما در حجاب و پوشش از پیامبر(ص) پیروی نمی‌کنند. بعضی‌ها هستند که این گل در زندگی‌شان فقط دو برگ دارد؛ نماز و پوشش، ولی در کار و درآمد از پیامبر(ص) پیروی نمی‌کنند.

اگر ما بخواهیم با پیروی خدا و رسول نتیجه بگیریم، باید به تمام دستورهای آن‌ها عمل کنیم و هر چه گل پیروی ما دارای برگ‌های بیشتری باشد، زندگی ما با طراوت‌تر خواهد شد و سود آن هم در این دنیا و هم در آن دنیا به خود ما خواهد رسید، مثل مریضی که تمام دستورهای پیشک را عمل می‌کند تا به سلامت کامل برسد.

پس وقتی از خدا و رسولش اطاعت کنیم، نفع آن به خودمان می‌رسد.
حالا به این قصه گوش دهید!^۱

در مدینه یکی از مسلمانان به نام «ثوبان» زندگی می‌کرد و پیامبر(ص) را بسیار دوست داشت به صورتی که شیفته و شیدای جمال و کمال پیامبر شده بود.
هرگاه پیامبر(ص) را نمی‌دید، پریشان می‌شد.

۱. مریض محترم برای قصه زمینه سازی کند تا برای بجهه‌ها جذاب باشد. پس اصول قصه‌گویی رعایت شود.

روزی با پریشانی و رنگ پریدگی و اندوه به حضور پیامبر(ص) آمد. پیامبر از قیافه او دریافت که پریشان است. علت آن را پرسید! او عرض کرد: «هر وقت از شما دور می‌شوم و شما را نمی‌بینم، پریشان می‌گردم. امروز در این فکر افتادم که اگر در قیامت من اهل بهشت باشم، به طور قطع در جایگاه شما نخواهم بود و در نتیجه شما را نخواهم دید و اگر اهل بهشت نباشم که هرگز شما را نخواهم دید. از این رو سخت ناراحت و پریشان شدم و با این حال چرا افسرده نباشم؟» در این هنگام این آیه نازل شد: «وَ مَن يطع الله وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الْذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّدِيقِينَ وَ الشَّهِيدَاتِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسْنَ اولَئِكَ رَفِيقًا ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللهِ وَ كَفَى بِاللهِ عَلِيمًا»^۱ و هر که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، همراه با کسانی خواهد بود که خدا نعمتشان داده است، چون پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان. اینان چه نیکو رفیقانند. این فضیلتی است از جانب خدا و بسته است خدای دانا.

ثویان و سایر مسلمانان وقتی این آیه را شنیدند دریافتند که اگر بخواهند در روز قیامت همنشین پیامبر باشند، با پیروی از آن حضرت و با ایمان و عمل صالح می‌توانند به این موهبت بزرگ الهی دست یابند.^۲

۱. نساء، ۶۹ - ۷۰

۲. داستان درستان، ج ۱، ص ۲۰۱، به نقل از مجمع البيان ج ۱، ص ۲۰۱

کریس:

امتحان و آزمایش

نموده صمیع:

عقاید

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با لزوم امتحان و آزمایش الهی و انواع آن آشنا می شوند.

اهمیت جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. معنای امتحان و آزمایش؛
۲. لزوم امتحان و آزمایش؛
۳. انواع امتحان و آزمایش؛
۴. هدف از امتحان و آزمایش.

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند درس آمادگی برای صبر در گرفتاری ها را پیدا کنند و به همه مسایل اطراف خود به چشم آزمایش نگاه کنند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال (کارت بازی، جدول، سؤال و جواب، نمودار)

رسانه های آموزشی:

۱. تخته سیاه ۲. کارت



امتحان و آزمایش

سلام عليکم! امیدوارم که حال همه شما و حال همه پدران و مادران و همه دوستان و دوستداران شما هم خوب باشد.

یک ضرب المثل بگویید که در آن دو کلمه «بقال» و «ماست» به کار رفته باشد. بله: «هیچ بقالی نمی‌گوید که ماست من ترش است.»

آیا می‌دانید این ضرب المثل را چه موقعی به کار می‌برند؟ موقع ماست خریدن! موقع دیدن بقال! موقع ترشی خریدن! و...

این‌ها شوخی بود. حالا شما بگویید این ضرب المثل را در چه موقعی به کار می‌برند تا من آن را روی تخته بنویسم.

۱. وقتی که کسی از **کار** خود تعریف می‌کند و کار خود را خیلی خوب می‌داند. بنا - خیاط - راننده - مهندس و...

۲. وقتی کسی **فرزندان** خود را از همه بهتر و مؤدب تر و با هوش‌تر می‌داند. مثل آن پدری که می‌گفت پسر من خیلی باهوش است ماشاء الله هزار ماشاء الله الان فقط ۱۲ سال دارد و هر وقت می‌خواهد مرا صدا کند می‌گوید: ماما!!

۱. مرتب اجازه دهد تا دانش آموزان موارد استعمال این ضرب المثل را بیان کنند و سپس موارد جالب را روی تخته بنویسد.

۳. کسی که پدر و مادر خود و اقوام خود را از همه مردمان بالاتر می‌داند. پیامبر به بت پرستان می‌فرمود: «چرا بت می‌پرستید؟» می‌گفتند که پدران و اجداد ما هم این کار را می‌کردند. بله، بت پرستان فکر می‌کردند که پدرانشان از همه فهمیده‌تر و بالاتر هستند!!

۴. کسی که نمازها و عبادت‌های خود را از دیگران بالاتر می‌داند. شخصی در نماز بود. در حال قرائت سوره حمد بود. مردی از آنجا می‌گذشت. با خود گفت: «به به چه زیبا قرائت می‌کند». مرد نماز گزار گفت: «خبر نداری، روزه هم هستم!»

آیا اگر کسی این گونه فکر کند، درست فکر کرده است؟ بله، یا خیر؟ آن‌هایی که می‌گویند بله، دستشان را بالا ببرند. حالا آن‌هایی که می‌گویند خیر، دست خود را بالا ببرند!

آهسته بگوییم که کسی نشنود، ولی گوش کنید. با کمال تاسف باید بگوییم که بیشتر ما این طور هستیم و خود را از دیگران ...

خوب در یک جمعیت هزار نفری یا بیش‌تر که همه خود را از دیگران بهتر می‌دانند، چه کار باید کرد تا نفر برتر شناسایی شود؟

بله با آزمایش و امتحان از این راه است که می‌توان فهمید ارزش هر چیزی چه مقدار است.

راستی اگر آزمایش نبود، چه می‌شد؟ اگر می‌خواستند در مدرسه‌ای به بهترین قاری قرآن جایزه بدهند! اگر می‌خواستند به درسخوان‌ترین دانش آموز جایزه بدهند! به قوی ترین ورزشکار جایزه بدهند! و آزمایشی هم در کار نبود، همه خود را بهترین می‌دانستند، چه می‌شد؟ اختلاف و دعوا و درگیری پیش می‌آمد و در آخر هم به آن کسی که شایسته بود، ظلم می‌شد!

حالا من توانید بگویید آزمایش و امتحان یعنی چه؟

۱. مربی از دانش آموزان می‌خواهد تا برداشت خود از معنا و مفهوم آزمایش و امتحان را بیان کنند.

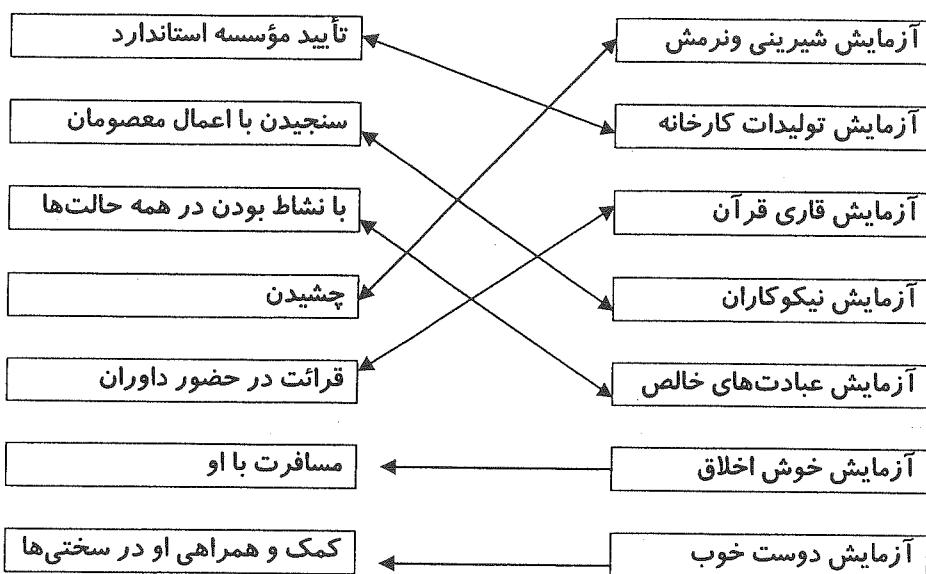
آزمایش خوب است، یا بد؟ چه کسانی آزمایش را بد می‌دانند و از آزمایش هی ترسند؟ بله، تبلیل‌ها، افراد ضعیف و افرادی که فکر می‌کنند اگر آزمایش شوند، کم می‌آورند و دستشان رو می‌شود! اما افراد موفق، آزمایش را دوست دارند و این شعر را می‌خوانند. من یک مصraig آن را می‌نویسم، مصraig دوم آن را شما از بین این کلمه‌ها پیدا کنید.

خوش بود گر محک تجربه آید به میان

شود	باشد	آن	در	تا	سیهروی	که	هر	غش
-----	------	----	----	----	--------	----	----	----

(تا سیه‌روی شود هر که در آن غش باشد^۱)

آزمایش هر مورد باید مناسب با همان مورد باشد. من این کلمه‌ها را روی تخته می‌نویسم. شما باید هر دو موردی را که به هم ربط دارد، پیدا کنید.^۲



۱. مری از یکی از دانش‌آموزان می‌خواهد تا در باره این شعر توضیح بدهد.
۲. مری می‌تواند این کلمه‌ها را بر روی کارت بنویسد و از دانش‌آموزان بخواهد تا کارت‌های مناسب را جدا کنند.

پس باید گفت که درود بر آزمایشی که این همه کار برای ما انجام می‌دهد.
یک سؤال:

**چرا خداوند بندگان خود را آزمایش می‌کند، با این که همه آن‌ها را خوب
می‌شناسد و می‌داند چه کسی نیکوکار و چه کسی گناهکار است؟^۱**

حالا من جواب‌های شما را به این صورت کامل و جمع بندی می‌کنم: درست است که خداوند تمام بندگان خود را خیلی خوب می‌شناسد، اما آن‌ها را امتحان می‌کند تا هیچ کس اعتراضی به جزا و پاداش الهی نکند.

وقتی امام حسین علیه السلام به سوی کربلا برای جنگ با یزید حرکت کرد، خیلی‌ها در رکاب حضرت بودند، ولی در روز عاشورا فهمیدند که قضیه شهادت جدی است، چند نفر باقی ماندند؟

خوب، حالا که خداوند این همه درجه به شهدا داده است، دیگرانی که از میدان جنگ فرار کردند می‌توانند اعتراض کنند؟
خداوند از چه راه‌های دیگری ما را امتحان می‌کند؟

راه‌های آزمایش الهی^۲

۱. **پیروزی**: در جنگ اُحد که پیامبر اکرم (ص) به عده‌ای از تیراندازان دستور داد تا از تنگه‌ای که احتمال نفوذ دشمن می‌رفت، محافظت کنند و آن را در هیچ شرایطی رها نکنند، اما وقتی پیروز شدند غرور پیدا کردند و به دنبال جمع کردن غنیمت رفتند و فرمان

۱. مریب از داشت آموزان بخواهد تا جواب بدھند و خودش جواب را کامل کند.

۲. مریب در تابلو کلمه‌ایی پر رنگ را که با اعداد ۷ - ۱ مشخص شده است در تابلو (در جای مناسب) بنویسد.

پیامبر اکرم(ص) را زیر پا گذاشتند. در نتیجه جان خود و عده زیادی از مسلمانان را به خطر انداختند، حتی نزدیک بود پیامبر(ص) در آن جنگ به شهادت برسد!

۲. **شکست**: افرادی که ایمانشان ضعیف است از یک شکست کوچک نالمید می‌شوند، اما افراد قوی شکست را مقدمهٔ پیروزی می‌دانند و

۳. **فرزنده**: بعضی از افراد هستند که وقتی جان فرزندشان به خطر بینند هر کاری می‌کنند تا فرزند خود را نجات دهند، ولی بعضی هم برای نجات دین، جان خود و فرزندان خود را به خطر می‌اندازند. مانند پدر و مادر شهدا.

۴. **بیماری**: حضرت ایوب ﷺ با چه چیزی آزمایش شد؟ چه کسی می‌تواند داستان این پیامبر را تعریف کند؟

۵. **فقر و غنا**: عبس و تولی. پیامبر(ص) در مسجد بود. یکی از مسلمانان فقیر که نایینا بود وارد مسجد شد. و دنبال جایی برای نشستن می‌گشت. یک جای خالی پیدا کرد. رفت و نشست. ناگهان کنار دستی او که مرد ثروتمندی بود، چهره‌اش درهم رفت و

۱. مریبی از یکی از دانش‌آموزان می‌خواهد تا خلاصه‌ای از داستان حضرت ایوب ﷺ را تعریف کند. سپس آزمایش او با فقر و مرگ فرزندان و بیماری سخت اشاره شود.

عبوس شد. در دلش می‌گفت که چرا این مرد فقیر در کنار من
می‌نشینند. سوره عبس نازل شد.^۱

۹. مرگ فرزندان و مصیبت:

۷. ریاست:

بعضی از افراد هستند که هر گاه که مشکلی دارند، هر شب جمعه دعای کمیل
می‌روند و صبح‌های جمعه در دعای ندبه شرکت می‌کنند و همیشه در نماز
جماعت و جمعه شرکت می‌کنند، ولی وقتی وضع آنان خوب می‌شود و مشکل
آن‌ها بر طرف می‌گردد، دیگر اهمیتی نمی‌دهند. لابد داستان «سعد»، آن یار
پیامبر اکرم(ص) را شنیده‌اید؟ پس خوب گوش کنید.

مردی از پیروان حضرت رسول(ص) به نام «سعد» بسیار فقیر بود به گونه‌ای
که جزء اصحاب صفة محسوب می‌شد. (کسانی که به واسطه نداشتن منزل در
یکی از غرفه‌های مسجد زندگی می‌کردند). او تمام نمازهای شبانه روزی را
پشت سر پیغمبر(ص) به جماعت به جا می‌آورد. حضرت از تنگدستی سعد متاثر
و ناراحت بود. روزی حضرت به او وعده داد که اگر مالی به دستم بباید، نیاز تو
را برآورده می‌کنم. مدتی گذشت. چیزی به دست آن حضرت نرسید. افسردگی
پیغمبر(ص) بر وضع سعد و نداشتن وجهی که او را تامین کند، بیشتر شد. در
این هنگام جبرئیل نازل گردید و دو درهم با خود آورد و عرض کرد که خداوند
می‌فرماید: «ما از اندوه تو به واسطه تنگدستی سعد آگاهیم! اگر می‌خواهی از این
حال خارج شود، دو درهم را بگیر و به او بده و بگو خرید و فروش کند.»

۱. سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۲۰، ص ۳۲۴ سطر ۷، با اندکی تلخیص.

حضرت محمد(ص) دو درهم را گرفت. وقتی برای نماز ظهر از منزل خارج شد، سعد را دید که به انتظار ایشان بر در یکی از حجره‌های مقدسه ایستاده است. حضرت فرمود: «می‌توانی تجارت کنی؟» سعد گفت: «به خدا سرمایه ندارم.»

حضرت دو درهم را به او داد و فرمود: «با همین سرمایه، خرید و فروش کن!» سعد پول را گرفت و برای انجام فریضه نماز در خدمت حضرت به مسجد رفت و نماز ظهر و عصر را به جا آورد. پس از پایان نماز عصر رسول اکرم(ص) فرمود: «حرکت کن و در طلب روزی جست و جو نما.»

سعد بیرون رفت و شروع به معامله کرد. خداوند برکتی به او داد که هر چه را به یک درهم می‌خرید به دو درهم می‌فروخت. کم کم وضع مالی او رو به افزایش نهاد به طوری که بر در مسجد دکانی گرفت و اموال و کالای خود را در آنجا جمع می‌کرد و می‌فروخت. رفته رفته اشتغال او زیاد شد. تا جایی که وقتی بلال اذان می‌گفت و حضرت برای نماز بیرون می‌آمد، سعد را می‌دید که هنوز خود را آماده نماز نکرده است با این که قبل از این جریان، پیش از اذان مهیای نماز بود.

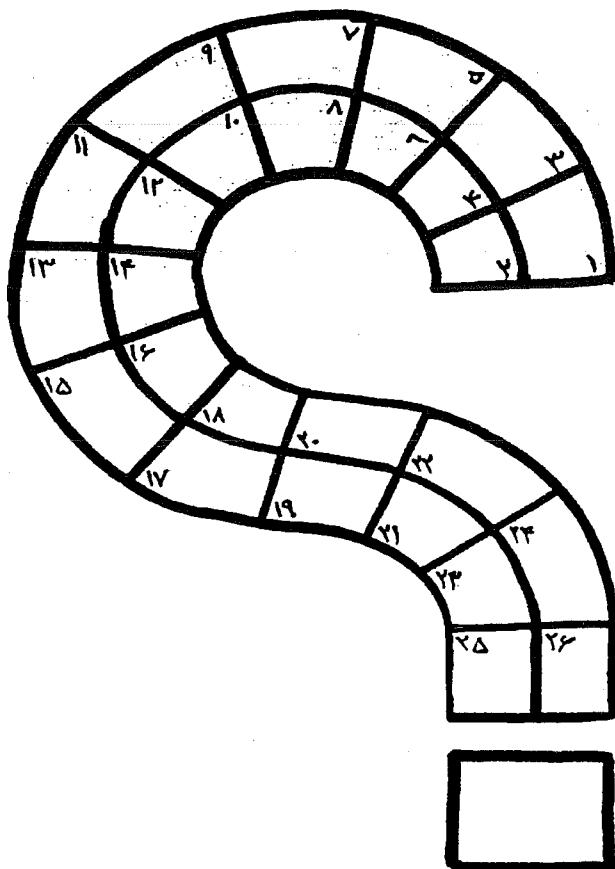
پیغمبر(ص) می‌فرمود: «سعد دنیا تو را مشغول کرده و از نماز باز داشته است.» سعد می‌گفت: «چه کنم؟ اموال خود را رها کنم، ضایع می‌شود. به این شخص جنس فروخته‌ام می‌خواهم قیمت را دریافت کنم و از دیگری کالایی خریده‌ام بایستی جنسش را تحويل گرفته و قیمت آن را بپردازم.»

پیغمبر(ص) از مشاهده اشتغال سعد به ازدیاد ثروت و بازماندنش از عبادت و بندگی افسرده گشت، حتی بیشتر از وقتی که به جهت فقر و تنگدستی او متاثر بود!

روزی جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «یا رسول الله! خداوند می‌فرماید که از افسرده‌گی تو آگاه‌م! اینک کدام حال را برای سعد می‌پستندی».

با امتحان الهی می‌توان به چه مواردی پی برد. برای این که بدانیم با امتحان و آزمایش الهی چه مواردی معلوم و روشن می‌شود با هم جدول زیر را حل می‌کنیم.

تا من جدول را روی تابلو می‌کشم شما آماده شوید به این سؤال‌ها پاسخ دهید.





- | | |
|------------------------|------------------------------------|
| بهمن (۱۷، ۳، ۲۲ و ۱) | ۱. ماه پیروزی انقلاب اسلامی ایران: |
| ایمان (۱۲، ۴، ۲۳ و ۱۶) | ۲. یک درجه بالاتر از اسلام است: |
| پاک (۹ و ۱۵) | ۳. نجس نیست: |
| کدو (۱۳، ۸ و ۱۰) | ۴. تنبل آن معروف است: |
| ماهر (۲۲، ۱۶، ۵ و ۱۹) | ۵. کارگر با تجربه و چیره دست: |
| کج (۷ و ۲۵) | ۶. راست نیست: |
| ره (۱۹ و ۲۴) | ۷. راه کوتاه: |
| مؤمن (۲۲، ۲۶، ۳ و ۶) | ۸. کسی که ایمان دارد: |

چه کسی می‌تواند پیام جدول را پیدا کند؟

راهنمایی می‌کنم. رمز جدول ۳ است

قرآن می‌فرماید با امتحان و آزمایش می‌توان این گونه انسان‌ها را شناخت.

کدامیں انسانها؟

- | | |
|--------------------------------------|------------|
| ایکم احسن عمل ^۱ | ۱. نیکوکار |
| حتی نعلم المجاهدين منکم ^۲ | ۲. مجاهد |

۱. ملک / ۲۱

۲. محمد / ۳۱

۳. صابر

۴. مؤمن

۵. پاکیزه

حالا با یک دعا برنامه خود را به پایان می بریم.

خدایا!

ما را در امتحان‌های گوناگون، سربلند و سرافراز بگردان.

ما را از افراد نیکوکار، مجاهد، شکیبا، مؤمن و پاکیزه قرار بده.

چنان کن که در پایان کار تو خرسند باشی و ما رستگار.

۱. آل عمران / ۱۴۲ .

۲. آل عمران / ۱۴۰ .

۳. آل عمران / ۱۷۹ .

کریس:

ولایت و رهبری

نموداری:

عقاید

هدف گلی:

دانش آموزان در این درس با نقش ولایت و رهبری در تکامل فرد و اجتماع و هدایت به سوی پروردگار آشنا می شوند.

اهداف چریکی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. معنای ولایت؛
۲. نقش ولایت در زمینه های مختلف؛
۳. تعیین ولی از طرف خدا؛
۴. ولی معصوم و غیر معصوم؛
۵. وظایف ما در قبال ولی.

هدف رفتاری (خروبی):

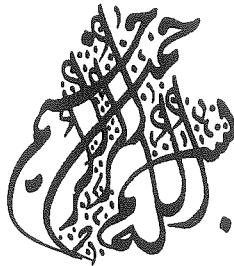
انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند نقش امامت و ولایت را بازگو نمایند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعل (داستان، جدول، کارت)

رسانه های آموزرشنی:

۱. تخته سیاه ۲. کارت



ولایت و رهبری

سلام علیکم!

حمد و سپاس خدای را که به همه ما توفیق داد تا امروز در کنار هم جمع شویم
و یک برنامه زیبا و به یاد ماندنی ارایه دهیم. آمده هستید؟

آیا می دانید فرعون گه بود؟

طاغوت بنی اسرائیل بود که ادعای خدایی داشت و از مردم می خواست تا
در برابر او سجده کنند. او مردم را وادار می کرد تا برای او کاخ هایی بسازند.
پسران و مردان را می کشت و دختران و زنان آنان را زنده نگه می داشت. سال ها
بر بنی اسرائیل ظلم و ستم کرد. همه مردم از ظلم و ستم او به ستوه آمده بودند،
اما کسی حرکتی نمی کرد تا این که خداوند حضرت موسی صلوات الله علیہ و آله و سلم را فرستاد و
مردم را از چنگال فرعون و فرعونیان نجات داد. حضرت موسی برای این که
موفق بشود، از خداوند خواست که برادرش، حضرت هارون را وزیر او قرار
دهد تا کمک او باشد. خداوند نیز حضرت هارون را وزیر او قرار داد.

۱. مربی از قبل کارت هایی آمده و کلمه های خاص را روی آنها بنویسد.

رژیم شاهنشاهی، ۲۵۰۰ سال با ظلم و ستم بر کشور ما ایران حکمرانی

کرد. در رژیم منحوس پهلوی کار به جایی رسید که از زنان کشف حجاب کردند، منابع را غارت نمودند، خیلی از مساجد را تعطیل کردند. اگر کسی نیز اعتراض می‌کرد، سرکوب می‌شد تا این که یکی از علمای بزرگ اسلام به نام امام خمینی بپاختست و با قیام خود، مردم کشور رانجات داد.

خوب حالا این تساوی را حل کنید!

[] + [] = پیروزی بنی اسرائیل بر فرعون

[] + [] = پیروزی مردم مسلمان ایران

می‌گویند که نادرشاه افشار در یکی از جنگ‌ها، سربازی را دید که خیلی شجاعانه با دشمن می‌جنگید. نادر شاه از شجاعت او خیلی خرسند شد و به وجود آمد و در دل، او را تحسین کرد. بعد از جنگ او را خواست و از او پرسید: «تو که این چنین شجاعانه می‌جنگی، زمانی که افغان‌ها به کشور حمله کردند و تا اصفهان آمدند، کجا بودی تا جلوی دشمن را بگیری؟»

سرباز گفت: «من بودم، اما شما نبودید! در آن زمان من رهبر و فرمانده نداشتیم! البته رهبر و فرمانده خیلی مهم است، اما وقتی ما صحبت از رهبری می‌کنیم، یعنی رهبر صالح و عادل که با دستورهای الهی، جامعه را اداره می‌کند و گرنه

-
۱. از دانش آموزان بخواهید تا کلمه‌های رهبری حضرت موسی و اطاعت بنی اسرائیل را در مستطیل‌ها قرار دهند تا تساوی برقرار شود.

۱۰۰ ولايت و رهبری

فرعون هم نه تنها فرماندهی و رهبری می کرد، بلکه ادعای خدایی نیز می کردا اما خودخواه بود و همه چیز را برای خودش می خواست.

الان بوش رهبر گجاست؟ آمریکا

البته رهبر دولت آمریکا است، اما فرمانش فرمان قتل و غارت مردم جهان به اسم آزادی و حقوق بشر است. سربازانش هم از او اطاعت می کنند و به اهدافی هم می رستند، ولی چه فایده؟ چون به آنها پول های کلان می دهد تا از او در راه قتل و آدم کشی و غارت ثروت های کشورهای ضعیف پیروی کنند، ولی به پیروزی حقیقی و واقعی نخواهند رسید. اگر گفتید چرا؟

زیرا پیروی واقعی در اطاعت و رضایت خداوند حکیم و مهربان است. خداوند نیز در قرآن مجید به ما دستور چنین پیروی را داده است. می دانید در کدام آیه آیه ای که این کلمه را از ما می خواهد.

_____ متوجه شدید!

باز هم متوجه نشدید!

اطاعت

این کلمه^۱

۱. مربی مرحله به مرحله خط فانتزی را تکمیل کند تا کلمه «اطاعت» به دست آید.

خوب، کدام آیه است که اطاعت را از ما خواسته است؟

«یا ایهاالذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم^۱»
ترجمه آیه را چه کسی می‌داند؟ بله، ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا
 اطاعت کنید و از رسول و از اولی الامر نیز اطاعت کنید.

خدا و رسول خدا که معلوم می‌باشند، اما اولی الامر چه کسانی هستند؟

قرآن ولی امر را معرفی کرده است؟ آیا می‌دانید کی و کجا؟

روزی که پیامبر اکرم(ص) در مسجد مشغول نماز بود و حضرت علی^{علیہ السلام} و
 جمع زیادی از مسلمانان پشت سر آن حضرت نماز جماعت می‌خواندند، ناگهان
 فقیری وارد شد و بدون توجه به این که مسلمانان مشغول نماز هستند، درخواست
 کمک کرد. همه مشغول نماز بودند. هیچ‌کس جواب او را نداد. حضرت با
 مأموریت به رکوع رفتند. در این موقع حضرت علی^{علیہ السلام} دست خود را که
 انگشتی در یکی از انگشتان آن بود، جلو آورد و به فقیر اشاره کرد که این
 انگشت را بیرون آورد. فقیر هم انگشت را بیرون آورد و به دنبال کار خود رفت.
 بعد از نماز بلافاصله آیه نازل شد و ولی امر را چنین معرفی کرد: «همانا ولی
 شما، خدا و رسول خدا و کسانی که ایمان آورده‌اند و نماز بپا می‌دارند و در حال
 رکوع زکات می‌دهند، می‌باشند.»^۲

۱. نساء / آیه ۵۹

۲. مربی از دانش آموزان می‌خواهد تا آیه را معنا کنند.

۳. مائدہ/آیه ۵۵، با توجه به این که آیات قرآن همدیگر را تفسیر می‌کنند، مربی جهت توضیح و ارتباط این دو
 آیه (نساء ۵۹ و مائدہ ۵۵) توضیحی ارائه نماید.

همه فهمیدند که مراد این آیه حضرت علی^{الله عز و جل} است ولی بعضی‌ها هم در روزهای بعد، از فقیری می‌خواستند تا بباید و موقعی که آن‌ها در حال رکوع هستند، انگشت‌تر آن‌ها را بیرون بیاورد! اما فایده‌ای نداشت و دیگر آیه‌ای نازل نشد! آری منظور از ولی امر حضرت علی^{الله عز و جل} و یازده فرزند معصوم آن حضرت است. در زمان غیبت امام زمان (عج) ولی امر، فقیه عادل جامع الشرایط است که مردم باید به اطاعت از او بپردازنند و وحدت و انسجام خود را در مقابل دشمنان به نمایش بگذارند تا جامعه برای ظهر حضرت مهدی (عج) آماده شود.

اگر مردم در هر زمان امام و ولی امر خود را بشناسند، می‌توانند از وجود امام بهره کافی را ببرند. امام نیز می‌تواند نقش خود را به طور کامل در همه زمینه‌ها ایفا کند.

چه کسی می‌داند نقش امام در جامعه چیست؟

در نمودار زیر من بعضی از حروف را می‌نویسم، شما آن را کامل کنید.



البته حتی در زمانی هم که مردم همکاری نمی‌کردند، امامان ما بسیاری از وظایف خود را انجام می‌دادند. مواردی مانند تربیت شاگردان برای آینده اسلام، آگاه کردن مردم، دستگیری از بینوایان.

لابد درباره حضرت علی^{علیہ السلام} شنیده‌اید که شب‌ها نان و غذا به در خانه بینوایان می‌برد، ولی این تنها حضرت علی^{علیہ السلام} نبودند بلکه همه ائمه این‌گونه بودند. حالا از دوست عزیzman می‌خواهم^۱ یا شعر زیبایشان فضای کلاس را عطر آگین کنند.

در کوچه‌های شب

شب است و آسمان لبریز مهتاب
تمام شهر در گهواره خواب
دوباره سایه‌ای در کوچه جاری است
به جز او هیچ‌کس در کوچه‌ها نیست

دو دستش پر ز عطر خیس یاسند
شب و مهتاب او را می‌شناشد
گرفته کیسه‌ای بر روی شانه
دوباره می‌برد خانه به خانه
به چشمانش گل مهتاب پیداست

۱. ممکن از قبیل برای تحوالنده شعر با یکی از دالتش آموزان هماعتگی نماید.

دل پهناورش مانند دریاست

غمی در سینه اش دارد همیشه

به قلبش درد می بارد همیشه

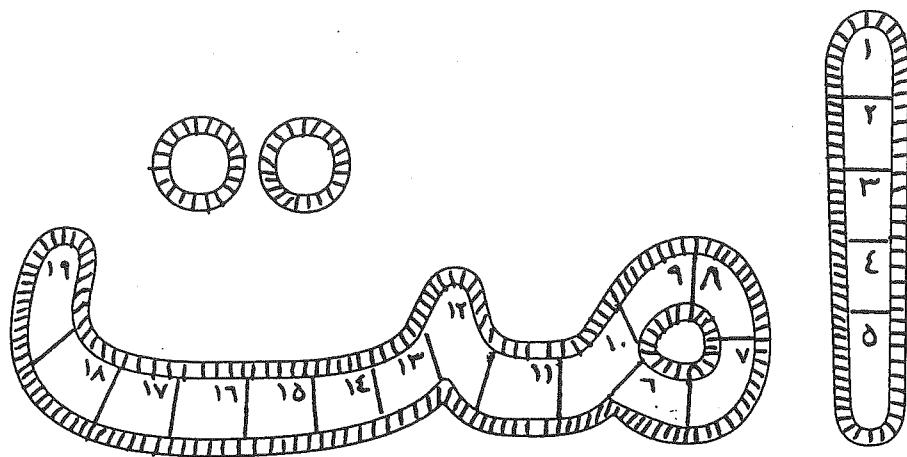
کسی در کوچه های شب روان است

در هر خانه ای یک قرص نان است.^۱

«سید سعید هاشمی»

وظیفه مردم در مقابل ولی و امامشان چیست؟

با هم این جدول را حل می کنیم تا به این وظایف آگاه شویم:



احرام (۱، ۸، ۳، ۹ و ۴)

ا. حاجیان می بندند:

۲. یزید سر امام حسین را در داخل آن قرار داد: تشت (۷، ۱۶ و ۱۷)

عید (۱۴، ۱۳ و ۱۵)

۳. روزی که در آن گناه نشود:

۱. محدث پوروهاب و مجید ملا محمدی، آیه‌های آناتاب، ص ۶۰-۶۱.

۴. بزرگ‌ترین فلات جهان:

تبت (۱۸، ۱۲ و ۱۹)

ما (۶ و ۱۰)

حاط (۲، ۱۱ و ۵)

۵. من و تو:

۶. حیاط بی‌یا:

رمز جدول عدد ۴ می‌باشد.

اطاعت	به طور کامل دستورهای ولی را اجرا نمایند
حمایت	با زبان و قلم و عمل از او حمایت کنند
رشادت	هرگاه خطر پیش آمد، شجاعانه بایستند و جان خود را اهداکنند.
محبّت	قلب باید سرشار از دوستی و محبت آنان باشد و در شادی آن‌ها شاد و در عزای آنان ناراحت و غمگین باشد.

هر چند نقش امام بسیار حساس است و نقش مهمی دارد، ولی اگر مردم به وظایف خود عمل نکنند، امام خانه نشین خواهد شد و کاری از او ساخته نخواهد بود. لابد داستان شاگرد امام صادق العلیا را شنیده اید که از آن حضرت می‌خواست تا قیام کند.

آیا آن را شنیده‌اید؟ پس گوش کنید.

«سدیر صیرفى» یکی از شاگردان امام صادق العلیا می‌گوید که روزی به محضر امام صادق العلیا رفتم و به ایشان گفتتم: «به خدا! خانه نشینی برای شما روا نیست!» فرمود: «چرا ای سدیر؟»

گفت: «برای یاران و دوستان بسیاری که داری. به خدا سوگند که اگر امیرمؤمنان، علی العلیا آن همه یار و یاور داشت، نمی‌گذاشت طایفه تیم و عدی به مقام او طمع کنند و حق او را بگیرند.

حضرت فرمود: «ای سدیر! به نظر تو من چه اندازه یار و یاور دارم؟»
 گفتم: «صدهزار!» فرمود: «صدهزار»، گفتم بلکه دویست هزار، فرمود: دویست
 هزار؟ گفتم بلکه نصف دنیا، حضرت پس از اندکی سکوت به من فرمود: اگر
 مایل باشی و برایت سخت نباشد همراه من به ینبع (مزرعه‌ای در نزدیک مدینه)
 برویم!

بعد از آمادگی من، امام دستور داد تا الاغ و استری را زین کردند. من به جهت
 احترام سبقت گرفتم و بر الاغ سوار شدم، تا حضرت بر استر سوار گردد.

حضرت فرمود: «اگر بخواهی الاغ را در اختیار من بگذار.»
 گفتم: «استر برای شما مناسب‌تر و زیباتر است.»
 فرمود: «الاغ برای من رهوارتر است.»

من از الاغ پیاده شدم و بر استر سوار شدم. آن حضرت بر الاغ سوار شد و با
 هم حرکت کردیم تا وقت نماز رسید.

حضرت فرمود: «پیاده شویم تا نماز بخوانیم!» سپس فرمود که این زمین شوره‌زار
 است و نماز در اینجا روانیست. (مکروه است) از آنجا رفتیم تا به زمین مناسبی
 رسیدیم و آمده اقامه نماز شدیم. در آنجا جوانی، گوسفند می‌چراند. حضرت به
 او و گوسفندها نگریست و به من فرمود: «ای سدیر! سوگند به خدا اگر شیعیان
 من به اندازه تعداد این گوسفندها بودند، خانه نشینی برایم روانبود و قیام
 می‌کردم! سپس پیاده شدیم و نماز خواندیم. پس از نماز کنار گوسفندها رفتم و
 آنها را شمردم. هفده عدد بودند.^۱

۱. اصول کافی ج ۲، ص ۲۴۲.

کریس:

پاداش اعمال

هرمُصریع:

عقاید

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با پاداش اعمال خود در روز قیامت آشنا می شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. چهره افراد در روز قیامت؟
۲. پاداش رو سفیدان در قیامت؟
۳. پاداش شهداء.

هدف رفتاری (خروچی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند کارهای شایسته انجام دهنند تا از پاداش اخروی آن بهره مند شونند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، نمودار، آیه، داستان، شعر، کارت بازی و...)

رسانه های آموزشی:

۱. تخته سیاه
۲. کارت



پاداش اعمال

پیرو حق، حضرت صادق فرمود رحمت به کسی که لب گشاید به درود
 نزدیک به حق است و رسولش آری آغاز گر سلام در مُلک وجود
 سلام علیکم

امیدوارم همه شما خوب و سرحال باشید و در این جلسه بتوانیم از محضر
 قرآن استفاده مطلوب را ببریم. ابتدا اجازه بدھید یک جدول یک طرفه با دوازده
 خانه بکشم.

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

کدام جزء قرآن در تابستان امسال قرائت می شود.
 بله، جزء چهار.

اجازه بدھید حروف های این کلمه را در خانه های مربوط بنویسم.

ج	ه	ر	ه	ا	ر	ه	و	ه	ا	ر	ه
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

البته این جدول نیست. خانه خانه بودن برای این است که حروف در جای
 خودش نوشته شود. (تمام حروف کلمه چهار را - برخی با تکرار - نیاز داریم).

۱. البادی بالسلام اولی بالله و رسوله (امام صادق ع).

یک سؤال دیگر: کدام کلمه به معنای بازگشت است. (در ضمن یکی از اصول دین نیز می‌باشد). بله، معاد

معنای آن چیست؟ ما معتقدیم همه انسان‌ها در روز واحدی بعد از مرگ زنده می‌شوند که به حساب اعمال آن‌ها رسیدگی خواهد شد. نیکان و صالحان در بهشت جای می‌گیرند و بدان و گنه‌کاران به دوزخ فرستاده می‌شوند.

چه کسی می‌تواند به زبان ساده، دلیل عقلی بر لزوم معاد ارایه بدهد؟

ما می‌دانیم که خدا عادل و حکیم است. از طرفی می‌بیتیم خیلی از صاحبان حق بدون آن که به حق خود برسند، می‌میرند و بعضی از بدکاران نیز بدون آن که مجازات شوند، می‌میرند. اگر این افراد به آنچه مستحق هستند نرسند، ظلم است در حالی که خدا عادل است.

اجازه بدھید حروف کلمه معاد را در جدول بنویسم. الف آنرا نیاز نداریم و عین و میم را یک بار و دال را دوبار می‌نویسم.

ج	ه	ر	ه	ا	د	ر	م	ع	ا	د
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

با این حروف چه عبارتی درست می‌شود؟ این عبارت به یکی از موارد در روز قیامت اشاره دارد؟

بله، یکی از مسائل معاد «چهره‌ها» است.

یک آیه از جزء چهارم به آن اشاره دارد.

این آیه کدام است؟ بله، آیه ۱۰۶ آل عمران^۱. یکی از داشت آموزان آیه را قرائت کند. و ترجمه آن را هم بخواند.^۲

۱. یوم تیض وجوده....

۲. مربی از قبل قران آماده کند، تا یا هماهنگی به قرائت آیه و ترجمه پرداخته شود.

خداوند در آیه از دگرگون شدن چهره‌ها در معاد خبر می‌دهد. چهره‌هایی در آن روز سفید و چهره‌هایی سیاه می‌شود.

حالا با دو تغییر دیگر هم آشنا می‌شویم. به این داستان کوتاه خوب گوش کنید و بگویید آن دو تغییر کدام است؟

روزی پیامبر(ص) از روی مزاح به پیژنی فرمود: «لا تدخل العجوز الجنه؛ پیژن به بهشت نمی‌رود. او به یاد آتش دوزخ افتاد و به گریه افتاد. بلال حبسی او را گریان دید. علت را جوییا شد. پیژن گفت: «پیامبر(ص) چنین فرموده است.» بلال به حضور پیامبر(ص) آمد و ماجرا گریه پیژن را برای پیامبر(ص) تعریف کرد. پیامبر(ص) از روی مزاح فرمود: «والاسود كذلك»؛ سیاه نیز به بهشت نمی‌رود. پیژن و بلال هر دو ناراحت بودند که عباس، عمومی پیامبر(ص) از جریان اطلاع یافت و به حضور پیامبر(ص) آمد تا ماجرا را بپرسد. پیامبر(ص) به او فرمود: «والشيخ كذلك» پیرمرد نیز به بهشت نمی‌رود! پس از مدتی پیامبر(ص)، پیژن و بلال و عباس را به حضور طلبید و خاطر آن‌ها را شاد و آرام گردانید.

چگونه؟

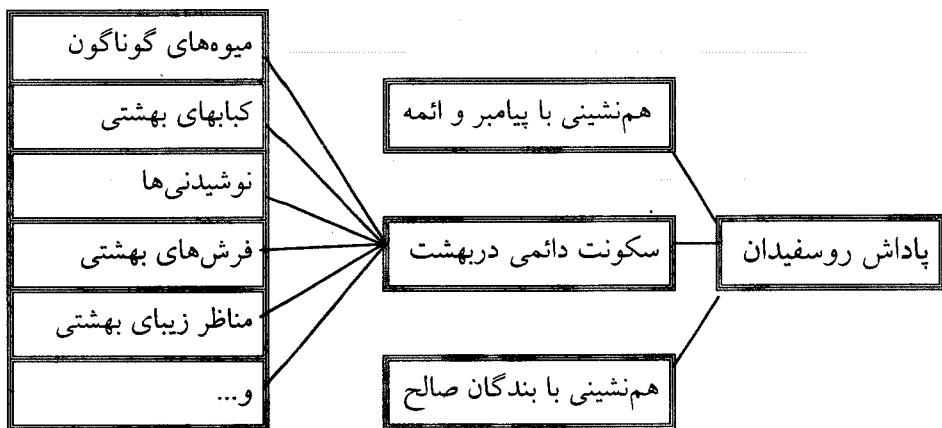
پیامبر(ص) به آن‌ها فرمود: «منظورم این است که خداوند آن‌ها را با زیباترین چهره (جوان، شاداب، سفید) به بهشت می‌برد، چرا که بهشتیان قشنگ و جوان و پاکیزه هستند.^۱

۱. مری محترم کلمه‌ها را روی کارت بنویسد و به تابلو نصب کند، یا به سمت دانشآموزان بگیرد و اگر ممکن نبود، روی تابلو بنویسد. محمد محمدی اشهرادی، بلال حبیشی، پیام آزادی، ج ۱، صفحه ۶۵، به نقل از مناقب آل‌ایطالب، ج ۱، ص ۱۴۸ و بخارج ۱۶، ص ۲۹۵.

در قیامت نوع عمل آدمیان در چهره آنان تاثیر می‌گذارد و آنان را به دو دسته تقسیم می‌کند



برای سفید رویان پاداش ارزنده‌ای از طرف خداوند آماده شده است.^۱



اما پادash‌های ارزنده دیگری نیز وجود دارد که مخصوص افراد ویژه‌ای است.

به این کارت‌ها دقت کنید: این افراد پس از مردن ظاهری زنده هستند و در نزد خداوند از روزی‌های خاص بهره می‌برند و از آنچه خداوند به آن‌ها عطا

۱. این بخش با کارت اجرا می‌شود. این کارت‌ها با رنگ‌های متفاوت تهیه شود و هر قسمی به رنگ خاص باشد. یا روی تابلو نوشته شود.

می کند، خوشحال هستند و از این که دوستان و یارانشان نیز به آنها ملحق می شوند، خشنود می باشند و هیچ غم و اندوهی ندارند.

آیا شما متوجه شدید که این پاداش از آن گیست؟

شہد

«ام سلمه» همسر پیامبر این آیه را شنید. سوالی به ذهنش خطرور کرد. او با خود گفت که مجاهدان و رزمندگان که مرد هستند، پس خانم‌ها چی؟ نزد پیامبر خدا(ص) آمد و عرض کرد که آیا زنان در این قسمت سهمی دارند، یا نه؟

جبرئیل از طرف خدا به محضر رسول خدا آمد. او آیه ۱۹۵ سوره آل عمران را در جواب تقاضای خردمندان و در پاسخ به سؤال ام سلمه از طرف خداوند آورد. آیه را یکی از دوستان شما فرائت کند. ترجمه آن را دوست دیگرمان بخواند.

فاستحباب لهم ... (۱۹۵ آل عمران)

خداوند فرمود که درخواست صاحبان خرد که در آیات سابق مطرح شده بود را پذیرفتم و من عمل هیچ عمل کننده ای را ضایع نمی کنم. کوچکترین عمل خیری که انسان انجام دهد، خداوند پاداش او را منظور خواهد کرد.

۱. «ولا تحسن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا...» آل عمران، ۱۶۹ تا ۱۷۱.

قسمتی از آیه که معنای جمله بالا را می‌رساند، چیست؟
 «آنی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انشی»
 من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما را خواه زن باشد، یا مرد ضایع نخواهم
 کرد.

جلسه امروز را با داستانی از امام سجاد^{العلیہ السلام} به پایان می‌بریم
 یکی از یاران امام سجاد^{العلیہ السلام} می‌گوید: «در یک شب سرد و تاریک، امام را دیدم
 که مقداری آذوقه به دوش گرفته بود. عرض کردم:

- ای فرزند رسول خدا! این چیست و به کجا می‌برید؟

- حضرت فرمود: «من مسافرم، این توشه سفر من است، آن را می‌برم تا در جای
 محفوظی بگذارم تا در هنگام مسافرت دست خالی نباشم.»

گفتم که این مرد غلام من است. اجازه بفرمایید این بار را به دوش بگیرد و هر جا
 می‌خواهید ببرد. حضرت فرمود: «تو را به خدا بگذار من خود بار خویش را ببرم.
 تو راه خود را بگیر و برو و با من کاری نداشته باش.»

بعد از چند روز آن حضرت را دیدم و گفتم: «ای فرزند رسول خدا(ص) از
 آن سفری که آن شب درباره‌اش سخن می‌گفتی، اثربن ندیدم!»
 حضرت فرمود: «سفر آخرت را می‌گفتی و برای آن آماده می‌شدم.» سپس
 فرمود: «آمادگی برای مرگ با دوری جستن از کارهای حرام و انجام نیکی‌ها به
 دست می‌آید.^۱

بهار قیامت

بوته ای که می‌میرد

بار و دانه‌ای دارد

باز دانه را دستی

توی خاک می‌کارد

مرگ بوته هرگز نیست

عمر بوته را پایان

مثل آن، پس از مردن

زنده می‌شود انسان

زندگی اگر این بود

پست بود و بیهوده

زندگانی ما بود

قصه‌ای غم آلوده

مثل بوته بعد از مرگ

رشد دیگری داریم

در بهار رستاخیز

عمر بهتری داریم

بوته بدی حتما

میوه بدی دارد

خوش به حال آن کس که

بذر خوب می‌کارد

مصطفی رحماندوست

کارشن:

پاداش خوبیان

مفهوم:

عقاید

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با تأثیر کارهای نیک در دنیا و آخرت آشنا می شوند.

اهداف چریکی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. یادآوری کارهای نیک؛
۲. سپاس و تشکر از خداوند؛
۳. نتیجه کارهای نیک در دنیا و آخرت.

هدف رفتاری (خروبی):

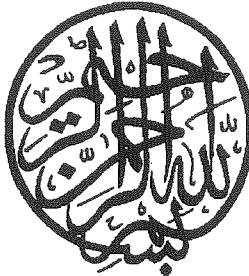
انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس این باور در وجودشان شکل بگیرد که آثار کار نیک هم در این جهان و هم در جهان آخرت به آنان بر می گردد.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی
۲. فعال (پرسش و پاسخ، جدول، خاطره گویی، داستان)

رسانه های آموزشی:

۱. تخته و گچ



پاداش خوبان

دوستان! سلام علیکم.

امیدوارم که حال شما خوب باشد. جلسه امروز را با یک سؤال آغاز می‌کنم.

داستان حضرت موسی و خضرالله را چه گسی می‌داند؟

یک روز حضرت موسی در میان بنی اسرائیل مشغول سخنرانی بود کسی از او سؤال کرد: «در روی زمین چه کسی از همه داناتر است؟» موسی گفت کسی داناتر از خودم سراغ ندارم. در این هنگام به موسی وحی شد که ما بنده‌ای در مجمع البحرين^۱ داریم که از تو دانشمندتر است. در اینجا موسی از خدا تقاضا کرد که به دیدار این مرد عالم نایل گردد. خدا راه رسیدن به آن مرد دانا را به او نشان داد.^۲

موسی به همراهی یکی از جوانان بنی اسرائیل به سوی آن نشانی رفتند. در آن‌جا بنده‌ای از بندگان خداوند که علم و دانش قابل ملاحظه‌ای به او داده شده بود، را ملاقات کردند. او همان «حضر» بود.

۱. در قرآن مجمع البحرين آمده و احتمال قریب داده اند که محل اتصال خلیج عقبه و خلیج سوئز باشد.

۲. الطبرسی، مجمع البیان ج ۶، ۴۸۱ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۱۴.

موسی با نهایت ادب و احترام از آن مرد سؤال کرد: آیا می‌توانم همراهت باشم
تا از آنچه می‌دانی به من آموزش دهی؟
حضرت گفت: «تو هرگز شکیبایی آن را نداری که با من همراه باشی!»
موسی قول داد که شکیبا باشد.

در این همراهی اتفاق‌های زیادی افتاد که من نمی‌خواهم همه را در این جلسه
بازگو کنم. کارهای عجیبی از آن مرد سر زد که واکنش موسی را در پی داشت و
موجب اعتراض او می‌شد. بللاصاله موسی به یاد قولی که داده بود می‌افتاد و
ساكت می‌شد. عاقبت چون اعتراض‌های موسی زیاد شد، حضر به او گفت: «به
تو گفته بودم که نمی‌توانی شکیبایی کنی،» آنگاه دلیل کارهای خود را برای
موسی توضیح داد. از جمله آن کارها این بود که آن دو (موسی و حضر) در ادامه
سفر خود به شهری رسیدند و از مردم آنجا تقاضای غذا کردند، ولی آن‌ها از
مهمان کردن این دو خودداری نمودند. آن دو در حال حرکت، دیواری را دیدند
که در حال خراب شدن بود. حضر دست به کار شد تا دیوار را تعمیر کند.
موسی که هم گرسنه بود و هم از برخورد مردم شهر آزرده خاطر گشته بود،
برآشفت و به حضر اعتراض کرد که چرا می‌خواهی برای آن‌ها کار کنی! آیا
می‌خواهی مزد بگیری؟

حضرت حضر گفت: با این اعتراض‌های مکرر، وقت جدایی فرا رسیده است.
دلیل این کار من این بود که در پای این دیوار گنجی پنهان بود که صاحب آن دو
بچه یتیم هستند و تا بزرگ شوند باید این گنج محفوظ بماند. اگر دیوار خراب
می‌شد، آن گنج به تاراج می‌رفت و این دو کودک از حق خود محروم می‌شدند.
این گنج، مربوط به یکی از اجداد سابق این دو کودک است. اجداد او انسان‌های

نیکوکاری بودند که خداوند به جهت نیکی هایشان توسط یکی از پیامبران خود،
اموال آنها را حفظ می کند تا به دستشان برسد.

یک مصروع از شعر سعدی را می خوانم. شما آن را تکمیل کنید.
کسی نیک بیند به هر دو سرای

گدام یک از دوستان تکمیل می کند؟

کسی که نیکی رساند به خلق خدای

خدا را بر آن بند بخشایش است

که خلق از وجودش در آسایش است

لابد برای شما عزیزان هم این اتفاق افتاده است که کار نیکی انجام داده باشید و
نتیجه آن را حسن کرده باشید. کمی فکر کنید و خاطره را برای دوستان کلاس
معرفی کنید. یا خاطرهای که از دیگران می دانید آن را برایمان بگویید.

حالا برای این که یکی از بهترین پاداش های کار نیک را با هم پیدا کنیم، باید
جدول شانزده خانه ای را روی تابلو رسم می کنم، با هم پر کنیم.

۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

کدام کار از کارهای نیک است که انجام آن برای شخص سلامتی می‌آورد؟

بله، سلام حروف به ترتیب در خانه‌های ۶ - ۸ - ۱ - ۱۴ قرار می‌گیرند. همه اقوام و ملل در عالم وقتی به هم می‌رسند برای اظهار محبت به یکدیگر نوعی تحيّت دارند، تحيّت از حیات به معنای دعا کردن برای حیات دیگری است که گاهی به صورت لفظی است و گاهی به صورت عملی^۱. در اسلام سلام یکی از روشن ترین تحيّت‌هاست.

سلام علیک، یعنی خداوند تو را به سلامت دارد. در اصل، «سلام الله عليك» می‌باشد. اصل سلام در اسلام مستحب است، ولی جواب دادن به آن واجب است. از آیات قرآن استفاده می‌شود که ما موظفیم به سلام دیگران به همان اندازه، یا الفاظ بهتر و بالاتر پاسخ دهیم.^۲

سؤال دوم: از بردگان سیاه پوست که بعد از قبولی اسلام شکنجه‌های فراوان را تحمل کرد، ولی دست از ایمان خود برنداشت. در ضمن او در مدینه اذان گوی پیامبر بود، در حالی که زبانش قادر نبود تمام کلمه‌ها را به درستی ادا کند. او چه نام داشت؟

بله، او «بلال» بود.

حروف کلمه بلال را به ترتیب در خانه‌های ۷، ۹، ۱۲، ۱۱ می‌نویسیم.

سؤال سوم: کدام صفت از صفات خداوند به معنای زنده است؟

بله، «حی» که دو حرف آن را به ترتیب در خانه‌های ۳، ۱۰ می‌نویسیم.

۱. مرتبی برای تعریج کلاس، تحيّت‌های عملی را می‌تواند طنزگونه اجرا کند. (همانند سلام نظامی)

۲. و اذا حييت بتحية فحيرا بحسن منها او ردوها ... (نساء / ۸۶).

سؤال چهارم: ضمیر اول شخص مفرد خایب چه می‌باشد؟

«هو» که دو حرف آن را به ترتیب در خانه‌های ۱۶، ۴ می‌نویسیم.

سؤال آخر: اولین جنگ که بعد از فتح مکه در سال هشتم هجری در طائف اتفاق افتاد، چه نام داشت؟

«حنین» حروف آن را به ترتیب در خانه‌های ۲ - ۵ - ۱۳ - ۱۵ می‌نویسیم. جدول ما کامل شد. یک خاطره از رسول خدا در جنگ حنین که مربوط به موضوع مورد بحث ماست، تعریف می‌کنم.

مسلمانان پس از پیروزی در جنگ حنین با غنایم و اسیران فراوان به مدینه بازگشتند. در میان اسیران از طایفه طی، دخترکی دیده می‌شد. او با دیدن پیامبر به محضر ایشان آمد و عرض کرد:

من دختر حاتم طائی هستم. پدرم، شخص آزاد مرد و سخی بود. و به بی‌پناهان پناه می‌داد و اسیران را آزاد می‌کرد. مهمان نواز بود. در برخورد با افراد، بلند سلام می‌کرد. در رفع نیاز نیازمندان می‌کوشید.

پیامبر فرمود: «ای دختر: این صفات از صفات مؤمنان راستین است. اگر پدرت مسلمان بود برای او طلب آمرزش و رحمت می‌کردم. من اخلاق نیک را دوست دارم، چنان که خداوند دوست دارد.»

به این جهت که پدر دختر مردی دارای صفات عالی انسانی بود و کارهای نیک انجام می‌داد، پیامبر آن دختر را آزاد کرد و به او احترام شایان نمود. حالا خیلی تند و سریع در مدت دو دقیقه با رمز ۳ پیام جدول را به دست بیاورید. پیام جدول در باره بهترین پاداش الهی برای کار نیک است. راهنمایی می‌کنم. این جمله عربی است و بخشی از آیات قرآنی جزء چهارم است که فرائت کردیم.

این جمله در کدام آیه قرار دارد؟

بله، این جمله چنین است: «...وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» که در آیه ۱۳۴ آل عمران آمده است.

البته کار نیک باید برای چه باشد تا نتیجه مطلوب بدهد؟

بله، برای خدا باید باشد.

یک آقایی می‌گفت که من خیلی خوانده و شنیده بودم که اگر کمک به دیگران بکنیم، نتیجه‌اش را هم در دنیا می‌بینم و هم در آخرت. آن قدیم‌ها که پول خیلی ارزش داشت، روزی بیست تومان به کسی کمک کردم. طولی نکشید که پنجاه تومان نصیب من شد. خیلی خوشحال شدم و ایمانم افزون شد دفعه بعد پنجاه تومان کمک کردم، دیدم صد تومان نصیب من شد. دیدم که چقدر خوب است. این بار برای این که بیشتر به من برگردد پانصد تومان کمک کردم، ولی هرچه متظر ماندم چیزی برنگشت.

چه کسی می‌تواند علت آن را حدس بزند؟

بله، نیت ایشان خراب شده بود.

حالا با هم آثار نیکی و احسان را برمی‌شماریم.

بعضی از این آثار را در جزء چهارم قرآن خوانده‌ایم، یا می‌خوانیم.

من این آثار را در کارت‌هایی نوشته‌ام و آن را روی تخته نصب می‌کنم^۱

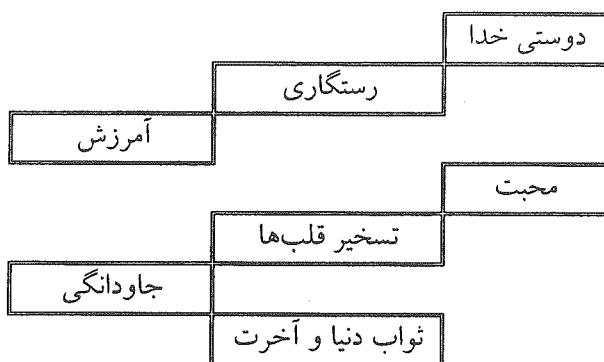
۱. همان‌طور که در دو جای جزء چهارم آمده است: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛

خداآوند نیکوکاران را دوست دارد.^۲

۱. اگر مریب امکان نصب کارت‌ها را ندارد، می‌تواند از چند دانش آموز بخواهد جلو کلاس رو به بچه‌ها بایستد و هر کدام دو کارت را روی دست بلند کنند. اگر این هم نشد روی تابلو بنویسد.

۲. آل عمران / ۱۳۴ . ۱۴۸

۲. کسانی که دعوت به نیکوکاری می‌کنند از (مغلحون) رستگاران هستند.^۱
۳. وقتی نیکوکاران از خداوند طلب آمرزش می‌کنند، خداوند آن‌ها را می‌آمرزد.^۲
۴. کسی که به مردم احسان می‌کند، آن‌ها همیشه او را دوست می‌دارند.^۳
۵. انسان‌ها بندۀ نیکوکار هستند. با احسان به آنان، قلب‌هایشان تسخیر نیکوکار می‌شود.^۴
۶. نام نیکوکار همیشه زنده است، اگر چه خودش مرده باشد.^۵



کارت بزرگ‌تر (ثواب دنیا و آخرت) که یکی از آثار مهم نیکوکاری است، همه موارد را در خود دارد. یعنی خداوند به نیکوکار، ثواب دنیا و آخرت می‌دهد.^۶

-
۱. آل عمران / ۱۰۴
 ۲. آل عمران / ۱۳۵
 ۳. ميزان الحكمه، ج ۱، ص ۷۴۱
 ۴. همان.
 ۵. همان، ص ۷۴۲
 ۶. آل عمران / ۱۴۸

اجتماعی

کاریس:

همدلی و همکاری

نمودار کمی:

اجتماعی

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با همبستگی و مشارکت و نتایج آن در زندگی آشنا می شوند.

اهداف چرخی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. همبستگی و اتحاد؛
۲. موارد اتحاد و همبستگی؛
۳. مشارکت و همکاری؛
۴. مشارکت در قرآن و روایات؛
۵. مصاديق و موارد مشارکت

هدف رفتاری (خرچه):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس اتحاد و همبستگی خود را در همه عرصه های زندگی حفظ کنند و با مشارکت فعال در فعالیت های گروهی شرکت کنند و از آثار و نتایج آن بهره مند گردند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال (مسابقه، جدول، آیه، روایت، شعر)

رسانه های آموزشی:

۱. تخته ۲. کارت



همدلی و همکاری

دانشآموزان عزیز و گرامی! سلام و صد سلام به شما، ان شاء الله که شاداب و سر بلند باشید.

اول هر کار: بسم الله الرحمن الرحيم؛ به نام خداوند بخشندۀ و مهربان.
امیدوارم امسال، در سایه یکدلی و همکاری با هم سال بسیار خوبی برای همه
شما باشد^۱.

ابتدا به شعر زیبای «مثل ما» گوش کنید.

صد ستاره، نه صدها

باز این هم افزون تر

صد هزار ها هم بیش

در کنار یکدیگر

این ستاره ها هستند

دور و دورتر از ما

در کنار هم گویی

راه شیری اند آن ها

۱. به مناسبت نامگذاری سال ۱۳۸۴ به سال «همستگی ملی» و «مشارکت عمومی» مریبی می تواند برای مقطع ابتدایی این درس را - البته با تنزیل مطالب و مهارت های مناسب با سن دانشآموزان اجرا نماید.
۲. حسین حداد، نان و پروانه، چ ۱، ۱۳۷۷، محراب قلم، ص ۳۹۵ (شعر از مصطفی رحماندوست).

کرده‌اند زیباتر

آسمان زیبا را

شب بگرد و پیدا کن

کهکشان زیبا را

با همند و در یک راه

گرچه تک تکند آن‌ها

پر شکوه و یکرنگند

مثل ما مسلمان‌ها

در دل سیاه شب

مثل برق شمشیرند

با همند پیوسته

نیستی نمی‌گیرند

حالا چه کسی من تو اند بگوید که موضوع شعر چیست؟ آفرین، وحدت و

یکپارچگی

کدام کلمه به معنای با هم بودن و وحدت من باشد؟ به این کارت توجه

کنید.^۱ همبستگی

خداآوند مهربان در کتاب آسمانی قرآن همه مسلمانان را به اتحاد و همبستگی فرا خوانده است و آنان را از پراکندگی بر حذر نموده است.

چه کسی آیه مورد نظر را من داند؟ بله، دوستان را تشویق کنید.

حالا قسمتی از آیه را به همراه ترجمه آن روی تخته می‌نویسیم.

«واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا»؛

۱. مریبی کارتی بزرگتر از کارت‌های متداول (۱۰×۲۰) تهیه کند که در یک طرف آن، کلمه «همبستگی» با خط زیبا آمده باشد و در طرف دیگر آن، کلمه «مشارکت» که در جای خود آن را مطرح نماید.

همگی به ریسمان خدا چنگ بزند و پراکنده نشوید.

حالا چه کسی می‌داند که این آیه در چه سوره‌ای است؟ یک راهنمایی می‌کنم. این آیه در سومین سوره قرآن و در جزء ۴ قرار دارد. آفرین، سوره آل عمران. اما چه آیه‌ای؟ آیه ۱۰۳.

حالا بگویید در چه جاهایی باید همبستگی و یکپارچگی خود را حفظ کنیم؟

بله، در	جهان اسلام	جامعه	مدرسه	خانه
---------	------------	-------	-------	------

تا بتوانیم از نتایج درخشان آن بهره‌مند شویم و در برابر دشمنان اسلام و میهن پیروز گردیم.

حالا برای آن که بحث اصلی امروز برایتان مشخص گردد، جدولی در ابعاد ۵×۷ بر روی تخته رسم می‌کنم. سپس سؤال‌هایی درباره سوره‌های قرآنی از شما می‌پرسم. بعد از تکمیل جدول هر کس توانست پیام جدول را که واژه‌ای از آیه مورد نظر است، بگوید برندۀ محسوب می‌گردد.

۱. یکی از چهار سوره‌ای را نام بپریشد که دارای سجده واجب است؟ (نام

فصلت دیگر آن «حمد سجده» است)

۲. ششمین سوره قرآن که به معنای چهارپایان است. چه نام دارد؟

انعام

۳. هفتمین سوره قرآن که به معنای سفره آراسته از خذاست، چه نام

دارد؟ (مائدۀ

۴. کدام سوره به نام یکی از نام‌های قیامت به معنای واقع شونده

واقعه می‌باشد؟

۵. نام دیگر سوره «دھر» را بگویید که در آن به آفرینش انسان اشاره

انسان

شده است؟

۶. کدام سوره است که اگر حرف اول آن را برداریم به معنای بیابان

خشک و بی آب و علفه می شود؟ (خود سوره به معنای درهم پیچیدن

تکویر

است)

۷. کدام سوره به معنای سیر در شب است که ماجراهی معراج

اسرا

پیامبر(ص) در آن آمد است؟

	۵	۴	۳	۲	۱
۱					
۲					
۳					
۴					
۵					
۶					
۷					

حالا چه کسی می تواند پیام جدول را به دست آورد؟

یک راهنمایی می کنم. با کنار هم گذاشتن حروف جدول به شیوه خاص می توانید

کلمه اول آیه مورد نظر را به دست آورید.

حالا دوست خودتان را با یک صلووات محمدی تشویق کنید: اللهم صل علی
محمد و آل محمد.

بله، اگر از خانه چهارم در ردیف عمودی که حرف «ت» است به صورت مورب
شروع کنیم به حرف «و» در خانه چهارم در ردیف افقی می‌رسیم که اگر آن را در
جهت مخالف به صورت مورب ادامه دهیم به آخرین خانه در ردیف هفتم افقی
که حرف «ا» است، می‌رسیم.

پیام مورد نظر کلمه «تعاونوا» است.

چه کسی می‌تواند آیه را تکمیل کند؟ آفرین، این قسمت از آیه را به همراه
ترجمه روی تخته می‌نویسم.
«وتعاونوا على البر و التقوى»؛
در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید.

حالا اگر گفتیم که این آیه در کدام سوره قرار دارد؟ یک راهنمایی می‌کنم.
این آیه در پنجمین سوره قرآن آمده است که در جزء ششم قرآن قرار دارد.
آفرین، سوره مائدہ. در کدام آیه آمده است؟ آیه ۲

حالا چه کسی می‌داند که کدام واژه ب معنای همکاری و تعاون در جهت

هدف‌های مشترک^۱ است؟

مشارکت

بله، به پشت کارت همبستگی توجه کنید. واژه
حالا چه کسی از شما دانش آموزان عزیز می‌تواند رابطه بین واژه
«همبستگی» و «مشارکت» را که در دو طرف کارت آمده بود، بیان کند؟ بله،

۱. جولیوس کولد، ویلیام ل. کرکب، فرهنگ علوم اجتماعی، نشر مازیار، ج ۱، ۱۳۷۶، ص ۲۴۵.

امسال که سال ۱۳۸۴ است به نام «همبستگی ملی و مشارکت عمومی» نامیده شده است.

یک سؤال می‌پرسم. ببینم چه کسی می‌تواند جواب دهد.

خانه‌خدا و خانه دوم مسلمانان چه نام دارد؟ آفرین، مسجد.

برای این که بدانید چگونه اولین مسجد در تاریخ اسلام با مشارکت و همکاری پیامبر و مسلمانان ساخته شد به ماجرای زیر خوب گوش دهید.

پیامبر گرامی اسلام(ص) به محض استقرار در مدینه، قطعه زمینی را که در آن خرما خشک می‌کردند و متعلق به دو یتیم بود، از آنان خرید و فرمان داد در آن مسجدی بسازند. خود پیامبر(ص) پا به پای دیگران به ساختن آن مشغول شد. مسلمانان سرشار از شادمانی و شگفتی از این که پیامبر عظیم الشأن همانند دیگران مشغول کار است بر سرعت خود افزودند. نکته جالب توجه این بود که در هنگام کار به خواندن سرود دسته جمعی می‌پرداختند و پیامبر اکرم(ص) نیز در خواندن سرود با دیگران مشارکت می‌کرد!

«بلال» از پاران مخلص پیامبر(ص) در باره مشارکت دسته جمعی مسلمانان در ساخت بنای مسجد النبی چنین بیان کرده است:

کار شروع شد. خود پیامبر(ص) اولین کلنگ مسجد را به زمین زد. وقتی که دیدم اولین دیوار مسجد تا حدی بالا آمد باشد و لذت بیشتری مشغول کار شدیم. با پاهایمان می‌کوییدیم و با دست‌هایمان شکل می‌دادیم. آجر می‌ساختیم، سنگ حمل می‌کردیم، چوب اره می‌نمودیم، ملاط می‌ساختیم، زمین را مسطح

می‌کردیم و خار و خاشاک را می‌زدودیم، چاله، چوله‌ها را هموار می‌نمودیم، از نرdban بالا می‌رفتیم، گل‌کشی می‌کردیم و قلب‌هایمان را با همدیگر پیوند می‌زدیم. ما این کارها را با چنان شوق و ذوقی انجام می‌دادیم که اگر کسی ما را می‌دید، خیال می‌کرد که در حال دست‌افشانی هستیم.

عزیزان! آیا بچه‌ها نیز در ساختن اولین مسجد با پیامبر(ص) و سایر مسلمانان مشارکت و همکاری نمودند؟ برای این که مطلب برایتان روشن شود، ادامه جریان را از قول بلاں بشنویم.

پیامبر(ص) خشت می‌آورد و از نرdban به خوبی بالا می‌رفت. هر چند هجرت از مکه به مدینه گروهی را به مدت یک هفته بسترنشین کرده بود، ولی پیامبر(ص) حتی از نشستن هم امتناع می‌ورزید. به هر کجا که پا می‌گذاشت عده‌ای بچه به دنبالش بودند که می‌خواستند کمکش کنند، ولی کار را خراب می‌کردند. یک بار خواستم پیامبر(ص) را از بچه‌ها دور کنم، ولی پیامبر با روی گشاده به طرفم برگشت و گفت: «بچه‌ها! به بالا هم کمک کنید، گویا احتیاج به کمک دارد.» من نیز دویدم و در پشت یکی از درختان خرمای قایم شدم در حالی که پیامبر ایستاده بود و می‌خندید و عرق صورتش را پاک می‌کرد.

بعد از این ماجرا، پیامبر(ص) خدا، بچه خردسالی را میان بازوانتش گرفت و یک نیمة آجر، کف دست کوچکش گذاشت. بچه را به سوی دیوار برد و کمک کرد تا نیمه آجر را در دیوار بگذارد. سپس پیامبر(ص) رو به بچه کرد و گفت: «حالا می‌توانی بگویی که در ساختن مسجد به پیامبر کمک کردم!» بعد از آن

پیامبر(ص) کودک را بر زمین گذاشت. بچه در حالی که چهره اش مملو از شادی و نشاط بود به آغوش مادر برگشت^۱.

به این گونه بود که در مدینه، نخستین اقدام پیامبر اسلام(ص) بنای مسجد شکل گرفت. تلاش غالب مسلمانان در مشارکت ساخت مسجد هم از شوق آنان حکایت می کرد و هم متأثر از مشارکت کامل و فعال پیامبر(ص) بود. مسلمانان که می دیدند رسول خدا(ص) نه تنها در موضع نظارت و هدایت نشسته است، بلکه خود در کنار همه و بلکه بیش از همه در ساختن بنای مسجد فعال است، آنان نیز با مشارکت دسته جمعی و خواندن سرود به تکمیل بنای مسجد النبی(ص) پرداختند^۲.

بچه های عزیز! در احادیث و روایات معصومان - علیهم السلام - نیز به همکاری و مشارکت یکدیگر تأکید فراوان شده است.

آیا من خواهید با نمونه ای از آن آشنا شوید؟ من روی کارتی کلام گهرباری را بدون نقطه از رسول خدا(ص) آورده ام. یکی از دوستان شما آن را می خواند. خوب دقت کنید: «اگر همه نمای در راه نکنی و سکوکاری به هم بیوندید و هماهنگ سوید، دوسدار و علاقه مند به بکدبگر خواهید سد^۳».

حالا نوبت مشارکت همه شما است؛ چطور؟ با مسابقه مسابقه ای با مشارکت دو گروه ۵ نفره جهت به دست آوردن حدیث زیبا و کوتاهی از امام علی العلی اللہ تعالیٰ.

۱. هـ. آ. کرگ، بلال بلال، یعقوب آژند، امیرکبیر، ج ۱، ۱۳۶۲، ص ۹۵ - ۹۷.

۲. غلامحسین زرگر نژاد، تاریخ صدر اسلام (عصرنبوت)، سمت، ج ۱، ۱۳۷۸، ص ۳۳۹.

۳. حدیث تربیت، پیام آزادی، ج ۲، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۱۴.

شیوه مسابقه به این صورت است که جدولی 10×10 بر روی تخته رسم می‌کنیم که تمامی خانه‌های آن از حروف گوناگون پر شده است. افراد هر گروه با مشارکت و همکاری یکدیگر باید موارد متفاوت از مشارکت در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بهداشتی و... را از جدول پیدا کنند و دور آن خط بکشند. گفتنی است که ۱۰ مورد از مشارکت در جدول آمده است که با کنار هم قرار دادن حروف به صورت افقی، عمودی، مورب و.. می‌توان به آنها دست یافت.

گروه‌های شرکت کننده در مسابقه دقت کنند که هر مورد ۱۰ امتیاز دارد.

نکته مهم در این مسابقه این است که افراد هر گروه بایستی با مشارکت و مشورت با هم بتوانند زودتر موارد ۱۰ گانه مشارکت را به دست آورند. هر گروهی که از اصل مهم مشارکت و همکاری دسته جمعی و اصل مشورت بهره ببرد، خواهد توانست امتیاز بیشتری کسب نماید.

بعد از به دست آمدن ۱۰ مورد از موارد مشارکت در زمینه‌های گوناگون، ۱۱ حرف در جدول باقی می‌ماند که با ترکیب این یازده حرف، عبارت سه حرفی عربی که حدیثی از امام علی^{علی‌الله‌ السلام} است به دست می‌آید. هر گروهی که پیام جدول که همان کلام گهربار حضرت علی^{علی‌الله‌ السلام} است را به دست آورد ۵۰ امتیاز کسب خواهد نمود.

در پایان جداگانه امتیازهای اعضای هر دو گروه با هم جمع می‌شود. هر گروهی که با مشارکت و همکاری و همفکری افرادش، امتیاز بیشتری به دست آورد، برنده نهایی محسوب خواهد شد.

ه	ع	م	ج	ز	ا	م	ن	م	ش	ڻ
ش	ي	ا	م	ن	ل	ي	ك	ي	ش	ت
گ		د	ا	م	ز	و	ك	ا		ع
	ا	و	و	ر	ا	ي	ر	ت		ي
ه	ا	م	ک	ڻ	ت	م	ت			ا
ن	د	ي	ع	ك	ت	ع	ي	ت		د
ع	ر	ت	ي	ن	و	ا	گ	ز		ت
ن	ا	و	د	ج	س	م	ي	ر		ب
ي	آ	ش	د	ر	گ	ي	ه	و		ي
ك	ي	م	ل	ع	ن	ا	ر	ا		م

موارد ۱۰ اگانه مشارکت که از جدول به دست می‌آید، عبارتند از:

۱. نشریه دیواری
۲. مشارکت گروهی
۳. تشکیل نمایشگاه
۴. عیادت بیماران
۵. تمیزی مسجد
۶. نماز جمعه
۷. روز مادر و پدر
۸. اردو
۹. تعاونی
۱۰. گردش علمی

حالا ۱۱ حرف (ک، ت، م، ع، ا، ی، ت، ا، ن، ع، ن) باقی ماند. هر گروهی که بتوانند با ترکیب این حروف به فرمایش امام علی^{العلیہ السلام} که در باره کمک و یاری کردن است برسد، ۵۰ امتیاز به دست خواهد آورد.

هر گروه با مشارکت گروهی افراد با یکدیگر مشورت کنند و جواب را بگویند.
آفرین، «**كمائين تعان**»

حضرت علی^{العلیہ السلام} در فرمایش گهربار خود می فرماید: «چنان که یاری کنی، یاری کرده می شوی» یعنی به قدر آنچه تو مردم را یاری کنی، خدا و مردم نیز تو را یاری می کنند^۱.

حالا همه حاضران با مشارکت یکدیگر با صدای بلند حدیث را تکرار کنند:
«**كمائين تعان**»

به امید همبستگی و مشارکت همه شما عزیزان در سال تحصیلی جدید و در تمام طول زندگی تا به نتایج درخشنان آن که پیروزی و موفقیت در همه عرصه هاست نایل گردید. شما را به خدای بزرگ و مهربان می سپارم.

۱. محمد تمیمی آمدی، شرح غررالحکم و دررالکلم (مجموعه ۷ جلدی)، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۶۲۳.

مناسبت‌ها

و

فعالیت‌های

پروردشی



با سلام خدمت شما مریبی گرامی!

در تابستانی که در پیش رو داریم علاوه بر برنامه‌های کلاسی با موضوعاتی مختلف به دو بخش دیگر به صورت جداگانه پرداخته شده است که عبارتند از:

۱. مناسبات

۲. فعالیت‌های پرورشی

در بخش اول بر اساس زمان بندی، تاریخ آن تنظیم شده است.

در بخش دوم که اختصاص به روزهای فرد هفته دارد، برنامه‌های آن شامل موارد مختلفی است که در هر مورد با توضیح کامل خواهد آمد.

برنامه‌ها در ۶ هفته تنظیم شده است که به تفکیک هر هفته جداگانه در ادامه می‌آید.

لازم به ذکر است ۶ مورد مشارکت عملی - البته به صورت پیشنهادی - در پایان هر هفته آورده شده است تا دانش‌آموزان در طول هفته بتوانند با مشارکت و همکاری دسته‌جمعی در جهت همبستگی هر چه بیش‌تر گام بردارند.

همچنین می‌توان کارهای ارزشمند دانش‌آموزان کوشش و فعال را در پایان دوره در «نمایشگاه» عرضه نمود.

۲۰۲ ره توشہ راهیان نور

مربی محترم می‌تواند جهت آشنایی با فعالیت‌های پرورشی و فعالیت‌های فوق برنامه به ویژه برای پُر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان به کتاب مناسب، از جمله کتاب «آشنایی با فعالیت‌های تربیتی، اجتماعی» تألیف حسن ملکی (قاسم) مراجعه نماید.

همچنین با سلیقه و ابتکار خویش برنامه‌ریزی فوق را برای مقطع ابتدایی نیز اجرا نماید

هفته اول: مشارکت فرهنگی

۱۳۸۴ - ۱۸ تیر ماه سال

یکشنبه ۱۹ / تیر ماه / ۱۳۸۴ مطابق با سوم جمادی الثانی ۱۴۲۶؛ «شهادت حضرت فاطمه زهراء(س)»

توضیح: اساس برنامه در مناسبات‌های خاص این است که در شب آن مناسبت، برنامه آن روز اجرا شود. اگر با مشکلی مواجه شد، با هماهنگی در وقت مناسب دیگر اجرا شود.

سه شنبه ۲۱ / تیر ماه / ۱۳۸۴ در برنامه پرورشی

برای مقطع راهنمایی ابتدامختصری از داستان بنای کعبه گفته می‌شود. بعد مقدمات ساخت ماقت کعبه می‌آید. (طبق دستورالعمل ضمیمه) لازم به ذکر است که ساخت این ماقت نیاز به چند جلسه خواهد داشت. برای مقطع ابتدایی، بیان مختصری از داستان ساخت کعبه و رنگ‌آمیزی تصویری از کعبه و ساخت ماقت کوچکی از کعبه با مقوا و یا کاغذ می‌آید. استفاده از ماقت کعبه در درس‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که توضیح آن همراه درس مورد نظر آمده است.

پنج شنبه ۲۳ / تیر ماه / ۱۳۸۴ در برنامه پرورشی

برای مقطع راهنمایی به ادامه ساخت ماقت کعبه پرداخته می‌شود. برای مقطع ابتدایی ادامه ساخت کعبه کوچک مقواهی به صورت سه بُعدی و رنگ‌آمیزی آن می‌آید.

موارد پیشنهادی:

تهییه روزنامه دیواری و نشریه، مسابقه کتاب‌خوانی و مشاعره، تشکیل گروه سرود و نمایش و نثار.

هفته دوم: مشارکت اجتماعی

۱۳۸۴-۲۵ تیرماه سال ۱۳۸۴

یکشنبه ۲۶ / تیرماه ۱۳۸۴

در این روز دو برنامه به صورت جداگانه برای دو مقطع ابتدایی و راهنمایی به شرح زیر انجام می‌گیرد:

۱. برنامه راهنمایی: بیان مقدمه کوتاهی از جنگ‌های اسلامی، ساخت ماقب
جنگ بدر، تشکیل گروه نمایش و توزیع متن دو نمایش با نام‌های:
«جاسوس» و «نظر نهایی».

۲. برنامه ابتدایی: بیان مقدمه کوتاهی از دو جنگ اسلامی «أحد و بدر» و
رنگ‌آمیزی تصاویری از جنگ بدر.

سه شنبه ۲۸ / تیرماه / ۱۳۸۴

مقطع راهنمایی: در این روز جهت آمادگی برای برگزاری جشن میلاد حضرت
زهرا(س) (۵ مرداد / ۱۳۸۴) سرود میلاد حضرت زهرا(س) توسط گروه سرود
تمرین می‌شود . و نمایش «جاسوس» توسط گروه نمایش تمرین می‌شود.

مقطع ابتدایی: ساخت فرفه‌های رنگی، گل‌های رنگی و آماده‌سازی این فرفه‌ها
و گل‌ها برای استفاده در مراسم جشن‌های مربوط به میلادها.

پنجشنبه ۳۰ / تیرماه / ۱۳۸۴

مقطع راهنمایی: تمرین دکلمه خوانی به مناسب ولادت حضرت زهرا(س) و
تمرین نمایش «نظر نهایی»

مقطع ابتدایی: ساخت کاردستی‌ها از برگ‌ها و سنگ‌ها؛ مربی سعی کند در تهیه ابزار و لوازم لازم از قبل فکر کند و به آماده‌سازی وسایل مورد نیاز اقدام نماید. توجه شود که مکان اجرا و موجود بودن وسایل در حسن اجرای برنامه تأثیر زیادی دارد.

موارد پیشنهادی:

عيادت بيماران، عضويت در سازمان هلال احمر، گرداش علمي، تشکيل تعاوني، رفتن به اردو.

هفته سوم: تکریم و بزرگداشت

۷ - مرداد ماه سال ۱۳۸۴

در این هفته که میلاد با سعادت حضرت فاطمه زهراء(س) در روز ۵ مردادماه ۱۳۸۴ مطابق با ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۲۶ قرار دارد، لازم است مریسی در جهت اجرای هر چه بهتر برنامه‌های این روز نهایت تلاش و هماهنگی خود را انجام دهد.

یکشنبه ۲ / مرداد / ۱۳۸۴

مقطع راهنمایی: تمرين نمایش

متن دو نمایش با عنوان‌های «بهترین خلقت» و «آموزش» را که تهیه شده است، در دسترس دانشآموزان انتخابی قرار داده تا به تمرين و حفظ آنها بپردازند.

مقطع ابتدایی: ساخت کاردستی «لیوان تاشو»

سه شنبه ۴ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

مقطع راهنمایی: ادامه تمرين نمایش‌های «بهترین خلقت» و «آموزش» .

مقطع ابتدایی: ساخت کاردستی «کاغذ و تا» ، «کاغذ و کاردستی»

پنج شنبه ۶ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

مراسم عمومی جشن میلاد حضرت فاطمه زهراء(س).

طبق دستورالعمل ویژه‌نامه، لازم است از قبل، مقدمات برگزاری انجام شود که عبارت است از:

آذین‌بندی محل اجرای جشن، توزیع دعوت‌نامه و دعوت از مادران، تمرين سرود و تئاتر و

موارد پیشنهادی:

روز مادر (۲۰ جمادی الثانی) روز پدر (۱۳ ربیع)

هفته چهارم: مشارکت بهداشتی

۱۴-۸ مرداد ماه سال ۱۳۸۴

یکشنبه ۹ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

مقطع راهنمایی: ادامه ساخت ماکت جنگ بدر و داستان جنگ بدر.

مقطع ابتدایی: جمع‌آوری تصویرهای رنگ‌آمیزی شده و استفاده از تصویرهای جمع‌آوری شده در بیان داستان جنگ بدر.

سه شنبه ۱۱ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

مقطع راهنمایی: اجرای دو نمایش «جاسوس» و «نظر نهایی».

مقطع ابتدایی: رنگ‌آمیزی تصویرهای جنگ أحد و جمع‌آوری آنها.

پنجشنبه ۱۳ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

مقطع راهنمایی: شروع به ساخت ماکت جنگ أحد و بیان داستان جنگ أحد، تمرین حکایت خوانی از زندگی امام محمد باقر (ع)

مقطع ابتدایی: استفاده از تصویرهای جمع‌آوری شده در جهت بیان تقریبی مکان و موقع جنگ أحد، آماده سازی گل‌های کاغذی و رنگ‌آمیزی آنها.

توضیح: با توجه به در پیش بودن ولادت با سعادت حضرت امام محمد باقر (ع) در تاریخ ۱۶ / مرداد ماه / ۱۳۸۴ روز یکشنبه، جهت آماده سازی مقدمات این جشن لازم است مریبی هماهنگی لازم را با دست‌اندرکاران این مراسم انجام دهد. تزیین محل برگزاری جشن، بسته‌بندی پاکت‌های پذیرایی (شکلات و....)

نوشتن دعوت نامه برای مدعوین و تمرین سرود میلاد امام محمد باقر (ع)

موارد پیشنهادی:

تمیز کردن مسجد، کلاس درس، محله و خانه.

هفته پنجم: مشارکت سیاسی

۱۳۸۴ - ۱۵ مرداد ماه سال

یکشنبه ۱۶ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

مراسم عمومی و مشترک جشن میلاد حضرت امام محمد باقر ع

سه شنبه ۱۸ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

مقطع راهنمایی: ساخت هواپیمای مقوایی و مقایسه ابزار جنگ‌های قدیمی و مدرن و تمرین ۳ نمایش‌نامه در باره جنگ اُحد با نام‌های «شورای نظامی، سفارمانی از فرمانده و حمایت از رهبری».

مقطع ابتدایی: ساخت قطار کاغذی و آکواریوم.

پنجشنبه ۲۰ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

مقطع راهنمایی: ساخت چراغ مطالعه کاغذی و اجرای نمایشنامه‌های جنگ اُحد.

مقطع ابتدایی: کاردستی و کاغذ، رنگ و کاغذ.

موارد پیشنهادی:

حضور در نماز جمعه، راهپیمایی و انتخابات

هفته ششم: مشارکت اقتصادی

۱۳۸۴-۲۷ مرداد ماه سال

یکشنبه ۲۳ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

مقطع راهنمایی: آمادگی برای برگزاری جشن میلاد امام جواد علیه السلام و تمرین متن دو نمایش نامه «شیعه مخلص» و «رایحه خوشبوی مریم» و تمرین متن دکلمه.

مقطع ابتدایی: تمرین نمایش و دکلمه

سه شنبه ۲۵ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

مراسم عمومی و مشترک جشن میلاد امام جواد علیه السلام

چهارشنبه ۲۶ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

آمادگی برای جشن اختتامیه.

این آمادگی شامل موارد زیر می باشد:

تمرین داستان میلاد حضرت علی علیه السلام، نوشتن نامه به پدر، تنظیم دعوت نامه از اولیا، کمک به برپایی نمایشگاه و تمرین سرود میلاد حضرت علی علیه السلام.

پنج شنبه ۲۷ / مرداد ماه / ۱۳۸۴

مراسم عمومی و مشترک جشن میلاد حضرت علی علیه السلام و جشن اختتامیه.

موارد پیشنهادی:

تشکیل صندوق قرض الحسن و کمک به نیازمندان.



جنگ بدر و احمد

جهت آشنایی کودکان و نوجوانان با جنگ‌های صدر اسلام، تلاش شده است تا دو جنگ بدر و احمد به صورت کاربردی همراه با نقل داستان معرفی شوند. جهت معرفی در دو مقطع ابتدایی و راهنمایی روش‌هایی پیشنهاد می‌گردد که با توجه به امکانات یکی از روش‌ها انتخاب گردد و به صورت کاربردی اجرا شود.

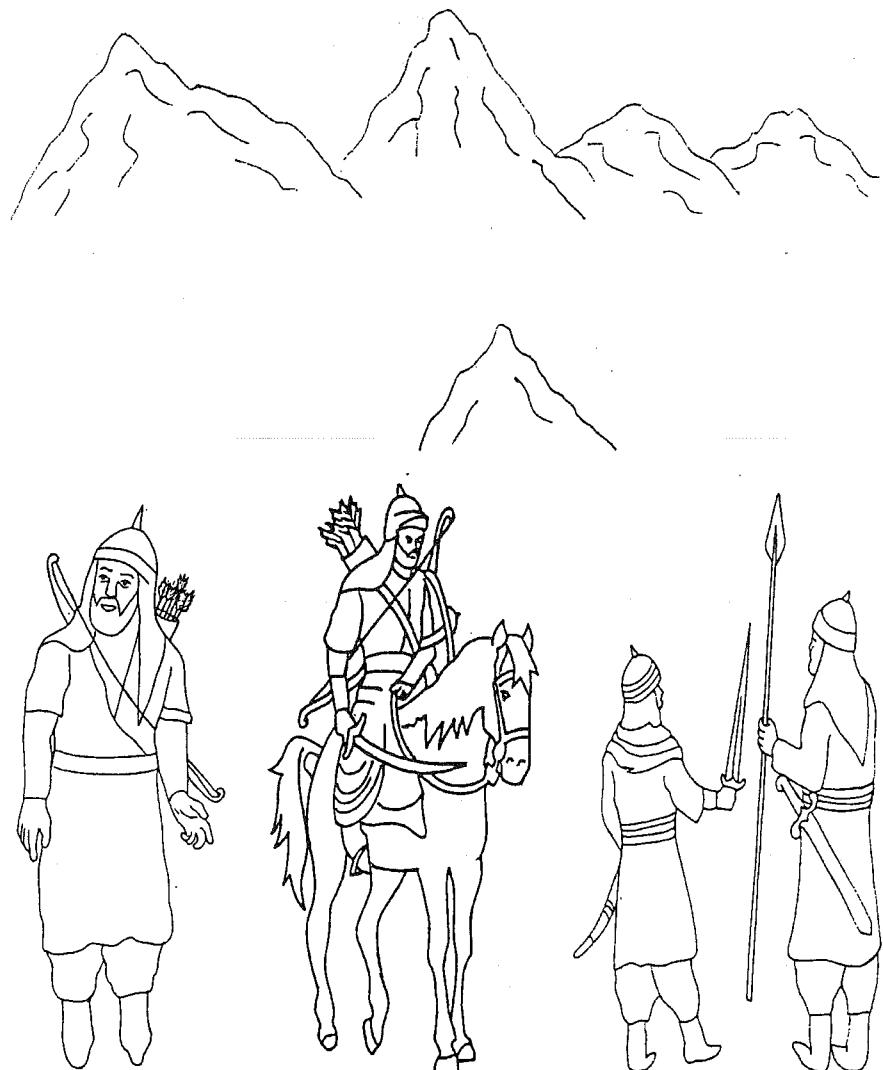
مقطع ابتدایی

روش اول: در این روش از بچه‌ها خواسته می‌شود تا به دلخواه خود، تصاویری از اسب، شمشیر، تیر و کمان، نیزه، کوه، سرباز ترسیم کنند و سپس آن‌ها را رنگ نمایند. مربی بعد از انجام کار، داستان جنگ بدر و احمد را توضیح دهد.^۱

روش دوم: مربی در این روش از قبل در یک برگ A4 تصاویر اسب، سرباز، نیزه، تیر و کمان و کوه تهیه کند. سپس آن‌ها را به بچه‌ها بدهد و از آنان بخواهد تا به دلخواه، تصاویر را رنگ بزنند. بعد از رنگ آمیزی از آن‌ها بخواهد تصاویر را با کمک قیچی از صفحه جدا نمایند و با کنار هم قرار دادن آن‌ها روی تخته، دیوار یا مقوای بزرگ، فضای جنگ بدر و احمد درست شود. مربی بعد از اتمام کار داستان جنگ را برای بچه‌ها بیان نماید.^۲

۱. مربی به طور جداگانه با کمک تصاویر و... در هر جلسه یکی از جنگ‌ها را بیان نماید.

۲. می‌توان تصاویر کاغذی را روی مقوا چسباند و بعد از آن اشکال را با قیچی جدا نمود.



روش سوم: در این روش به کمک خمیر مجسمه سازی، یا گل از بچه‌ها خواسته می‌شود به چند گروه تقسیم شوند. به هر گروه یک موضوع داده می‌شود. به طور نمونه گروه اول فقط به کمک خمیر یا گل، تعداد ده اسب یا بیش‌تر درست نمایند. گروه بعدی فقط سرباز درست کنند. گروه‌های دیگر نیز به ترتیب، نیزه، کوه، تیرو کمان، شمشیر هم بسازند. بعد از این مراحل با چیدن اشکال ساخته شده کنار هم، صحنه جنگ بدر یا احمد بازسازی گردد و داستان دو جنگ مطرح شود.

مقطع راهنمایی:

برای مقطع راهنمایی چند روش در نظر گرفته شده است.

روش اول: اجرای نمایش‌های کوتاه از وقایع جنگ احمد و بدر.

روش دوم: دانش آموزان به چند گروه تقسیم می‌شوند تا با کمک هم، ماكت جنگ بدر و احمد را بسازند.^۱

گروه اول: تعداد ده اسب یا بیش‌تر بسازند.

گروه دوم: سرباز

گروه سوم: تیرو کمان

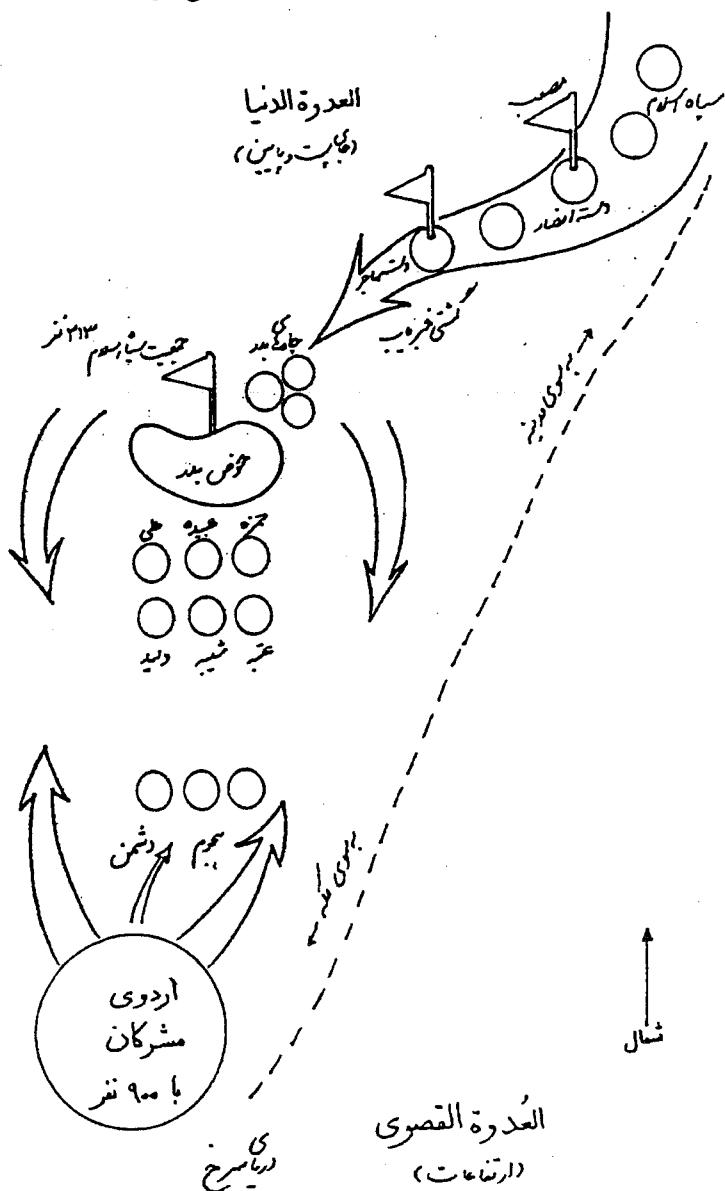
گروه چهارم: شمشیر

گروه پنجم: کوه

گروه ششم: نیزه

۱. در تهیه ماكت سعی شود از ابزار جنگی متناسب با یکدیگر استفاده گردد و تناسب اندازه‌ها نسبت به یکدیگر رعایت شود.

بعد از اتمام کار و چینش ماقت‌های ساخته شده، صحته تقریبی جنگ بدر و احمد به دست می‌آید. آن‌گاه داستان این جنگ بیان می‌شود.



نمایش مدافعان آیین یکتاپرستی «جنگ احد»

راوی: پیامبر در انجمان بزرگی که افسران و سربازان دلیر ارتش اسلام در آنجا گرد آمده بودند، با ندای رسماً فرمود: «افسران و سربازان نظریه‌های خود را در دفاع از حریم آیین یکتاپرستی که از ناحیه ارتش قریش تهدید می‌شود، بیان کنند.»

«عبدالله بن ابی» که از منافقان مدینه بود، گفت: ما در گذشته از شهر بیرون نمی‌رفتیم. زن‌ها از بالای بام‌ها به روی دشمن سنگ می‌ریختند. از این جهت دشمن نتوانست بر شهر مسلط گردد. در نتیجه ما پیروز گشیم، اما هر وقت که از شهر بیرون رفتیم، آسیب دیدیم.

جوان: ای عبدالله این روش دفاع موجب جرأت دشمن می‌شود و آن افتخاری که در جنگ «بدر» نصیب مسلمانان شده است از دست می‌رود. آیا عیب و ننگ نیست که دلاوران و فداکاران ما در خانه بنشینند و اجازه دهنند که دشمن وارد خانه آن‌ها گردد؟ ما مدت‌ها در انتظار چنین روزی بودیم.

حمزه^{الطیل}: به خدایی که قرآن نازل کرده است. امروز غذا نخواهم خورد تا آن که در بیرون شهر با دشمن نبرد کنم.^۱

۱. تعداد بازیگران جهت ایفای نقش ۱. نقش راوی ۲. نقش عبدالله ۳. نقش جوان ۴. نقش حمزه.

نافرمانی از فرمانده (در جنگ احمد)

راوی: بعد از شکست مسلمانان، لشکر به بالای کوه احمد عقب نشینی نمود.
 (یکی از افراد سپاه دشمن به نزدیک پای کوه احمد آمد تا با شعارهای خود،
 روحیه سپاه اسلام را بیشتر خراب نماید او با صدای بلند گفت:).

فرد سپاه دشمن: سرفراز باد بت هبل که پیروزی ما مربوط به بت پرستی است!
 فرد سپاه اسلام: خدا بزرگ و تواناست، این شکست مربوط به خداپرستی ما
 نیست، بلکه برای انحراف از دستور فرمانده می‌باشد.

فرد سپاه دشمن: ما بت غزی داریم و شما چنین بتی ندارید.
 فرد سپاه اسلام: تکیه گاه ما خداوند بزرگ و تواناست.

فرد سپاه دشمن: امروز به عوض روز جنگ بدرا!

فرد سپاه اسلام: این دو روز هرگز با هم مساوی نیست. کشتگان ما در بهشت
 هستند و کشتگان شما در دوزخ^۱ هستند.

۱. جهت اجرای نیاز به یک راوی، فرد سپاه دشمن، فرد سپاه اسلام می‌باشد.

نمایش مبارز فداکار

راوی: «سعد ریبع» از یاران باوفای پیامبر بود و دلی لبریز از ایمان و اخلاص داشت. هنگامی که با دوازه زخم نقش زمین شده بود، مردی از کنار وی گذشت.
مرد: محمد(ص) کشته شده است.

سعد: اگر محمد کشته شده است، ولی خدای محمد که زنده است و ما در راه نشر آیین خدا جهاد می‌کنیم و از حریم توحید دفاع می‌نماییم.

راوی: وقتی شعله جنگ خاموش گردید، پیامبر به یاد سعد ریبع افتاد و گفت: چه کسی می‌تواند برای من خبری از «سعد» بیاورد؟ «زید بن ثابت» داوطلب شد که از مرگ وحیات سعد خبر صحیحی برای پیامبر بیاورد. او سعد را در میدان نبرد پیدا نمود که نیمه جان بر زمین افتاده بود. زید بن ثابت به سعد گفت که پیامبر مرا مأمور کرده است که از حال شما تحقیق کنم و خبر صحیحی برای او ببرم.

سعد: سلام مرا به پیامبر برسان و بگو که چند لحظه بیشتر از زندگی سعد باقی نمانده است. خداوند به تو ای پیامبر، بهترین پاداشی را که سزاوار یک پیامبر است، بدهد. سلام مرا به انصار و یاران پیامبر برسان و به آنان بگو که هر گاه به پیامبر آسیبی برسد و شما زنده باشید، هرگز در پیشگاه خداوند عذری نخواهید داشت.

جنگ اُحد

قریش پس از شکست در جنگ بدر، به انگیزه انتقام جویی از مسلمانان مقدمات حمله به مدینه را فراهم آوردند و با جلب همکاری برخی از قبایل با امکانات فراوان از مکه حرکت کردند. همچنین گروهی از زنان را برای تشویق سربازان در میدان جنگ همراه خود آوردند. عباس، عمومی پیامبر که یک مسلمان واقعی بود، پیامبر را از نقشه جنگی قریش آگاه ساخت. او نامه‌ای به خط و امضا و مهر خود نوشت و آن را به شخصی سپرد و تعهد گرفت که آن را در مدت سه روز به پیامبر برساند.

قادص از مکه به سوی مدینه حرکت کرد. او وقتی به مدینه رسید، پیامبر در باع‌های خارج شهر به سر می‌برد. قاصد پس از عرض ادب، نامه سربسته را به دست حضرت داد. پیامبر نامه را خواند. وقتی از قصد قریش آگاه شد با تشکیل شورای نظامی در مورد چگونگی مقابله با دشمن از مسلمانان نظرخواهی کرد. برخی نظرشان رویارویی با دشمن در خارج شهر مدینه بود، اما بعضی ماندن و جنگیدن در شهر را پیشنهاد نمودند.

سرانجام پیامبر اسلام(ص) نظریه گروه اول را قبول نمود. آن‌گاه به خانه رفت، زره پوشید و شمشیر حمایل کرد. سپری به پشت انداخت و کمانی به شانه آویخت و نیزه‌ای به دست گرفت از خانه بیرون آمد و با هزار نفر به سمت کوه احد، حرکت کرد ولی در بین راه شخصی به نام «عبدالله» که از منافقان بود به بهانه این که پیامبر تسلیم نظریه جوانان شده است و از شهر بیرون آمده است با سیصد نفر به مدینه بازگشت.

پیامبر ارتش اسلام را که حالا هفتصد نفر بودند در دامنه کوه احمد مستقر نمود و از آن‌ها سان دید. چهره‌های فداکار و درخشان یاران پیامبر از لابه‌لای برق شمشیرها می‌درخشد. پیامبر(ص) کوه احمد را پشت سر و شهر مدینه را پیش رو و کوه عینین یا رماد را در سمت چپ مسلمانان قرار داد. ارتش اسلام رو به غرب و مشرکان رو به شرق قرار گرفتند. آن‌گاه پیامبر اسلام منطقه را با دید نظامی از نظر گذراند و توجهش به اهمیت کوه عینین، جلب شد زیرا ممکن بود در اثنای جنگ دشمن از آن نقطه به پشت جبهه مسلمانان نفوذ کند. از این رو افسری به نام «عبدالله بن جبیر» را با پنجاه تیرانداز مأمور حفاظت از این نقطه کرد و فرمود: «چه پیروز شویم و چه شکست بخوریم، شما همین جا بمانید و سواران دشمن را با تیراندازی از ما دفع کنید تا از پشت سر به ما حمله نکند.» پیامبر(ص) پس از منظم کردن صفووف رو به مسلمانان کرد و فرمود: «من شما را به آنجه خدا مرا به آن سفارش کرده است، تذکر می‌دهم؛ فرمان خدا را اطاعت کنید، از مخالفت او بپرهیزید... .

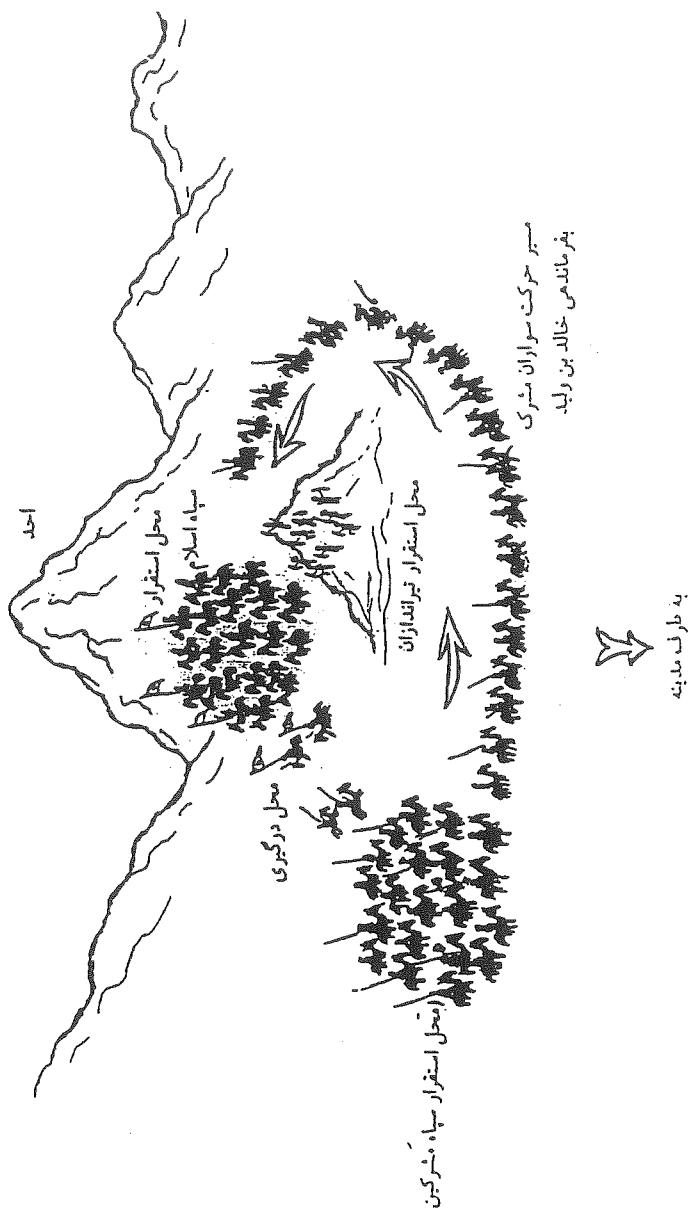
ابوسفیان هم که از بزرگان قریش بود، ارتش خود را سه قسمت کرد. پیاده نظام زره پوش را در وسط قرار داد. گروهی را به فرماندهی «خالد بن ولید» برای سمت راست و دسته دیگر را برای سمت چپ به فرماندهی «عکرمه» معین نمود. همچنین دسته مخصوص را به عنوان پیشگاردان نبرد که پرچمداران در میان آن‌ها بودند در پیشاپیش ارتش قرار داد. سپس رو به پرچمداران که همگی از قبیله «بنی عبدالدار» بودند کرد و گفت: «پیروزی لشکر در گرو استقامت و پایداری پرچمداران است.»

سرانجام در روز پانزدهم شوال در سال سوم هجرت، جنگ میان دو سپاه آغاز شد. طولی نکشید که با شجاعت سپاه اسلام به ویژه حضرت علی^{علی‌الله‌ السلام} که نه نفر از پرچمداران سپاه دشمن به دست او کشته شدند، دشمن روحیه خود را از دست دادند و پا به فرار گذاشتند. مسلمانان در حال تعقیب آنان، سرگرم جمع آوری غنایم از میدان جنگ شدند. اکثر تیراندازان با مشاهده این صحنه به طمع جمع آوری غنایم از کوه سرازیر شدند و به این خیال که جنگ تمام شده است به اختصار عبدالله بن جبیر در مورد فرمان پیامبر اسلام توجه نکردند. تخلف تیراندازان موجب شد که وضع جنگ عوض شود، زیرا خالد بن ولید با دویست سوار به آن نقطه حمله کرد و عبدالله بن جبیر را با حدود ده نفر باقیمانده به شهادت رسانید. سپس از پشت جبهه به مسلمانان حمله کرد. سپاه دشمن با مشاهده حمله خالد و برافراشته شدن پرچم، دلگرم شدند. دوباره حمله کردند. در این هنگام چون آرایش نظامی مسلمانان به هم خوردند و شایعه کشته شدن پیامبر در میان سپاهیان پخش شده بود، مسلمانان نتوانستند مقاومت کنند و به سختی شکست خوردند. در حالی که عده‌ای از مسلمانان در حال فرار بودند، پیامبر اسلام در میدان جنگ مقاومت نمود و فراریان را به پایداری فرا می‌خواند. تنها علی^{علی‌الله‌ السلام} و چند تن دیگر در میدان جنگ باقی مانده بودند و در کنار پیامبر برای حفظ جان او شمشیر می‌زدند تا این‌که خود را به دامنه کوه احد رسانند و گرد و غبار جنگ فرونشست.^۱

۱. جعفر سبحانی / فروغ ابدیت / ج ۲ / ص ۳۰، مهدی پیشوایی، تاریخ اسلام، دفتر نشر معارف قم، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۳۶.

مناسبت‌ها (جنگ بدر و احمد)

۲۲۱



اطلاعاتی از جنگ احمد:

تعداد سپاه دشمن: ۳۰۰۰ نفر، همراه با ۷۰۰ سرباز با تجهیزات کامل و ۲۰۰ اسب و ۱۰۰۰ شتر

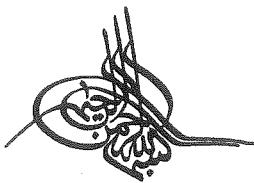
تعداد سپاه اسلام: ۷۰۰ نفر به همراه تعداد کمی اسب و شتر

تعداد شهدای سپاه اسلام: ۷۰ نفر از جمله حمزه (عمومی پیامبر) که به دست وحشی، غلام هند همسر ابوسفیان به شهادت رسید.

صدما تی که در این جنگ به پیامبر رسید:

۱. مجروح شدن پیشانی؛
۲. شکسته شدن دندان رباعی سمت راست پیامبر؛
۳. زخمی که به چهره رسول خدا وارد شد. این زخم به قدری شدید بود که حلقه های کلاه خود در گونه های پیامبر فرو رفت. «ابوعبیده جراح» این حلقه ها را با دندان های خود درآورد و چهار دندان او در این بین شکست.^۱

۱. پیشین، فروع ابديت، تاريخ اسلام.



گلباران

ویژه برنامه ولادت امام باقر (ع)

نمونه برنامه‌های پیشنهادی جهت برگزاری مراسم جشن تولد امام باقر (ع) که این برنامه‌ها توسط دانش آموزان شرکت کننده در کلاس‌ها و با مشورت و کمک مربی از قبل آماده می‌شود تا در روز شنبه بعد از نماز مغرب و عشا در تاریخ ۱۰/۵/۸۴ اجرا شود.

۱. آماده سازی گل‌های کاغذی و رنگ آمیزی آن‌ها توسط دانش آموزان ابتدایی و تزیین محل برگزاری جشن.
۲. تزیین محل جشن با کمک دانش آموزان راهنمایی، مثل نوشتن تراکت جشن با جمله‌هایی نظیر «جشن میلاد مبارک» و احادیث کوچک تربیتی، اخلاقی از امام باقر (ع) با خط زیبا.
۳. بسته‌بندی هدایای جشن (شیرینی - شکلات، جایزه و...) و نوشتن احادیث کوتاه و جاسازی در داخل بسته‌ها.
۴. نوشتن دعوت‌نامه و فرستادن به خانواده دانش آموزان برای شرکت در جشن میلاد. لازم به ذکر است که هنگام ورود، دعوت‌نامه‌ها گرفته شود و با بسته شکلات از آن‌ها استقبال گردد. همچنین دعوت از مسئولان محلی، مثل امام جمعه، شهردار و... برای شرکت در مراسم.

۵. روزنامه دیواری با سرفصل‌های شعر، مسابقه، جدول، معما، لطیفه، داستان توسط دانش‌آموزان با راهنمایی مربی با تقسیم بچه‌ها به گروه‌های ۲، ۴ ... نفره.
۶. ایجاد ایستگاه صلواتی در محل جشن و پذیرایی از میهمانان با همکاری مردم.
۷. تشکیل گروه سرود و تمرین سرود انتخاب شده جهت جشن میلاد.
۸. مربی می‌تواند یکی از بچه‌ها را به عنوان مجری که برنامه‌ها را اعلام نماید، انتخاب کند.

اجrai بونامه:

تلاؤت آیاتی از قرآن کریم

مربی یکی از بچه‌ها را که با صدای زیبا می‌تواند قرآن را بخواند، انتخاب کند.
مربی خیر مقدم را خودش یا یکی از مسؤولان محلی انجام دهد و از شرکت کنندگان، پدران و مادران حاضر در جلسه تشکر کند.
در شروع برنامه چند تا سؤال می‌پرسم. آماده‌اید؟ بله.

یک هفته چند روز است؟ هفت روز. من عدد **۷** را روی کارت نوشتم.

هفتمین ماه قمری چیست؟ رجب

حالا بگویید هفتمین مخصوص کدام است؟ امام باقر علیه السلام

من دانید امام چندم است؟ بله، پنجم **۵**

سه تا کارت داریم. من دو تا عدد را این طوری کنار هم می‌گذارم چه شد؟

۵

۷

۵۷

رجب

این دو عدد و کلمه چه ارتباطی با هم دارند؟ گوش کنید تا ماجرای تولد امام را برایتان بگوییم.

اول ماه رجب سال ۵۷ هجری قمری بود. مدینه حال و هوای دیگری داشت. در آن روز نوزادی متولد شده بود که همه را شادمان کرد. همه خوشحال بودند به ویژه پدر بزرگش، امام حسین^{الله علیه السلام} و پدر گرامی اش امام زین العابدین^{الله علیه السلام} همه برای عرض تبریک به خانه امام سجاد^{الله علیه السلام} می‌آمدند. توی آن خانه از گل‌های جور و اجور پُر بود. «ام عبدالله» کنیه مادر این نوزاد است که نامش فاطمه بود. او نیز فرزند خود را با شادمانی نزد پدرش آورد. خانه امام سجاد^{الله علیه السلام} غوغای بود. چقدر این کودک دوست داشتنی بود. رسم بر این بود که پدر یا پدر بزرگ اسمی برای فرزندشان انتخاب کنند. اما چه اسمی برای ایشان انتخاب شد. امام سجاد^{الله علیه السلام} فرزند خود را بوسید و به یاد ماجرایی افتاد که سال‌ها قبل زیان به زیان برای ایشان بیان شده بود. او از پدرش، امام حسین^{الله علیه السلام} و او نیز از پدرش، حضرت علی^{الله علیه السلام} و ایشان از رسول خدا(ص) نقل نمود که پیامبر(ص) به یکی از یاران خود که «جابر» نام داشت، چنین فرمود: «ای جابر! تو زنده می‌مانی. عمرت طولانی می‌شود. یکی از فرزندان مرا که از فرزندان حسین^{الله علیه السلام} است و نامش محمد است، ملاقات می‌کنی. او کسی است که علم مرا می‌شکافد و نشر می‌دهد. سلام مرا به او برسان. امام سجاد^{الله علیه السلام} به افرادی که در خانه منتظر بودند تا اسمی برای این کودک انتخاب کند، فرمود: «من همان اسمی را برای این فرزندم

برمی گزینم که رسول خدا(ص) انتخاب کرده است. چه اسمی؟ بله، محمد! چه
اسم زیبایی، همان اسم جدش، رسول خدا(ص)
حالا آماده اید شعر «میلاد» را بخوانم^۱

سوی مدینه سر بزنید	ای فرشته‌ها پر بزنید
بهر تماشا صف بزنید	دور خونه شو دور بزنید
میلاد امام باقر است(۲)	نقل بپاشید و شادی کنید
گل کنار گل چهره گشا	بلبل همه جا نغمه سرا

جشن گلباران شد همه جا(۳)

میلاد امام باقر است(۲)	نقل بپاشید و شادی کنید
نورش تا به هفت، آسمونه	مزده شهر ما چراغونه
همه جا جشن و گلبارونه	قلب شیعیان شادمونه
میلاد امام باقر است(۳)	نقل بپاشید و شادی کنید
روح امامت آمده	شمس هدایت آمده
نور محمد آمده	وارث علم نبوی
میلاد امام باقر است(۴)	نقل بپاشید و شادی کنید

در ادامه، یکی از دانشآموزان حکایتی از امام محمد باقر علیه السلام را برای شما می خواند.^۵

۱. عبدالله بحرانی اصفهانی؛ عوالم العلوم و المعارف؛ مدرسه الامام المهدی(عج)، قم؛ ج ۱، ۱۳۶۳، ص ۲۰.

۲. مریم این شعر را می تواند در قالب گروه سرود تمرین و اجرا نماید. بیت آخر پس خوانی است که شرکت کنندگان تکرار کنند آنها که نامشان محمد و باقر است هنگام سرود خواندن وارد مجلس و جایگاه شوند.

۳. مریم می تواند، حکایت را از روزنامه دیواری بچه‌ها که از قبل آماده شده است، انتخاب کند.

شترش را کنار کوچه به درختی بست و وارد مسجد شد. مسجد خلوت بود. مرد غریب نمازش را خواند و سلام داد. بعد به مردی که پهلویش مشغول اقامه نماز بود، خیره شد. بسیار مهربان بود. مرد فهمید عطیری که هنگام نماز احساس می‌کرد از اوست. دست‌هایش را بلند کرد و گفت: «خدایا! ما را به راه راست هدایت کن. خدایا! ما را از همه مردم بی‌نیاز گردان». آن مرد مهربان از جا بلند شد. به مرد غریب سلام کرد و کنارش نشست و گفت: «ای برادر! چنین نگو، بلکه بگو: «خدایا! ما را از مردم بد بی‌نیاز فرما، چون انسان به آدم خوب نیاز دارد». مرد مهربان خدا حافظی کرد و از مسجد بیرون رفت. مرد غریب نگاهی به او کرد و با خود گفت: «چه کلام زیبایی گفت». در همین وقت شخصی وارد مسجد شد. مرد غریب از او پرسید: «این مرد مهربان که الآن از مسجد بیرون رفت که بود؟ مرد گفت: «جه طور او را نشناختی؟ او امام پنجم شیعیان، امام محمد باقر العلیا بود». مرد غریب آهی کشید و با تعجب گفت: «او محمد باقر العلیا بود؟ ای کاش او را زودتر شناخته بودم». بعد دستاش را به طرف آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! ما را از مردم بد بی‌نیاز کن^۱.

مسابقه

در این قسمت می‌خواهیم مسابقه‌ای اجرا کنیم. آن‌هایی که آمادگی دارند، دست‌ها را بالا بگیرند. من نه تا سؤال می‌پرسم و شما جواب سؤال‌های من را خواهید گفت. پس این کلمه‌ها را خوب به خاطر بسپارید که در پایان می‌خواهیم پیامی از آن‌ها به دست آوریم.

سؤال‌های مسابقه

۱. حسین الشاکری؛ موسوعه المصطفی و عترته؛ الهادی، قم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸۱۹.

۱. سخت ترین دوران امامت امام باقر^{علیه السلام} در زمان خلافت... بن عبدالملک بوده است.
۲. به معنای هجوم، تاخت و تاز است.
۳. عربی این کلمه به معنای گریزان و گریزندگ است.
۴. لقب معروف امام دهم^{علیه السلام} است.
۵. امام باقر^{علیه السلام} به فرزندشان امام صادق^{علیه السلام} سفارش کرد که ای فرزندم! وقتی که خدا به تو نعمتی عطا کرد به شکرانه آن بگو..... لله.
۶. قیام خونین مردم علیه نظام شاهنشاهی و رحلت امام خمینی (ره)
در این ماه اتفاق افتاد.
۷. یکی از پاک کنندگان که ما به آن دسترسی نداریم که اگر سه حرف اولش را برداریم، پاک کننده دیگری می‌شود.
۸. سؤال راحت این بار غذای ساده بیمار
۹. امام باقر^{علیه السلام} دوران کودکی خود را با کدام خلیفه ستمگر سپری کردند.

کلمه‌هایی که به دست آوردید:

الحمد	هادی	هارب	بورش	هشام
۵	۴	۳	۲	۱

یزد	آش	آفتاب	خرداد
۹	۸	۷	۶

حالا همه شما، حروف اول و آخر هر کلمه را کنار هم بگذارید تا با مجموع آنها بیامی درست شود که سخن امام باقر الکاظم است.

«همیشه به یاد خدا باشید^۱

بله، بجهه‌ها! ما نباید خدا را فراموش کنیم، بلکه هر جا که هستیم به یاد خدا باشیم. می‌دانید یاد خدا چه اثری در ما می‌گذارد.

بله، با یاد خدا روح ما آرامش خاصی به خود می‌گیرد. در قرآن نیز خداوند به ما چنین سفارشی نموده است و می‌فرماید: «الابذکر الله تطمئن القلوب^۲» آگاه باشید. تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

در پایان شعری زیبا برای شما بجهه‌ها می‌خوانم.

سپیده صبح دوباره سر زد

پرنده شب دوباره پر زد

خروس خانه ترانه سرداد

وقت سحررا به من خبر داد

بیرون آمدم در هوای باز

وضو گرفتم برای نماز

دیدم نشسته گنجشکی زیبا

بر روی شاخه آرام و تنها

جیک جیک می‌کرد در آن صبح زود

گویی که او هم یاد خدا بود

۱. جواد فاضل، معصوم هفتم؛ ص ۱۳.

۲. سوره رعد، آیه ۲۸. «یک بار آیه را مرتبی بخواند و بجهه‌ها تکرار کنند.»



شیعه مخلص

ویژه برنامه ولادت امام جواد^{علیه السلام}

برنامه‌ای که تهیه شده است ویژه ولادت امام نهم می‌باشد که مربی محترم می‌تواند آن را به کمک دانش‌آموزان خود، با هماهنگی قبلی در شام ولادت (شب چهارشنبه) در مسجد، یا حسینیه محله اجرا نماید.

لازم به ذکر است مراحلی را که دانش‌آموزان باید اجرا نمایند در روزهای قبل به خوبی تمرین نمایند تا در وقت اجرای برنامه به خوبی آنرا ارایه دهند.

این برنامه از مقدمات و بخش‌های زیر تشکیل می‌شود:

۱. تزیین مسجد، یا محل اجرای برنامه (به کمک دانش‌آموزان، اهالی، پایگاه

مقاومت مسجد و...) و پذیرایی از میهمانان با شربت و شیرینی و با

بسته‌های نقل به مناسب ولادت توسط دانش‌آموزان در مسجد.

۲. اعلان وقت و محل مراسم به کمک دانش‌آموزان به اهالی و اولیای

بچه‌ها.

۱. این ویژه برنامه شامل دو بخش: بخش اول با عنوان «شیعه مخلص» قابل اجرا در مسجد یا حسینیه و بخش دوم با عنوان «رایحه خوشبو» مخصوص دانش‌آموزان دختر برای اجرا در محل برگزاری کلاس‌های درس می‌باشد.

۳. اجرای دکلمه توسط دو نفر دانشآموز ابتدایی پسر که متن آن در لابه لای درس می‌آید. مربی باید در طی چند جلسه با دانشآموزان آن را تمرین نماید.
۴. اجرای نمایشنامه «شیعه مخلص» توسط پسران راهنمایی در طی برنامه.
۵. اجرای مسابقه توسط روحانی طرح در خلال برنامه که در صورت امکان هم پدران، هم مادران و هم دانشآموزان در مسابقه شرکت کنند.
۶. طرح یک سؤال عمومی توسط روحانی یا مجری برنامه در طول برنامه و جمع‌آوری جواب‌ها و قرعه‌کشی بین جواب‌های صحیح و اهدای جوايز.
۷. نمایشنامه‌ای هم ویژه دختران راهنمایی و ابتدایی تهیه شده است که مربی آن را به دانشآموزان می‌دهد تا با تمرین آن را در روز ولادت امام برای بقیه دختران به اجرا درآورند. در پایان مسابقه‌ای هم تهیه شده است که اجرا می‌گردد.

موضوع: برنامه‌ای که در شام ولات در مسجد اجرا خواهد شد.

- مربی از بین دانش‌آموزان خود، یا از بچه‌های پایگاه، یک نفر را به عنوان مجری برنامه انتخاب می‌نماید.
 - توجه کنید که مجری باید به قدری توانمند باشد که توانایی اداره برنامه را دارا باشد. (با اعلام به موقع برنامه‌ها، خواندن بعضی از اشعار دو بیتی یا بیان کلمه‌هایی که به برنامه ولادت مربوط باشد. همچنین باید بتواند قسمت‌های مختلف برنامه را به همدیگر پیوند مناسب دهد.)
 - انتخاب یک نفر به عنوان قاری که چند آیه از قرآن را تلاوت نماید.
 - اعلام برنامه‌ها توسط مجری
۱. خواندن دکلمه، که توسط دو نفر از دانش‌آموزان اجرا می‌شود.
 ۲. اجرای مسابقه توسط روحانی محترم که دارای سه بخش می‌باشد.
 ۱. مسابقه‌ای برای والدین (با طرح یک سؤال)
 ۲. مسابقه‌ای برای دانش‌آموزان ابتدایی
 ۳. مسابقه‌ای برای دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان
 ۳. اجرای نمایشنامه توسط دانش‌آموزان
 ۴. اهدای جایزه به برنده‌گان «پاسخ به سؤال عمومی» که روحانی طرح کرده بود.
 ۵. تقدیر و تشکر از میهمانان همراه با پذیرایی شربت و شیرینی

موضوع: دکلمه

اجرا: توسط دو نفر از دانشآموزان ابتدایی پسر

محل اجرا: مسجد محله در شام ولادت

این دکلمه توسط دو نفر از دانشآموزان اجرا می‌شود. به این صورت که هر بخش آن را یکی از دانشآموزان می‌خواند هر چند هردو در وقت اجرا با هم حضور دارند.^۱

نفر اول:

او دوستدار مؤمنان بود

او سینه‌ای چون آسمان داشت

با هر کسی او مهربان بود

در سینه قلبی مهربان داشت

نفر دوم:

او بود در پرهیزکاری

تنها جوان روزگارش

بخشنده بود و دستگیری

از بینوایان بود کارش

۱. در صورت امکان در ابتدای برنامه خوانده شود.

نفر اول:

نام عزیز او جواد است

او پیشوای شیعیان است

بین ده و دو ماه تابان

ماه نهم در آسمان است

نفر دوم:

همواره در دل‌های مردم

او دانه‌های علم می‌کاشت

آن قدر دانا بود و عالم

که دشمنش هم دوستش داشت

نفر اول:

خورشید دانش در دلش بود

با آن که او خیلی جوان بود

او بود مانند گل سرخ

خوشبوترین گل در جهان بود

«جعفر ابراهیمی»

مسابقه **محل اجرا: شام ولادت در مسجد محله**

توجه: این مسابقه توسط مربی اجرا می‌شود و از سه بخش تشکیل شده است:
با سلام خدمت شما حاضران در این محفل نورانی، دانشآموزان و والدین محترم
آن‌ها! مسابقه من از سه بخش تشکیل شده است.

۱. سؤالی را مطرح می‌کنم که مخصوصاً والدین محترم است که لازم است
جواب‌ها را در برگه‌هایی که دو نفر از دوستان من پخش می‌کنند،
بنویسید و تحويل آن‌ها بدھید تا به قید قرعه به ۳ نفر هدیه‌ای تعلق
گیرد.

* سؤال: **آن چیست که اولش کفر و آخرش توحید است؟**^۱

۲. این بخش از مسابقه مربوط به دانشآموزان ابتدایی است.
حالا دانشآموزانی که دوست دارند در مسابقه شرکت کنند، دستهای خود را بالا
بیاورند.

من چهار نفر را انتخاب می‌کنم. توجه کنید که در هر مرحله، پاسخ‌های شما
امتیاز دارد. در پایان به کسی که امتیاز بیشتری بگیرد، جایزه‌ای خواهیم داد.
پس من سؤال‌هایی را به ترتیب می‌پرسم. هر کس امتیاز بیشتری کسب نماید،
برنده است.

۱. کلمه طیبه «لا اله الا الله» که قسمت اول آن یعنی «لا اله» هیچ خدایی وجود ندارد و در قسمت دومش «الا
الله» وجود خدا ثابت می‌شود.

مجتبی

۱. لقب معروف امام دوم:

۲. شهیدی که امام حسین علیه السلام بر زخم پیشانی اش دستهال بست؟ خر

مدینه

۳. شهر پیامبر:

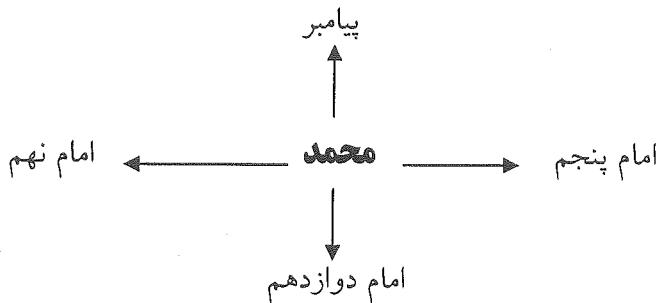
دوست

۴. یار و رفیق:

حالا بگویید: اگر حرف اول این کلمه‌ها را کنار هم قرار دهیم، چه واژه‌ای به
دست می‌آید؟

محمد

بگویید ببینیم چند معصوم داریم که نامشان محمد است؟



کدام یک از معصومان در سن گودگی به امامت رسیدند؟ بله، امام نهم و

امام دوازدهم

مدینه

چه کسی می‌تواند بگوید که محل ولادت امام نهم کجا بود؟

بله هر چهار نفر را با صلوات بدرقه می‌کنیم تا بنشینند.

و اما مسابقه راهنمایی‌ها:

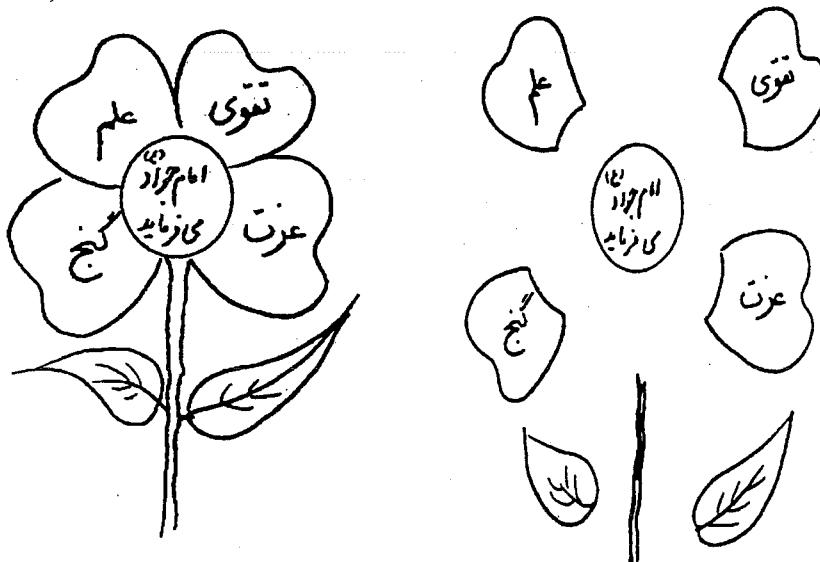
سؤالی می‌پرسم تا ببینم چه کسی جواب درست می‌دهد تا در مسابقه ما
شرکت نماید!

۱. مریم محترم توجه نماید که در صورت امکان می‌تواند از پدرها هم در مسابقه استفاده نماید.

امام جواد^{علیه السلام} و امام زمان(عج) که در سن کودکی به امامت رسیدند، چند سال داشتند؟ من چهار نفر را که پاسخ را درست دادند، انتخاب می‌کنم. بله، امام جواد در ۸ سالگی و امام زمان در ۵ سالگی به امامت رسیدند.

این چهار نفر نیز در قالب دو گروه دو نفره به مسابقه خواهند پرداخت.^۱

امام جواد^{علیه السلام} جمله‌ای بسیار زیبا و پر معنا دارد که ما آن را در چهار کلمه در کارت‌ها نوشته‌ایم و این دو گروه ۲ دقیقه وقت دارند تا با نصب کارت‌ها بر روی دیوار، گل را درست کنند و سپس این چهار کلمه را که دو به دو به همدیگر مربوط هستند را برای ما در برگه‌ای که در دستشان هست، بنویستند.



۱. مریمی از قبیل مطابق طرح از هر کارت برای مسابقه دو گروه، به تعداد مناسب کارت تیهه کند.

بر روی برگه‌هایی که در دست دارند تحویل دهند.^۱
با تشکر از هر دو گروه که در این برنامه ما را یاری دادند. هر دو گروه را با یک
صلوات محمدی تشویق کنید.^۲

۱. مربی محترم! برای این‌که کار شما آسان شود، ابتدا گل را به صورت کامل بکشید و سپس آنرا مثل شکل
بالا از هم جدا کنید. امام جواد می‌فرماید: «تفوا عزت است و علم، گنج است، «التقوی عز، والعلم کنز و...» کتاب
زندگانی امام جواد^{علیه السلام}، ص. ۷۹.

۲. در صورت کمبود وقت می‌توانید با تعداد کمتر فقط یک گل برش بزنید و همه یچه‌ها گل را روی دیوار
بسازند تا هر کس زودتر واژه‌ها را به هم پیوند داد برآنده شود.
توجه: برای چسباندن تکه‌های گل روی دیوار می‌توان از چسب نواری استفاده کرد و یا اگر در دیوار مسجد تخته
وایت برد هست، تکه‌های آهن ربا را پشت کارت‌ها بچسباند تا روی وایت برد نصب شوند. اگر هیچ‌کدام ممکن
نبود از قبل مربی یک مقوای بزرگ روی دیوار نصب کند تا تکه‌های گل روی آن مقوا به هم پیوند داده شوند.

نمايشنامه «شيعه مخلص»

مقطع: راهنمایی پسران

محل اجرا: مسجد محله در شام ولادت

دو راوی با لباس عربی در حال صحبت (طوری که جماعت نشنوند) وارد صحنه می‌شوند.

راوی ۱ (احمد): راستی ابراهیم آن روز را به یاد داری؟

راوی ۲ (ابراهیم): کدام روز؟

راوی ۱: همان روزی که در محضر امام نهم بودیم و از سخنان زیبای امام استفاده می‌کردیم، یکی از شیعیان در حالی که خیلی هم خوشحال و خندان بود به حضور امام جواد علیه السلام رسید. (توجه بازیگر نقش صحابه در این صحنه با حالت شادمانی وارد می‌شود) او پس از سلام و احوالپرسی نزد امام نشست.

راوی ۲: آری، خاطرم هست که امام فرمود: «ای مرد! خیلی شادی، علت شادی ات چیست؟»

بازیگر نقش صحابه: ای پسر رسول خدا! از پدرت شنیدم که فرمود:

«سزاوارترین روز برای شادی کردن، روزی است که خدا به انسان توفیق نیکی کردن و انفاق نمودن به برادران دینی را بدهد. «من هم امروز به ده تفر از برادران دینی ام که خیلی فقیر و نیازمند بودند و پیش من آمده بودند، با دادن پول و آذوقه کمک نمودم. از این رو خوشحال هستم.»

راوی ۱: امام فرمود: سوگند به جانم، سزاوار است خوشحال باشی؛ البته به شرطی که عمل نیک خود را پوج نسازی و از بین نبرده باشی.»

بازیگر نقش صحابه: ولی آقا! من از شیعیان خالص شما هستم. پس چگونه ممکن است عمل نیک خود را پوچ کنم؟

راوی ۲: امام فرمود: «همین که گفتی من از شیعیان خالص هستم؛ چون شیعه خالص بودن کار ساده‌ای نیست.

بازیگر نقش صحابه: آقای من! آخر چگونه؟ برایم توضیح دهید تا بیشتر بفهمم؟

راوی ۱: امام چنین فرمود: آری مرد! خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذين آمنوا لا تبطلوا صدقاتكم بالمن والاذى^۱». ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بخشش‌های خود را با منت و آزار باطل نسازید.

بازیگر نقش صحابه: ای پسر پیامبر! من به آن افرادی که صدقه دادم، منتی نگذاشتم و آزار ننمودم.

راوی ۲: امام فرمود: خدا می‌فرماید که صدقاتی که می‌دهید با منت باطل مکنید. منظور از منت‌گذاری فقط منت بر کسی که به او صدقه داده است، نمی‌باشد، بلکه اگر اظهاری که به هر نحو حاکی از منت‌گذاری باشد موجب ابطال عمل می‌شود. حالا به نظر تو این منت و اذیت بر افرادی که صدقه دادی، شدیدتر است و یا بر فرشتگان مراقب اعمال تو و یا آزار به ما؟

بازیگر نقش صحابه: آقا جان! البته آزار به فرشتگان و آزار به شما شدیدتر است.

راوی ۱: امام فرمود: «تو فرشتگان و مرا آزدی و بخشش خود را باطل نمودی.»

۱. بقره، ۲۶۴، (در صورت امکان یکی از دانش‌آموزان بالحن قرآنی، آیه را تلاوت نماید).

بازیگر نقش صحابه: «مولای من! چگونه کارم را باطل نمودم و شما را آزار داد؟»

راوی ۲: امام به او فرمود همین که گفتی: «چگونه باطل نمودم و حال آن که من از شیعیان خالص شمایم!» آری همین ادعای بزرگ تو مرا آزار داد.

ای مرد! آیا می‌دانی شیعه مخلص ما کیست؟

راوی ۱: شیعه خالص ما افرادی چون اباذر، سلمان، عمار و... هستند و تو خود را در صف چنین افراد برجسته قرار می‌دهی و با این ادعا به ما و فرشتگان آزار و اذیت می‌رسانی.

راوی ۲: آری، به خدا خوب به یاد دارم که آن مرد به گناه و تقصیر خود اعتراف نمود و طلب استغفار کرد و از گفته‌های خود اظهار پشیمانی کرد.

بازیگر نقش صحابه: سرورم! اگر نگویم شیعه خالص شما هستم. پس چه بگوییم؟

راوی ۱: امام فرمود: «بگو من از دوستان شما هستم، دوستان شما را دوست دارم و با دشمنان شما دشمن هستم.»

بازیگر نقش صحابه: آقا! من از دوستان شما هستم و دوستانتان را دوست دارم و از دشمنان شما بیزارم.

راوی ۲: امام فرمود: «اکنون پاداش آن بخشش‌هایت که انجام داده‌ای به تو برمی‌گردد!»

۱. برگرفته از داستانهای شنیدنی از ۱۴ مقصوم محمدی اشتها ردی، انتشارات نبوی، پاییز ۷۲، بخار، ج ۲۶، ص ۱۵۹.

راوی ۱: ای ابراهیم! به خدا از آن روز تصمیم گرفتم با تمام دوستان امامان
دوستی کنم و از دشمنانشان دور باشم.

راوی ۲: به راستی باید چنین باشیم. باید اعمال و رفتارمان طوری باشد که امامان
را خوشحال نماید تا خود را در زمرة بهترین شیعیان آن‌ها قرار دهیم.

راوی ۱: به امید آن روز.

دو راوی در حالی که با هم صحبت می‌کنند از صحنه خارج می‌شوند و بازیگر
نقش صحابه هم همزمان با صحبت آن دو نفر در قسمت پایانی از صحنه خارج
می‌شود.

نَسْعَ الْفُرْقَانِ الْمُبِينِ

رایحهٔ خوشنیو

به نام خدایی که او به خورشید گفته بتاب
جهان را پر از نورکن و زمین را پر از آفتاب

سلام! شاداب و با نشاط باشید.

همان طور که می‌دانید امروز روز ولادت با سعادت امام نهم ما، یعنی؟

بله، امام محمد تقی (جوادالائمه) است.

این روز با سعادت را به شما تبریک می‌گوییم و برنامه امروز را با صلوات بر
محمد و آل محمد شروع می‌کنیم. برای امروز یک ویژه برنامه داریم که از
بخش‌های زیر تشکیل شده است:

- در ابتدا چند نفر از دوستان راهنمایی شما، برای ما یک نمایشنامه زیبا آماده
کرده‌اند که اجرا می‌کنند.

- سپس مسابقه‌ای اجرا خواهد شد.

- در پایان هم یک شعر زیبا را دوست شما برای ما خواهند خواند.

حالا با یک صلوات به استقبال نمایشنامه دوستانتان می‌رویم.

نمایشنامه «رایحه خوشبوی مریم»

مقطع: راهنمایی و ابتدایی دخترانه

محل اجرا: مدرسه (کلاس)

مقدمه: این نمایشنامه توسط چهار نفر از دانش آموزان که دو نفر راوی و یک نفر نقش حکیمه، خواهر امام رضا^{علیه السلام} و دیگری نقش پرسشگر را بازی می کند، اجرا می شود. در صورت امکان از لباس های سنتی استفاده شود و محل اجرا تزیین شود.

راوی ۱: (در حالی که چند قدم به طرف تماشاچی ها برمی دارد، چنین شروع به سخن می کند):

همچون نگینی زیبا، در میان حلقة انگشتی دوستان و یارانش می درخشید. کار و کردار و گفتارش همه سنجیده و درست بود. کلامش به نسیمی می ماند که به آرامی بر سطح امواج دریاها می وزید و بوی ایمان و امید و زندگی را در همه جا می پراکند. پیامبر خدا سخن بر زبان نمی آورد، مگر آنکه در آن حکمتی عظیم نهفته بود.

راوی ۲: آن روز هم نزد تنی چند از یاران، غنچه لبانش چنین شکفته شد: «پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد! کنیزی از مردم «نویه» که از طایفة «ماریه قبطیه» و زنی پاک سرشت است.

راوی ۱: یکی از کسانی که در محضر پیامبر بود از دوست خود پرسید: یعنی از طایفة همسر رسول خدا(ص)؟

راوی ۲: همراه مرد سرش را به علامت تصدیق پایین آورد و گفت: «آری براذر!»

راوی ۱: مرد اول دوباره پرسید: «حالا این توصیف مربوط به چه کسی می باشد؟»

راوی ۲: دوست او پاسخ داد. باید اشاره به فرد خاصی باشد. راستی هم این زن گرانقدر کیست؟ بهتر است از خود پیامبر بپرسیم.

راوی ۱: آری، شاید تا آن روز کسی نمی‌دانست که پیشگویی پیامبر اسلام در باره همسر پیشوای هشتم شیعیان جهان، سالیان سال بعد به وقوع می‌بینند و «خیزان» بانوی با کمال همسر هشتمین گل بوستان محمدی می‌شود و زندگیشان با رایحه ولادت امام جواد شور و نشاط دیگری می‌یابد.

راوی ۲: (به طرف تماشچیان می‌رود و خطاب به آنها می‌گوید) بله دوستان! اما بشنوید جریان ولادت امام جواد را^۱

- پرسشگر: راستی «حکیمه» خاتون، یادم هست که گفتی در شب ولادت امام جواد حضور داشتی، از آن‌روز برایم بگو.

حکیمه: باشد خواهر! برایت می‌گوییم. روزی برادرم امام رضا^{العلیله} رو به من کرد و فرمود:

راوی ۱: حکیمه! جان! امشب را در خانه ما بمان. با تو کار دارم.

حکیمه: گفتم، هر طور شما بفرمایید.

پرسشگر: مگر آن شب قرار بود اتفاق خاصی بیفتد؟

حکیمه: آری، ساعتی بعد قابله‌ای که خبر کرده بودند، رسید.

حضرت رضا به من فرمود: «خواهر! جان! با قابله به اتاق خیزان برو.

از جای خود برخاستم. برادرم نیز همراهم شد و به اتاق خیزان رفتیم. خودش چراغ را روشن کرد و در را بست و رفت.

پرسشگر: آن وقت چه اتفاقی افتاد؟

حکیمه: لحظاتی نگذشته بود که درد سراسر وجود خیزان را فرا گرفت. چراغ اتاق ناگهان خاموش شد. من بسیار اندوه‌گین شدم، ولی ناراحتی ام دقایقی بیش

طول نکشید، زیرا با به دنیا آمدن امام جواد^{العلیله} اتاق مثل روز روشن شد.

۱. در این صحته، بازیگر نقش حکیمه خواهر امام رضا و بازیگر نقش پرسشگر وارد می‌شوند.

پرسشگر: بعد، چه شد؟

حکیمه: اندکی بعد، برادرم وارد اتاق شد. نوزاد را برداشت و در گهواره گذاشت.
سپس رو به من کرد و فرمود:

راوی ۲: خواهر جان! همینجا کنار گهواره بمان.

حکیمه: سه روز از میلاد فرزند برادرم می‌گذشت. دیدم کودک چشم به آسمان
دوخت. آن‌گاه به سمت چپ و راست نگاهی کرد و جمله‌ای بر زبان جاری
کرد!

هرasan و شگفت زده خودم را به امام رضا^{علیه السلام} رساندم و آنچه را دیده و شنیده
بودم، بیان کردم. برادرم لبخند زد و فرمود:

راوی ۱: تعجب نکن حکیمه! شگفتی‌های زندگانی این نوزاد بسیار بیشتر از آن
است که می‌گویی؟

راوی ۲: آری! امامان ما حتی از نوزادی به جهت مقام بالایی که خدا به آنها عطا
کرده بود کارهایی مثل سخن گفتن را چون حضرت عیسی که در گهواره مردم را
ارشاد می‌کرد به راحتی انجام می‌دادند.

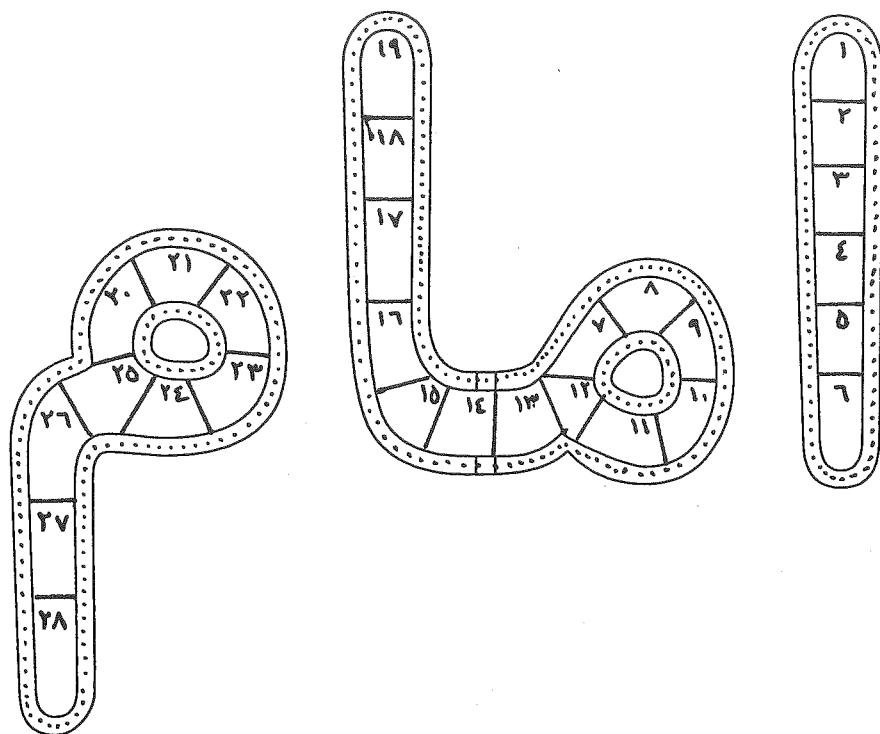
و اما برای این که بدانیم امام جواد^{علیه السلام} در کودکی در گهواره چه جمله‌ای را بر
زبان جاری کرد، بخشی از کلام امام را می‌نویسم و بقیه آن را از طریق اجرای
یک مسابقه به دست می‌آوریم.

امام جواد^{علیه السلام} فرمود: «شهادت می‌دهم که

۱. مریم محترم توجه داشته باشد که کلام امام جواد را به صورت مسابقه در ادامه برنامه و پس از پایان نمایشنامه برای دانش آموزان به اجرا درآورد.

۲. برگرفته از کتاب قصه‌های مادران معصومین، باغبان گل‌های آسمان و زمین، جواد نعیمی، ص ۱۱۵ تا ۱۱۸.

حالا من برای اجرای مسابقه دو نفر از ابتدایی و دو نفر از راهنمایی انتخاب می‌کنم^۱ تا هر کدام از ابتدایی‌ها با یک نفر از راهنمایی در قالب دو گروه جداگانه به پرسش‌های من پاسخ دهند تا پاسخ‌ها را در جدول قرار دهم.^۲



-
۱. مریب می‌تواند با مطرح کردن معما یا سؤال‌هایی در مورد امام جسود و یا حتی از متن نمایشنامه، افراد را انتخاب نماید.
 ۲. پاسخ‌ها عبارتند از: ۱- دود ۲- خام ۳- حاکم ۴- داور ۵- دست ۶- سوت ۷- ست ۸- فنا ۹- تهی



۱. سیاه است، ولی کلاغ نیست.
پرواز می‌کند، ولی پرنده نیست.
۲. هنوز ناپخته است.
پادشاه، فرمانروای.
۳. قاضی میدان.
۴. از سر انگشتان تا هچ را گویند.
۵. داور بازی به آن نیاز دارد تا داوری کند.
۶. هر قسمت از (گیم) والیبال را گویند.
۷. نیستی و نابودی.
۸. خالی - ضد پُر.

حالا هر دو گروه یک دقیقه فرصت دارند تا حروف جدول را یک در میان کنار هم قرار دهند^۱ و کلام امام را حدس بزنند. آفرین به هر دو گروه و شما بچه‌های زرنگ!

بله، امام جواد ع در گهوار چنین فرمود: «شهادت می‌دهم که خداوند یکتاست و محمد فرستاده اوست»

من هم ولادت با سعادت امام جواد ع را به شما تبریک می‌گویم.
حالا پایان بخش برنامه امروز، شعری است که یکی از دوستانتان آن را می‌خواند و ما با هم گوش می‌کنیم^۲. البته با ذکر یک صلوات بر محمد و آل محمد.

۱. در برگشت خانه اول که خ است دیگر نوشته نمی‌شود.
۲. از قبل با یکی از دانش‌آموزان هماهنگی لازم صورت گیرد تا با آمادگی کامل شعر خوانده شود.

درخت خشک سدر گفت:
چه لاغر و تکیده‌ام
و سال‌ها میان خواب
به جز تبر ندیده‌ام
نمی‌پرد پرنده‌ای
به روی دست‌های من
نسیم هم نمی‌وزد
به این طرف برای من
کجاست آن پرنده‌ای
که لانه داشته در دلم
و با، نوکش هزارها
ترانه کاشت در دلم
درخت گفت و گفت و گفت
امام ایستاده بود
و حرف‌های سدر را
تمام گوش داده بود
تمام رنج و غصه را
به یک نگاه از او گرفت
و بعد پای آن درخت
نشست و او وضو گرفت
دو روز بعد سدر پیر
جوان شد و جوانه کرد
میان قلب سبز او
پرنده آشیانه کرد^۱

۱. شعر از محمد کاظم مزینانی.



جشن مولود کعبه

ویژه برنامه ولادت امام علی

نمونه برنامه پیشنهادی جهت برگزار کردن جشن میلاد امام علی:

۱. مربی در یکی از برنامه های درسی گذشته، مسابقه ای با عنوان «نامه تشکر آمیز به پدر» برگزار کرده است. از بین نامه های رسیده، یکی را به عنوان نامه برگزیده جهت فرائت در مراسم جشن انتخاب کند.
۲. برپایی نمایشگاهی از کارهای انجام شده در طول دوره، مثل نقاشی، کارهای دستی و... این نمایشگاه به صورت غرفه ای در کنار مکان برگزاری مراسم ایجاد شود تا پدران و مادران و مسؤولان از آن دیدن کنند.
۳. دعوت از مسؤولان محلی؛ شورای شهر و روستا، امام جمعه و...
۴. اهدای جایزه به منتخبان و فعالان طرح تابستانی توسط یکی از مسؤولان حاضر در جلسه.

«اجرای برنامه جشن مولود کعبه»^۱

ابتدا آیاتی از قرآن توسط یکی از دانشآموزان که صدای دلنشیینی دارد، تلاوت گردد.

ادامه برنامه: چند بیت شعر در مورد امام علی ^{القطیع} و میلاد ایشان می‌خوانم.	
جشن فرخنده میلاد علی است	دل ما خوش، همه با یاد علی است
خلق را چشم به امداد علی است	دل ما شاد، به ارشاد علی است
چشم ما روشن از این مولود است	بر همه عید علی، مسعود است

ولادت مولود کعبه، امام علی^{القطیع} را خدمت شما پدران، مادران، مسئولان محترم^۲ و شما دانشآموزان عزیز تبریک عرض می‌نمایم. برنامه بعدی ما داستان میلاد است که توسط یکی از دانشآموزان قرائت می‌شود.^۳

داستان میلاد

مقدس‌ترین سرزمین نزد عرب‌ها، کعبه بود. از زمانی که حضرت ابراهیم^{القطیع} این خانه را بنا نهاد. قرن‌ها می‌گذشت. نام کعبه را با احترام می‌بردند و برای انجام کارهای مهم خود در کنار کعبه تصمیم می‌گرفتند و عهدی که آنجا می‌بستند همه به آن پاییند بودند. گروهی از بنی‌هاشم کنار خانه کعبه اجتماع کرده و به عیادت خدا مشغول بودند که ناگاه دختر اسد - فاطمه - را دیدند که برابر خانه کعبه ایستاد و به آسمان خیره شد و گفت: «خدایا! ایمان آوردم به تو و به پیغمبر

۱. مریمی یا خودش مجری جلسه باشد، یا یکی از بجهه‌ها را که آمادگی بهتری نسبت به دیگران دارد، انتخاب کنند.

۲. مریمی مسئولان حاضر در جلسه را نام ببرد.

۳. مریمی از قبل فردی را جهت این کار انتخاب کند که به صورت دکلمه، داستان ولادت را بخواند. در همین هنگام - در صورت وجود - ماكت کعبه به وسیله لامپ، چراغانی شود.

و رسولی که فرستاده‌ای و به کتابی که با او نازل نمودی و تصدیق نمودم
گفته‌های جدم، ابراهیم که خانه کعبه را بنا کرد. تو را قسم می‌دهم به حق این
خانه و آن که این خانه را بنا نمود بر من ولادت فرزندم را آسان نما.

عباس بن عبدالملک که در گوشه‌ای شاهد این ماجرا بود، چنین می‌گوید:
«چون فاطمه این دعا را تمام کرد، دیدم دیوار عقب خانه کعبه شکافته شد و
فاطمه از آن رخنه وارد شد و از دیدگان پنهان گردید. دوباره شکاف خانه بسته
شد. هر چه کردند نتوانستند آن رخنه را باز کنند. متوجه شدند که از جانب
خداست. فاطمه سه روز درون کعبه بود. همه در تعجب بودند که چه اتفاقی
افتاده است. روز چهارم همان جای دیوار شکافته شد و فاطمه بیرون آمد. اما
دیگر تنها نبود، بلکه فرزند خود را در بغل داشت و می‌گفت: «ای مردم! به
درستی که حق تعالیٰ مرا از بین مردم برگزید و مرا بر زنان فضیلت داد چون
خواستم بیرون بیایم، ندا آمد که: ای فاطمه! این فرزند را از نام خودم علی
بگذار. او اولین کسی خواهد بود که بر روی خانه من اذان خواهد گفت و همین
جابت‌ها را خواهد شکست. اوست امام و پیشوای بعد از حبیب و برگزیده من.
خوشابه حال آنکه، او را دوست بدارد و وای به حال کسی که او را یاری نکند!»

۱. مربی این داستان را در اختیار یکی از دانش‌آموزان بگذارد تا فراتت کند. هنگام فراتت - در صورت وجود
امکانات - برخی ماجراهای از جمله شکافته شدن کعبه و بیرون آمدن فاطمه بنت اسد ... را تصویری انجام شود.

شیخ عباس قمی، متہی‌الامال، هجرت، قم، ۱۳۷۱ش، ج ۶، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۵.

«امیر دل‌ها»

علی ای شه و لایت

که تو آیت خدایی

سر و جان من فدایت

که جمال کبریایی

ز غمتم گدای شهرم

سر و پا بر هننه دارم

طلبم تو را ز هر در

به بیانه گدایی

علی ای ولی بر حق

علی ای فروغ یزدان

توبه ملک دل امیری

تو به دیده‌ها ضیائی

اگر از درم برانی

و گر از کرم بخوانی

نیم آنکه بشکنم عهد

که تو حاکم جزایی

علی ای شه و لایت

که تو آیت خدایی

کرمی به آه سردم

بنگر به رنگ زردم

بنما علاج دردم

که بدرد ما دوایی مولا

سر و جان من فدایت

که جمال کبریایی

بابی انت و امّی یا امیر المؤمنین^۱ بابی انت و امّی و بر هطی اجمعین

۱. در سرود خوانی به صورت «یا امیر المؤمنین» خوانده می‌شود. و رعطف به معنای قوم و قبیله می‌باشد.

بخش بعدی برنامه، مسابقه‌ای است که برای پدران محترم حاضر در جلسه اجرا می‌شود. افرادی را انتخاب می‌کنم تا مسابقه را اجرا نمایم^۱. پدرانی که جهت مسابقه می‌آیند یک کاغذ و قلم همراه بیاورند. من سؤال‌هایی از شما می‌پرسم. امیدوارم همه بجهه‌ها و همه حاضران در این جشن، پدران عزیز را با صلوات تشویق کنند.

من به مناسبت سیزدهم رجب، سیزده سؤال از شما می‌پرسم. دقت کنید وقتی جواب سؤال‌ها را می‌گویید، حرف اول آن را یادداشت کنید. آماده‌اید؟

پرسش‌های مسابقه^۲

۱. یکی از لقب‌های امام علی^{علی اللہ تعالیٰ کے} به معنای پیشوای مؤمنان می‌باشد.
۲. شبی که پیامبر(ص) هجرت کرد و امام علی^{علی اللہ تعالیٰ} در بستر ایشان خواهد.
۳. در این جنگ وقتی همه فرار کردند، امام علی^{علی اللہ تعالیٰ} به تنهاًی از اسلام و پیامبر(ص) دفاع کرد.
۴. پیامبر(ص) در مورد امام علی^{علی اللہ تعالیٰ} فرمود: «من شهر علم هستم و علمی... آن».
۵. اولین جنگ اسلام با مشرکان که در قرآن نیز از آن جنگ نام برده شده است.

۱. مربی پدرانی را که نامشان علی است، یا آن‌هایی که خودشان حاضرند در مسابقه شرکت کنند را به جایگاه دعوت کنند. البته تعداد محدودی باشد که توان اجرای برنامه را از مربی سلب نکند.
۲. جواب پرسش‌ها به ترتیب: امیر المؤمنین - لیله المیت - احمد - دروازه - بدرا خندق یعقوب - رسول مالک اشتر - یک - رعد - آخرت - ثامن الانمی.

۶. پیامبر(ص) فرمود: ضربت علی ﷺ در آن جنگ از عبادت جن و انس برتر است.
 ۷. پدری که در فراق فرزندش به واسطه گریه نایینا شد و در قرآن سوره‌ای به نام فرزند ایشان است.
 ۸. فرستاده شده از جانب خداست که جمع آن رسول است.
 ۹. از اصحاب امام علی ﷺ که عهد نامه آن در نهج البلاغه معروف است.
 ۱۰. اول عدده است بی شریک و تهافت.
 ۱۱. صدای به هم خوردن ابرها و نام سوره‌ای در قرآن.
 ۱۲. رسول خدا(ص) به امام علی ﷺ فرمود: «تو برادر منی و من برادر تو در دنیا و.... هستم.
 ۱۳. لقب امام رضا ﷺ به معنای هشتم از امامان. حالا یک دقیقه فرصت دارید تا پیام را درست کنید.
- امام علی ﷺ فرمودند: «الادب خیر میراث^۱» یعنی: ادب بهترین میراث است. پدران و مادران بهترین میراثی که برای بچه‌های خود باقی می‌گذارند، ادبی است که به فرزندان یاد داده‌اند چرا که چنین رفتاری نام پدر و مادر را نزد بچه‌ها و مردم زنده نگه می‌دارد.
- در ادامه برنامه از شما دعوت می‌کنم به یکی از کارهای بچه‌ها که انجام داده‌اند و آن «نامه تشکر آمیز به پدر» است، توجه فرمایید.

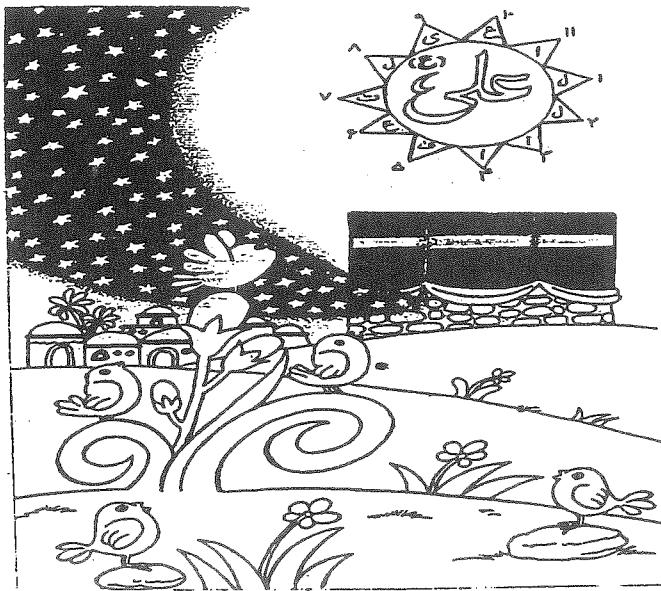
در پایان این قسمت مسؤول برگزار کننده جشن، آماری از فعالیت‌های انجام شده طرح تابستانی و کارهایی که جهت مراسم جشن انجام شده است را برای

۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی: تحف العقول، علمیه اسلامیه، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۹۱

اطلاع پدر و مادران و مسؤولان بیان می‌کند و در ادامه از یکی از مسؤولان شهر (امام جمیع یا...) می‌خواهد که سخنان کوتاهی بیان نماید. این جشن با شکوه با اهدای جوایز به برگزیدگان طرح نابستانی که توسط مسؤول محترم (امام جمیع یا...) پایان می‌یابد.

نقاشی کودکان جهت نمایشگاه جشن مولود کعبه

یک مسابقه هم برای بچه‌های عزیز تهیه شده است. تصویری در اختیارشان گذاشته می‌شود. هر که بهتر پیام را به دست آورد و نقاشی را رنگ کرد، هدیه به او داده می‌شود^۱. نقاشی ما یک پیام هم دارد. شما از خانه ۱ - ۱۱ به ترتیب یک در میان بشمارید تا پیام کامل شود.



-
۱. لازم به یادآوری است که این قسمت را مردمی از قبل اجرا کنند. برگه‌ها را در اختیار بچه‌ها قرار دهد تا نقاشی‌های آن را رنگ کنند و پیام جدول را حذف بزنند. هر که بهتر از عهده این کار برآمد، امتیاز بیشتری می‌گیرد و نقاشی‌های بهتر در نمایشگاهی در معرض دید تمام شگران قرار می‌گیرد. پیام: «لائقی الاعلى».

اسم الله الرحمن الرحيم

دوسستان پیگار نشیپیم

شما می توانید با اشیایی که در اطرافتان وجود دارد، کاردستی های جالب و زیبایی درست نمایید. در این کلاس چند وسیله را به شما معرفی می نمایم تا شما با سلیقه خود، کاردستی های زیبا درست نمایید.^۱

۱. در این مجموعه از کتاب های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز استفاده شده است.

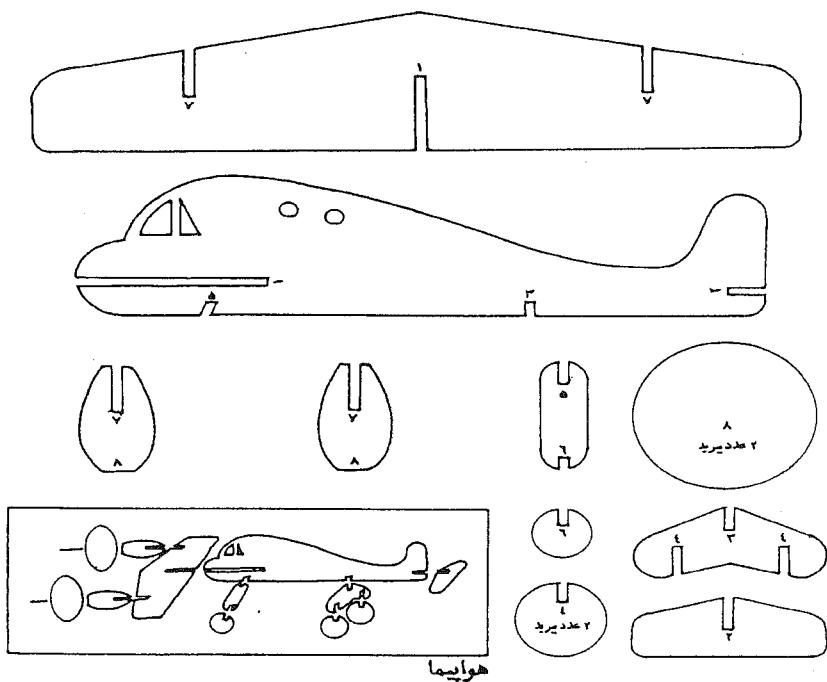
هوایپیمای مقواهی

وسایل لازم برای ساختن

۱. مقوا برای ساختن این وسیله بهتر است از مقوا کارتون استفاده شود.

۲. قیچی و تیغ برش (البته با احتیاط کامل و کمال دقت)

روش کار: طرح داده شده را روی مقوا به وسیله کاغذ نازکی کپی نمایید، یا با نوک مداد و خودکار روی خطوط آن محکم بکشید تا اثر مداد یا خودکار روی مقوا، بیفتند. سپس آنها را به وسیله تیغ یا قیچی ببرید. پس از برش، زبانه‌ها را داخل یکدیگر نمایید و طبق شماره، قطعه‌ها را به یکدیگر متصل نمایید. توجه نمایید که موتور هوایپیما به وسیله سوزن ته گرد به بال‌ها متصل شود.



تابلوهای پارچه‌ای

شما می‌توانید با استفاده از تکه پارچه‌های بی مصرف، تابلوهای زیبا درست کنید. قبیل از شروع کار به چند نکته توجه کنید. اول طرح کار را روی یک مقوای تمیز بکشید. سپس پارچه‌های لازم و مناسب را پیسا کنید. آنها را ببرید و

بچسبانید

وسایل لازم

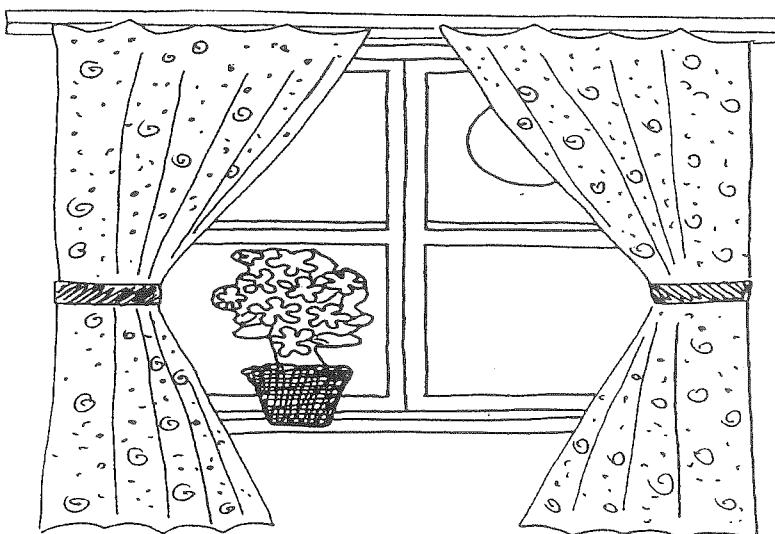
۱. پارچه‌های رنگی مختلف

۲. چسب

۳. قیچی

۴. مقوا

برای نمونه، اگر شما می‌خواهید یک گلدان با گل‌های رنگی بکشید، باید از پارچه‌های گلدار استفاده نمایید.

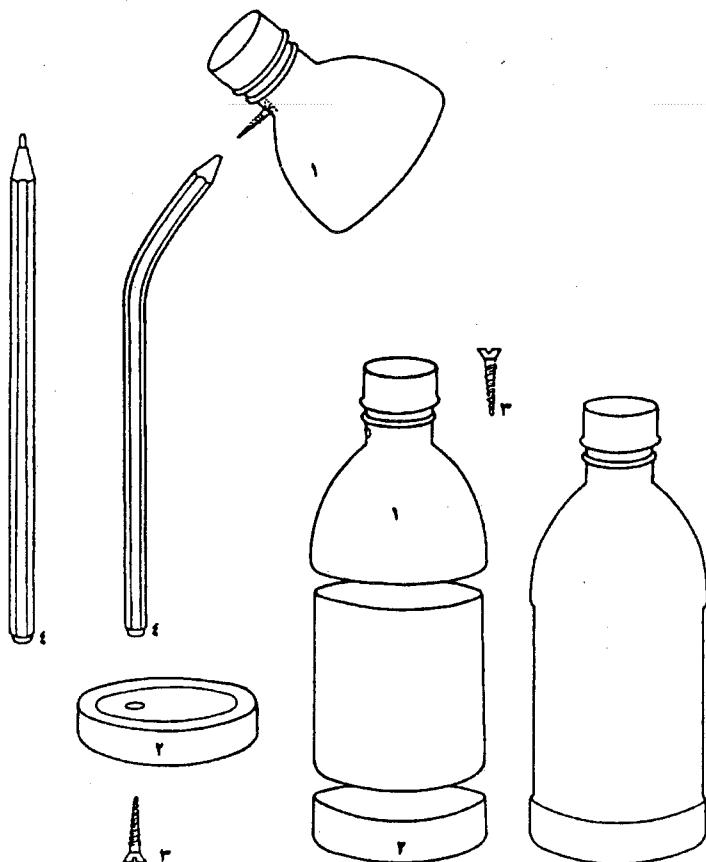


چراغ مطالعه

شما می‌توانید با چند وسیله ساده و دوریختنی، یک چراغ مطالعه زیبا بسازید.

وسایل لازم

۱. یک قوطی خالی شامپو یا
۲. یک خودکار
۳. یک عدد پیچ

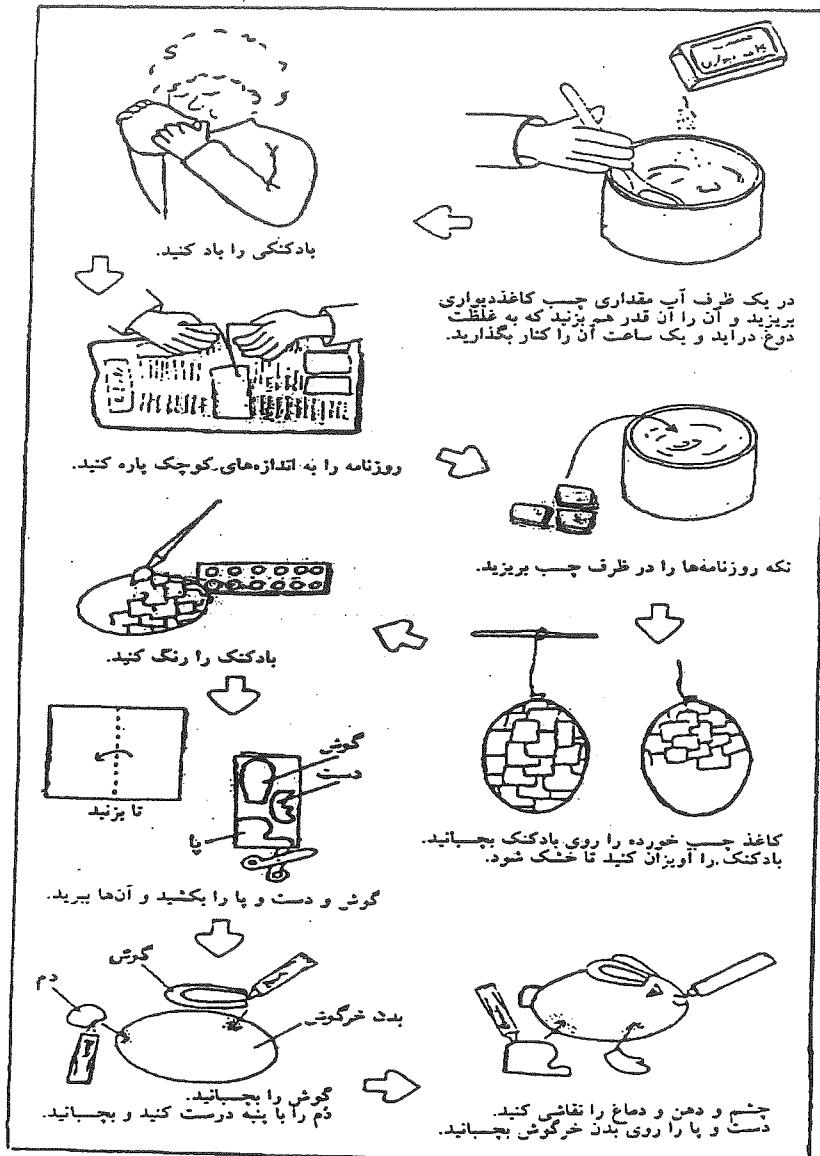


چراغ
مطالعه

حجم‌های زیبا به وسیله بادکنک

وسایل مورد نیاز:

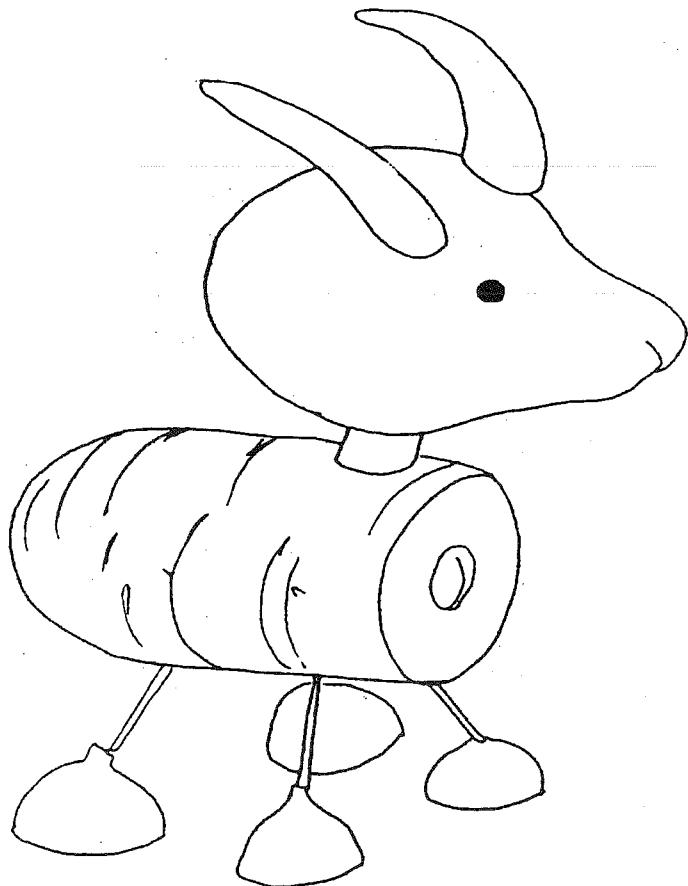
روزنامه‌های باطله، بادکنک، چسب کاغذدیواری، رنگ، قلم مو، پنبه



میوه ها

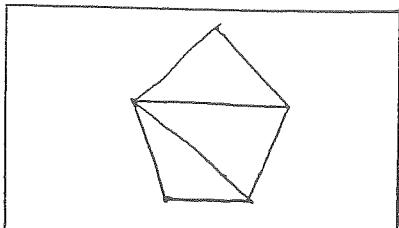
با میوه ها و سبزی ها می توان کاردستی های جالبی درست کرد. به طور نمونه با چند عدد سیب، یا هریج و یا سیب زمینی یا... می توان کاردستی درست کرد. این کار بستگی به سلیقه و حوصله شما دارد.

تذکر: در پایان با شستن و خوردن آنها از اسراف جلوگیری کنید.

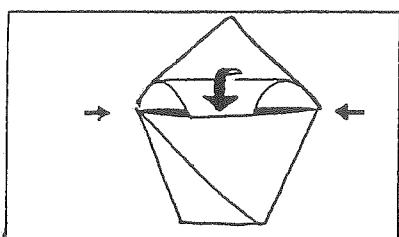


کاغذ و تا

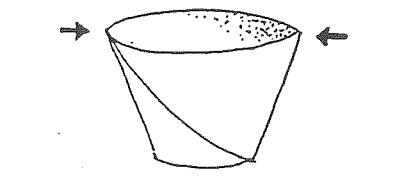
یکی از سرگرمی‌های بسیار جالب است که تنها با «تا» کردن یک تکه کاغذ و بدون نیاز به بریدن می‌توان اشکال گوناگونی مثل لیوان را ساخت.



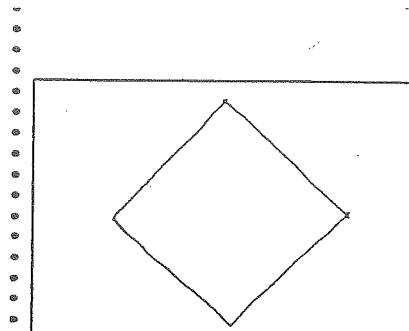
وقتی کاغذ به این شکل در آمد بقیه کار، آسان است:



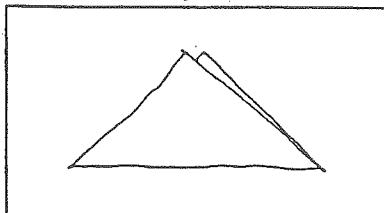
از دو گوشة بالا، جلویی را در شکاف لایه اول قرار دهد و عقبی را به داخل خود لیوان برسگردانید. از دو طرفی که با یکدیگر علامت گذاری شده است لیوان را گمی فشار بدهید.



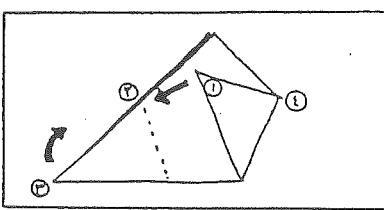
لیوان آماده است.



وسیله لازم: یک ورق کاغذ به شکل مریع، بهتر است «کاغذ روغنی» انتخاب کنید.



مریع را از روی قطر تا کنید.



گوشة ۱ را به طرف نقطه ۲ ببرید و آن را تا کنید همین کار را با گوشة ۳ انجام بدهید، به طوری که از زیر لایه اول بگذرد و روی نقطه ۴ قرار بگیرد. این لایه را هم کاملاً تا بزنید.

ماکت کعبه

وسایل مورد تیاز

۱. مقوا (ابعاد $70 \times 100 \times 100$) یک عدد

۲. چسب مایع

۳. قیچی

۴. خطکش

۵. مداد و پاک کن

روش ساخت ماکت کعبه

۱. با توجه به شکل، ابتدا بر اساس اندازه های داده شده، به صورت دقیق با خطکش بر روی مقوا، طرح را یکشید. (گفتنی است که لبه های هاشور زده یا عرض یک سانتیمتر می باشند).

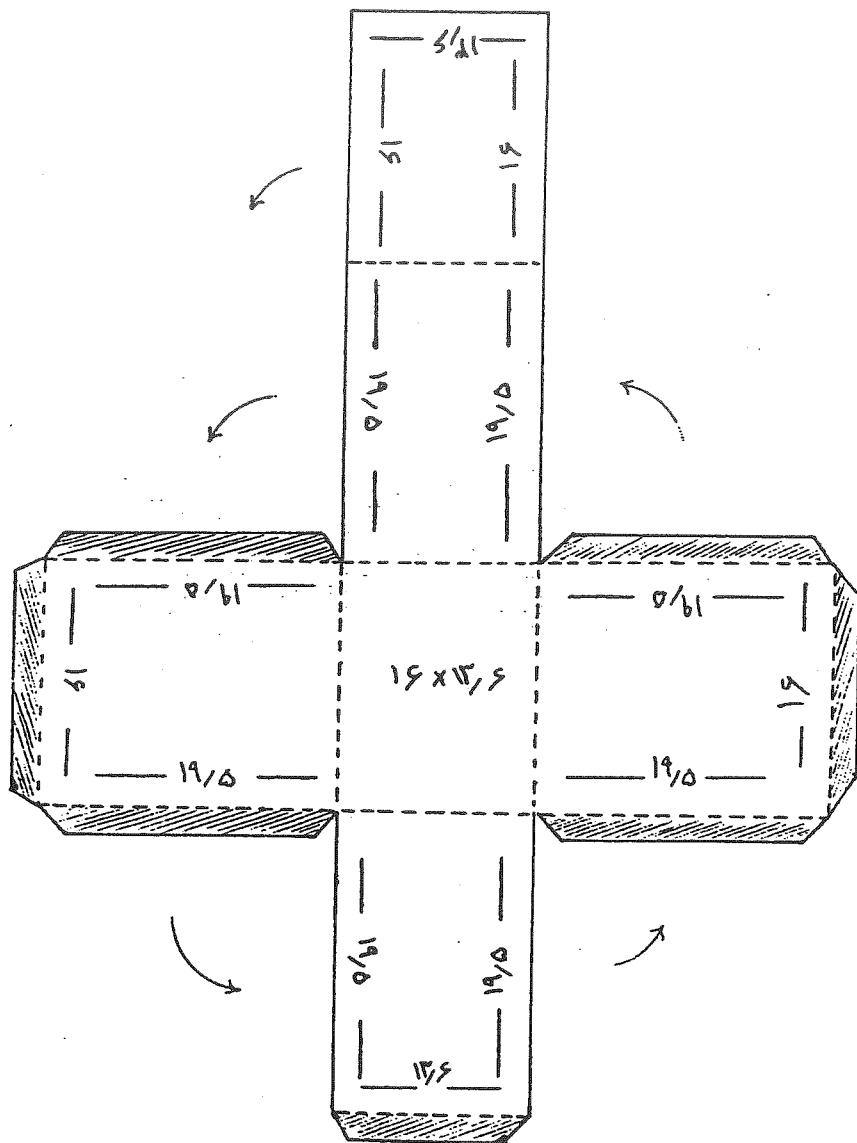
۲. سپس خطوط ممتد بر روی شکل را برش بزنید و با قیچی از مقوا جدا سازید.

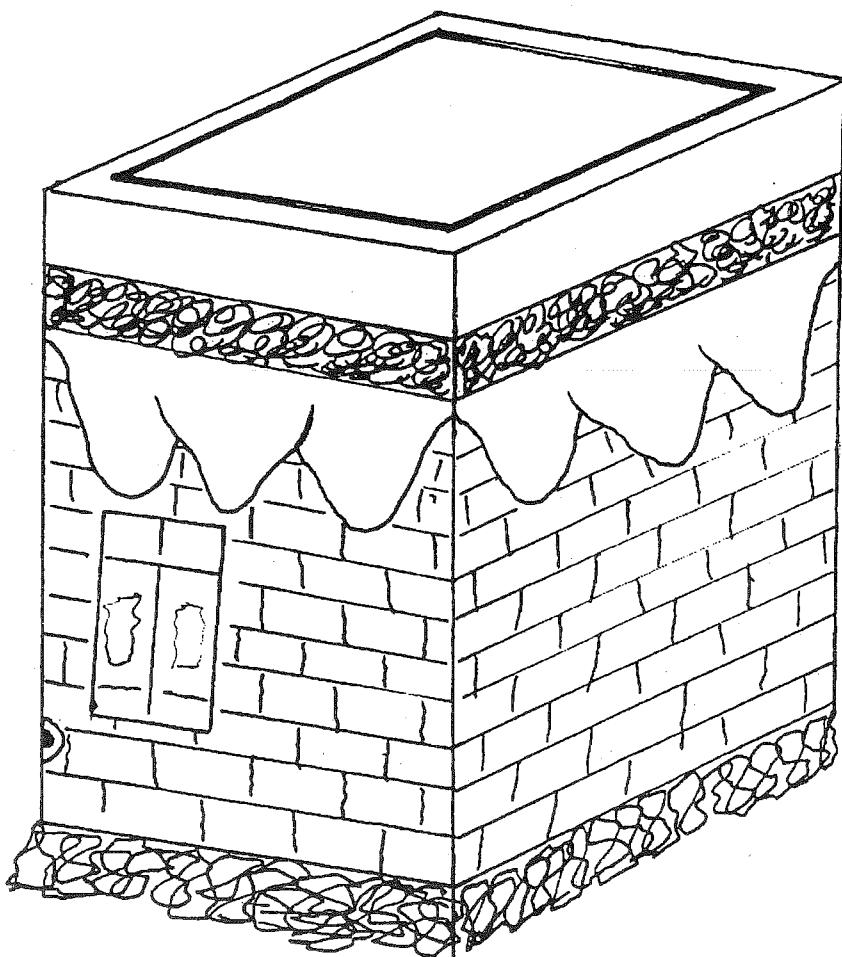
۳. آن گاه مطابق خط چین ها، شکل را تا بزنید

۴. در پایان، قسمت های مختلف را در جهت فلش های مشخص شده تا بزنید.

۵. حالا ماکت کعبه آماده است.

۶. دانش آموزان ابتدایی می توانند تصویر صفحه ۲۷۰ خانه کعبه را با سلیقه خود رنگ آمیزی نمایند.





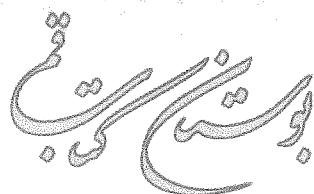
مربی گرامی! انتقادها و پیشنهادهای شما همواره راهگشای راهی است که در آن
قدم نهاده ایم. لذا از نظریه‌های خوب و سازنده شما نهایت استقبال را به عمل
می‌آوریم.

برای هر گونه تماس و ارتباط با این مرکز با نشانی زیر مکاتبه و یا تماس حاصل فرمایید.

قم - خیابان صفائیه، کوچه ۲۲ (آمار) پلاک ۴۲ مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
تلفن: ۰۹۶۴-۷۷۳۰-۷۷۸ - ۰۲۱۵-۷۷۴۳۱۷۸ - ۰۲۵۱-۷۷۴۲۷۲۰ نمبر: ۰۲۵۱-۷۷۴۲۷۲۰ ح

الكتب بساتين العلماء
كتاب‌ها بوستان دانشمندان

حضرت على عليه السلام



مؤسسه بوستان کتاب قم^۱ (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) از سال ۱۳۶۱ با هدف «تبیین و گسترش معارف دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی» با نشر آثاری از «الدیشمندان و فرهیختگان» کار خود را آغاز کرد. پس از به بار نشستن تلاش پژوهشی «واحدهای دفتر تبلیغات اسلامی»^۲، انتشار آن را نیز عهده‌دار شد.

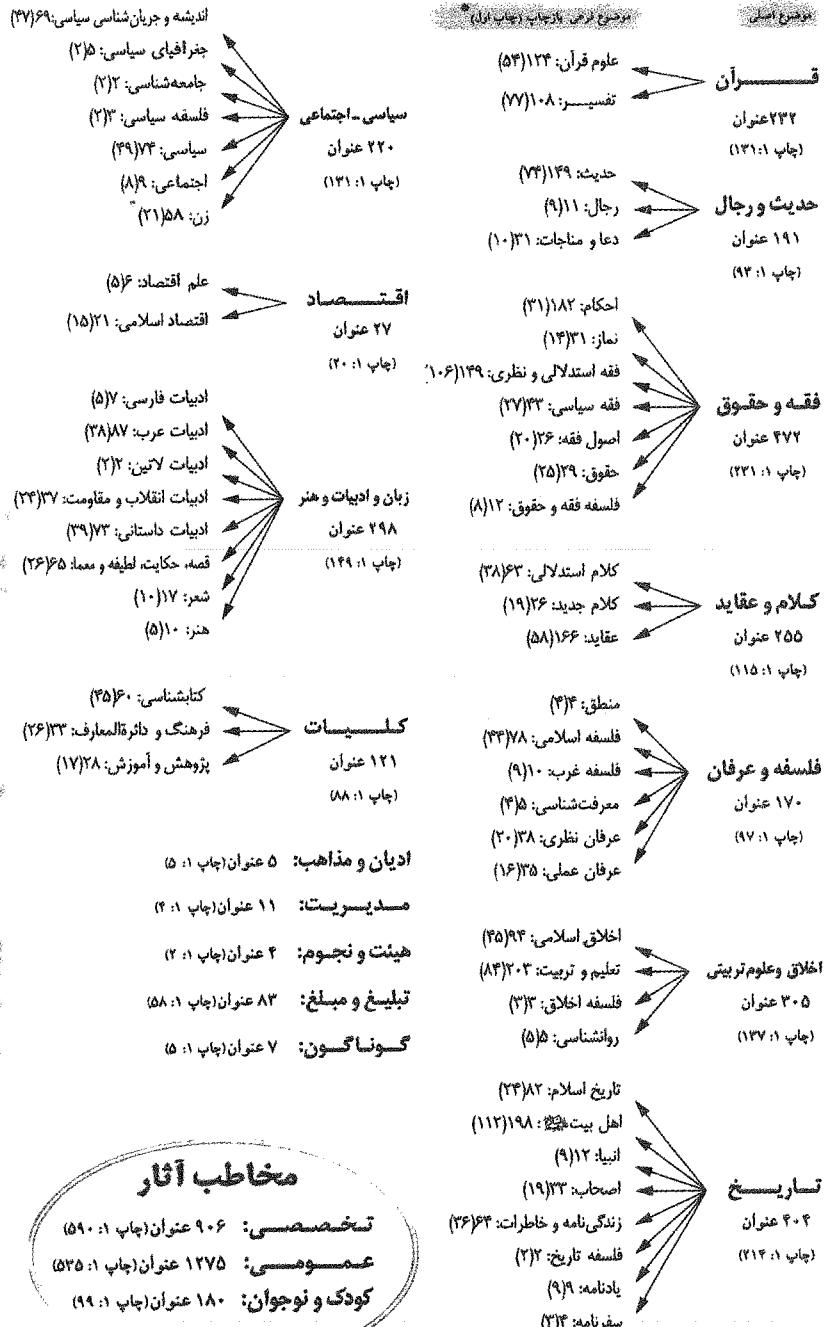
این مؤسسه آثار را در سه گروه مخاطب «تخصصی، عمومی و کودک و نوجوان» پس از تصویب در «شورای بررسی آثار» با رعایت معیارهایی از جمله: «اتفاق و محتوای مناسب، نیاز جامعه به موضوع اثر، روشن‌بودن تألیف، بودن کتاب مشابه در بازار و...» در حوزه اندیشه اسلامی منتشر می‌کند.

- پراقتخارترین
ناشر برگزیده کشور
- (۱۵) نوبت ناشر سال، ۱۳۴۳ کتاب برگزیده با ۱۴۶ امتیاز)
- ✓ ناشر سال ۱۳۷۵، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ کشوری (برگزیده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)
 - ✓ ناشر سال ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ حوزه (برگزیده مدیریت حوزه علمیه قم)
 - ✓ ناشر سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ دانشجویی
 - ✓ ناشر برگزیده دوازدهمین دوره تکریم خادمان قرآن کریم سال ۱۳۸۳
 - ✓ ناشر برگزیده نهمین و پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱
 - ✓ ناشر سال ۱۳۷۸ استان قم
 - ✓ ۱۳۴۳ کتاب برگزیده با ۱۴۶ امتیاز در جشنواره های مختلف (کتاب سال کشوری، حوزه، دانشجویی، لایت، کنگره دین پژوهان و...)

۱. از ۱/۱۳۸۰/۱۲۸ «مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم» با نام «مؤسسه بوستان کتاب قم» فعالیت می‌نماید.

۲. واحدهای دفتر تبلیغات اسلامی که آثارشان را این مؤسسه منتشر می‌کند عبارتند از: مؤسسه پژوهش علوم و فرهنگ اسلامی (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی)، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم طیله، مرکز آموزش مبلغین، مرکز آموزش خواهران، مؤسسه انتظار نور، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، معاونت فرهنگی و هنری، مجلات: پیام زن، حوزه، با معارف اسلامی آشنا شویم و...

موضوع و مخاطب آنارو تعداد آنها



نهیه آثار از طریق پست
خواستاران کتاب‌های مؤسسه می‌توانند از طریق وب سایت:
<http://www.bustaneketab.com>

یافروشگاه‌ها و نمایندگی‌های فروش آثار مؤسسه را تهیه نمایند و یا با واریز مبلغ کتاب به حساب سپارا(ملی):
۱۱۵۹۰۰۵۰۰۳ به نام مؤسسه و ارسال فیش آن به نشانی مؤسسه، از طریق پست، دریافت نمایند.

فروشگاه‌های مؤسسه

۰ فروشگاه مرکزی، قم میدان شهداء، بوستان کتاب قم، تلفن: ۷۷۴۲۴۲۶

۰ فروشگاه شماره ۲، تهران خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، کوچه دوم (بشن)، پلاک ۲۲/۳، تلفن: ۶۴۶-۷۲۵

۰ فروشگاه شماره ۳، مشهد چهارراه خسروی، ابتدای خ آزادی، مجتمع یاس، تلفن: ۲۲۲۳۶۷۶

۰ فروشگاه شماره ۴، اصفهان خ حافظ، چهار راه کرمانی، کلستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان)

تلفن: ۲۲۲-۲۷۰

کتابفروشی‌ها و مراکز انتشاراتی و نمایندگی فروش کتاب‌های مؤسسه در داخل کشور

● چالدران:

رضایی، خ ساحلی، تلفن: ۲۶۲۲۲۵۵

ازدیبل

● اردبیل:

نمایشگاه دائمی آموزش و پرورش، خ امام خمینی

تلفن: ۲۲۲۱۸۵۹

مؤسسه فرهنگی آیة الله مروج، خ ۲۰ مستری

تلفن: ۰۴۴۲-۲۶۲۲۲۵۵

● اصفهان:

امام عصر(عج)، خ چهار باغ، تلفن: ۲۲۰۴۹۲۲

خاتم الانبیاء، خ حافظ، تلفن: ۲۲۱۲۰۵۰

● تبریز:

شهید شیخزاده، خ امام خمینی

ولایت، خ شیخ محمد خیابانی، تلفن: ۵۵۶۹۲۲

● آذربایجان:

اندیشه، خ امام خمینی، مجتمع میلان، نور، تلفن: ۴۲۲۴۱۷۷

حلاظیابی، جنب مصلی، تلفن: ۵۱۸۶۳۹

● هراغه:

مرکز فرهنگی ثقلین، میدان طلوع فجر، تلفن: ۲۲۳۹۰۰۰

● میانه:

رسالت، خ سرچشم، تلفن: ۲۲۲۵۰۱۱

خدمات فرهنگی فدک، خ مسجد سید، تلفن: ۲۲۰۵۴۸۵
 سازمان تبلیغات اسلامی، خ مسجد سید، تلفن: ۳۳۶۷۴۰۱
 فرهنگسرای اصفهان، دروازه دولت، تلفن: ۲۲۰۴۰۲۹
فرهنگسرای الزهرا، چهار راه شکر رشکن،
 تلفن: ۲۲۹۱۸۷۴
گلستان کتاب، خ حافظت، تلفن: ۲۲۲۵۰۲۰
نشر و پخش کریم اهل بیت، سبزه میدان، مجتمع تجاری
 امین، تلفن: ۲۲۲۸۸۳۲
نمایشگاه کتاب آموزش و پرورش، خ شهید رجایی،
 تلفن: ۴۹۴۴۲
ولايت، (آران و بیدگل) خ ولی عصر، تلفن: ۲۰۹۵۰
کاشان:
 بزرگداشت، بازار، تلفن: ۲۴۸۵۹

اصفهان

حافظ نوین، بازار بین الحرمین، تلفن: ۵۶۳۱۳۷۴
 حکمت، خ ابوریحان، شماره ۳، تلفن: ۶۴۶۱۲۹۲
 دارالكتب الاسلامیه، خ پامنار، تلفن: ۵۶۲۷۴۴۹-۵۶۲۰۴۱۰
 دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، خ انقلاب، تلفن: ۷۴۶۹۶۸۵
 سازمان تبلیغات اسلامی، خ بهارستان، تلفن: ۷۵۲۱۹۷۵
 سازمان تبلیغات اسلامی، میدان فلسطین، تلفن: ۸۹۰۲۸۴۳
 سروش، خ انقلاب، تلفن: ۶۴۳۶۲۰
 شبکه اندیشه، ابتدای خ آزادی، تلفن: ۶۹۲۵۱۲۷
 شرکت پخش آثار، خ شهدای زاندارمری، تلفن: ۶۴۶۰۲۳۳
 شفیعی، خ اردبیلهشت، تلفن: ۶۴۹۴۶۵۴
 قدیانی، خ شهدای زاندارمری، تلفن: ۶۴۰۴۴۱۰
 کتاب مرجع، خ فلسطین، تلفن: ۸۹۶۲۷۶۸ و ۸۹۶۱۳۰۳
 کوکب، خ ۱۲ فروردین، تلفن: ۶۴۰۶۵۴۸
 مخصوصات فرهنگی عصر ظهور، خ افسریه،
 تلفن: ۲۱۴۷۲۲
 مولی، خ انقلاب، تلفن: ۶۴۰۹۲۴۲

شاهرود

بوشهر:
 سازمان تبلیغات اسلامی، میدان امام خمینی پیر،
 تلفن: ۵۵۵۸۲۵۶۲
 موعد اسلام، خ لیان، تلفن: ۲۵۲۴۹۳۲

تهران:

افق، خ پاسداران، دشتستان چهارم، تلفن: ۲۸۴۷۰۳۵
 بوسستان کتاب (فروشگاه ۳)، چهار راه خسروی،
 تلفن: ۲۲۲۳۶۷۲
آهواز:
 اشراق، خ نادری، تلفن: ۲۲۲۸۶۸۱
 رشد، خ حافظ، تلفن: ۲۲۱۶۳۴۵
اندیمشک:
 رحمانی، خ امام خمینی، تلفن: ۲۰۹۷۲
 عترت، ستاد اقامه نماز انديمشك، تلفن: ۲۴۴۱۱

اصفهان

کاشان

● دزفول:

فروشگاه کتاب حرم، حرم مطهر حضرت سبز قبا،

معراج، خ شریعتی، تلفن: ۰۵۲۰۱۳۷۵

تلفن: ۰۲۲۲۴۹۲

همشهری، خ شریعتی، تلفن: ۰۲۲۶۲۵۹

دزفول

● زنجان:

سازمان تبلیغات اسلامی، خ امام، تلفن: ۰۳۲۹۰۵۷۱

کتابفروشی مسجد سید، سبزه میدان، تلفن: ۰۳۲۲۵۵۷۷

زنجان

● شاهروند:

مسجد حضرت رسول اکرم ﷺ، خ امام خمینی،

تلفن: ۰۲۲۲۹۵۰

شاهرود

● زاهدان:

مجتمع فرهنگی نبی اکرم ﷺ، تقاطع خیابان مصطفی

Хمینی ﷺ و طالقانی، تلفن: ۰۲۲۰۴۴۲

 Zahedan

● مشیوار:

دارالکتب شهید مطهری، خ زند، تلفن: ۰۲۲۵۹۰۲۲

نجم الدین، فلکه دانشجو، تلفن: ۰۴۱۷۱۱۸۲۰۳۳

وفاق، بلوار زند، تلفن: ۰۲۲۳۲۲۰۷

مشیوار

● قزوین:

سازمان تبلیغات اسلامی، خ شهدا، تلفن: ۰۲۲۹۰۱۹

کانون توحید، میدان آزادی، تلفن: ۰۲۸۱-۰۲۲۲۳۸۷۷

قزوین

● قم:

اخلاق، خ ارم، تلفن: ۰۷۷۳۶۶۲۵

ارمنان طوبی، خ دور شهر، تلفن: ۰۷۷۳۷۷

اسلامی (جامعه مدرسین)، بلوار امین، تلفن: ۰۲۹۳۲۲۱۹

الهادی، فلکه الهادی، تلفن: ۰۶۶۱۶۱۲۲

ام القری، خ شهید رجایی، تلفن: ۰۷۲۵۶۴۶

بنیاد معارف اسلامی، خ شهدا، خ تلفن: ۰۷۷۲۰۰۹

بهشت پیش، خ بلوار امین، تلفن: ۰۸۲۸۰۸۵

پارسایان، خ ارم، تلفن: ۰۷۷۲۷۱۶

پرسمان دینی، خ ارم، تلفن: ۰۷۸۲۰۲۸

پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، خ دور شهر،

تلفن: ۰۷۷۳۰۷۵

پژوهشکده تعلیم و تربیت، خ جنتیه، تلفن: ۰۷۴۴۲۰۹

پیش، خ آذر، تلفن: ۰۷۱۲۰۷۶

توحید، چهارراه شهدا، تلفن: ۰۷۴۴۱۵۱

جمال، بلوار بهار، تلفن: ۰۷۴۶۳۵۲

حضور، خ جنتیه، تلفن: ۰۷۴۹۰۴۲۴

دارالثقلین، خ ممتاز، تلفن: ۰۷۴۴۹۹۲

دارالعلم، خ ارم، تلفن: ۰۷۴۴۲۹۸

دارالفکر، خ شهدا، تلفن: ۰۷۴۴۰۴۹

دلیل ما، معلم، تلفن: ۰۷۴۴۹۸۸

ذوی القربان، پاساز قدس، تلفن: ۰۷۴۴۶۶۳

سازمان تبلیغات اسلامی، رو به روی شیخان

تلفن: ۰۷۴۰۰۷۶

سلطانی، پاساز قدس، تلفن: ۰۷۴۰۰۴۷

شکوری، پاساز قدس، تلفن: ۰۷۴۰۰۴۲۸

صحیفه خرد، خ ممتاز، تلفن: ۰۷۴۸۹۱۲۳

صلوٰة، خ ارم، تلفن: ۰۷۴۹۰۵۷۴

طوبی، خ چهارم ریان، تلفن: ۰۷۴۱۴۸۰

عصمت، چهارراه شهدا، تلفن: ۰۷۴۰۰۵۱۰

گتابسرای قائم، پاساز قدس، تلفن: ۷۷۳۹۵۲۵

کتاب گستر جوان، خ شاه سید علی، تلفن: ۹۱۲۳۰۱۱۲۰۲

معروف، خ مصلی، تلفن: ۲۹۲۶۱۷۵

مهدی، کوچه بیگلی، تلفن: ۷۸۳۲۷۵۵-۶

مهر امیر المؤمنین، بلوار بهار، تلفن: ۷۷۴۲۹۹۷

مؤسسه امام خمینی، خ ممتاز، تلفن: ۷۷۴۲۳۲۶

مؤمنین، پاساز قدس، تلفن: ۷۷۳۱۳۳۸

نمايندگي استان قدس قم، پاساز قدس، تلفن: ۷۷۴۴۶۸۴

نويد اسلام، پاساز قدس، تلفن: ۷۷۴۲۴۶۲

هجرت، معلم، تلفن: ۷۷۴۲۴۵۹

کتابخانه

● کرهان:

سازمان تبلیغات اسلامی، خ مطهری، تلفن: ۲۲۶۹۱۷۱-۴

● بسم:

کوثر، سه راه رستم آباد، تلفن: ۴۲۰۴۰۹

● رفسنجان:

شهدای غدیر، میدان شهداء، تلفن: ۹۱۳۲۹۱۶۸۱۹

کتابخانه

● کرمانشاه:

پايروند، بازار وکيل الدوله، تلفن: ۷۷۲۷۵۶۲

خانه کتاب، میدان ارشاد، تلفن: ۸۲۲۲۲۰۱۳

شمس، میدان آزادی، تلفن: ۸۲۲۵۱۰۶

● اسلام آباد غرب:

خاتم، خ راه کربلا، تلفن: ۰۸۳۲-۰۲۲۵۶۴۷

کتابخانه

● سفندج:

غزالی، پاساز عزتی، تلفن: ۲۲۵۶۱۰۰

مرکز بزرگ اسلامی، خ امام خمینی، تلفن: ۲۲۵۳۰۱۲

کتابخانه

● گرگان:

سازمان تبلیغات اسلامی، میدان وحدت، تلفن: ۲۲۲۱۴۲۷

● گندید گاووس:

همشهری، خ گلشن غربی، تلفن: ۲۲۹۲۸۲۶ و ۲۲۹۲۹۲۸

کتابخانه

● رشت:

سازمان تبلیغات اسلامی، خ مطهری، تلفن: ۲۲۲۲۲۶۳

هازندران

● ساری:

رسالت، خ انقلاب، تلفن: ۲۲۲۳۷۴۲

کتاب گستر، خ جمهوری اسلامی، تلفن: ۲۲۱۱۹۲۲

● بابل:

سازمان تبلیغات اسلامی، جنب مسجد جامع

تلفن: ۲۲۲۰۴۲۱-۴

حدیث مهتاب، خ امام خمینی، چهار سوق، مجتمع تجاری

خاتم الانبیاء، تلفن: ۰۲۲۹۵۴۱۹ و ۰۲۹۵۴۲۱

● چالوس:

بقیة الله، مصلی، تلفن: ۲۲۲۶۷۳۶

● رامسر:

الهان، میدان امام، تلفن: ۰۵۲۲۲۹۵۸

سرکرد

● دلیجان:

شهید مطهری، خ طلاقانی، تلفن: ۰۲۲۲۶۲۲

هرمزگان

● بندرعباس:

سازمان تبلیغات اسلامی، جنب شهرداری مرکز

تلفن: ۰۲۴-۰۵۹۹

● پیزد:

نیکوروش، خامم خبینی، تلفن: ۶۷۶۴۶۹۹
سازمان تبلیغات اسلامی، بلوار شهید پاکنژاد،
تلفن: ۷۲۵۱۰۰۹

● همدان:

ایت الله مدنی، میدان دانشگاه، تلفن: ۸۲۶۰۲۱۱-۱۴

● توییسرگان:

آینه، خ باهنر، تلفن: ۴۲۲۲۷۵۱

● اردکان:

آل البصیرت لیلیلا، خ شهید رجایی، تلفن: ۷۲۲۹۱۴۶ و
۹۱۱۲۵۲۹۱۲۲

● ملایر:

سروش، خ سعدی، تلفن: ۲۲۱۶۸۵۰

نمایندگی‌های فروش کتاب‌های مؤسسه در خارج کشور

● دمشق:

کتابفروشی الجوانین، الشارع عام سیده زینب، مقابل
حوزه زینبیه.

● بغداد:

مکتبة دار السجاد، شارع المتبنی.

● بصره:

مکتبة دار الزهراء لیلیلا اوبار الامام الهادی، سوق العشار.

● بیروت:

دارالغدير، حارة حریک بنایة البنك اللبناني السویسی،
هائمه، تلفیض: ۹۶۱۱۵۸۲۱۵، ۹۶۱۱۵۷۳۶۰۴.

● نجف:

منشورات ذوى الغربى، سوق الحدیث.

مؤسسه برای واگذاری نمایندگی آثار خود به کتاب فروشی‌ها و مرکز پخش
- خصوصاً در شهرهای فاقدنایدگی - آمده همکاری و انعقاد قرارداد است.

مؤسسه بوستان کتاب قم

(انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی جزو علمیه نم)

پیمن ماه ۱۳۸۳

RAHTŪSHE-YE RĀHEAYĀN-E NŪR

Būstān-e- Ketab- Qom, press

(The Garden of the Book - Qom)

[Publication Institute affiliated to the

"Daftar-e- Tablīqāt Islāmī Huze 'Elmiye Qom"

(The office of Islamic Propagation of the Islamic Seminary of Qom)]

The most glorious selected publisher in Iran

Qom,IR.IRAN.P.O.Box: 37185.917

Phone No:+98251 7742155 Fax: + 98251 7742154

<http://www.bustaneketab.com>

E-mail: bustan@ bustaneketab.com

مؤسسة بستان الكتب في قم

مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي

الناشر أكبر نجاحاً على المستوى الوطني

عنوان المكتب المركزي: إيران، قم، أول شارع الشهداء، ركن الزقاق، ٨٧، ص: ب، ٩١٧

الهاتف: +98251 7742100، الفاكس: +98251 7742104، التوزيع: +98251 7742426